ایرانیان در کتاب مقدس



ایرانیان در کتاب مقدس

Persians in the Holy Bible

بزبان فارسی
Persian language

نویسنده: الن هانتزینگر
By: Allyn Huntzinger

انتشارات سازمان خدمات جهانی فارسی زبان
Persian World Outreach, Inc. Publication
PO Box 62
Quinton, NJ 08072
USA

Phone & Fax: 856-878-9799
Email: pwo@worldmail.org
Web Site: www.persianwo.org

چاپ ژانویه ۲۰۰۴

New update January 2004

پیشگفتار

آیا متوجه شده اید که نام کشور ایران مرتباً در کتاب‌مقدس مسیحیان ذکر شده است؟ چهار پادشاه اول پارس: کورش؛ داریوش، خشاریارشا، و اردشیر بارها نامشان در کتاب‌مقدس ذکر شده است. ایران یکی از اولین ملیت‌هایی است که خدا برگزید تا اراده مقدس خود را به‌انجام برساند.

ایران، که در کتاب‌مقدس به عنوان پارس شناخته شده، سرزمین شخصیت‌های معروف کتاب‌مقدس مانند استر ملکه و دانیال می‌باشد! همچنین، کتاب‌مقدس می‌فرماید که این ملت بوسیله خدا بنیانگذاری شد تا قوم یهود را از اسارت بابل رهایی دهد. پادشاهی که اجازه داد یهودیان به اورشلیم باز گردند، کورش کبیر بود. او از پادشاهان حکومت سلطنتی پارس بود، در حقیقت نام و زندگی و کارهای او توسط اشعیاء نبی۱۵۰ سال قبل از اینکه بدنیا بیاید پیشگویی شده بود.

عهد عتیق (که عموماً به‌عنوان تورات نام معروف است) نام پادشاهان دیگر پارس را ذکر می‌نماید از جمله داریوش پادشاه که با انبیایی چون حجی و زکریا همزمان بود. استر ملکه و شوهرش خشایارشا بر کشور ایران حکومت می‌کردند که وسعت قلمرو آن از هندوستان تا حبشه در آفریقا امتداد داشت. اردشیر پادشاه بود که به نحمیا اجازه دادکه به اورشلیم باز گردد و دیوارهای شهر را بنا کند. ایرانیها این اشخاص را نه فقط به‌عنوان شخصیت‌های کتاب مقدس میشناسند بلکه بخشی از تاریخ کشور خود می‌دانند. دانیال، استر، عزرا، و نحمیا اشخاص عالی قدری بودند که به‌عنوان شهروندان خدا ترس در امپراطوری ایران زندگی کردند. نام ایرانیها مجدداً در عهد جدید (که عموماً با نام "انجیل" معروف است) ذکر گردیده. ایرانیان در ایام عید پنطکاست که چهل روز بعد از صعود مسیح به آسمان جشن گرفته می‌شد در اورشلیم حاضر بودند. آنان موعظه پطرس را که پر از روح بود شنیدند، از گناهان خود توبه نموده، عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحای موعود خود پذیرفتند. تاریخ کلیسا نقش ایرانیان را در اشاعه پیام انجیل در سراسر آسیا تائید می‌کند. یک مسیونر ایرانی بنام آلوپن (Alopen) در سال ۶۳۵ بعد از میلاد به کشور چین رفت تا خبر خوش نجات بوسیله عیسی مسیح را اعلان کند. بعلت فعالیت او در قسمت مرکزی چین یک کلیسای قوی بوجود آمد که چند صد سال ادامه داشت

من این افتحار را داشتم که طی سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ همراه با دیگر همکارانم در میسیون بین المللی (که اکنون اسم آن کریستار "Christar" می‌باشد) در ایران خدمت کنم. کار ما بشارت، شاگردسازی و تاسیس کلیسا بود. همچنین عهده‌دار کار نامه‌نگاری دروس کتاب مقدس به زبان فارسی بودیم. در سالهای ۱۹۶۳ مشارکت انگلیسی زبان تحت عنوان Tehran Bible Church جهت خارجیانی که در ایران بسر می‌برند، تاسیس یافت. اینجانب چندین سال کشیش آن کلیسا بودم. از آنجایی که اکثر مسیحیان خارجی در ایران، نمی‌دانند که این کشور همان مملکت پارس است که در کتاب‌مقدس مذکور آمده، لذا من بمدت ۳ ماه بطور مخصوص در کلاس درس کتاب‌مقدس، دروسی تحت عنوان "ایران و کتاب مقدس" تعلیم دادم.

عاقبت از من خواسته شد که آنچه را تعلیم داده ام بصورت جزوه در بیاورم، بدین ترتیب در سال ۱۹۷۴ جزوه "ایران و کتاب مقدس" پا به عرصه وجود نهاد.

می‌خواهم به دوستان ایرانی مسیحی خود خاطر نشان کنم که خدا دارد تشنگی روحانی تازه‌ای در مردم ایران بوجود می‌آورد. امیدوارم مطالعه این کتاب شناخت شما را افزایش دهد تا بدانید که چگونه خدا ایرانیان را در گذشته مورد استفاده قرار داده و امروز نیز ایشان را به‌کار می‌برد و تشویقتان نماید تا برای آنچه که خدا در آینده نزدیک در میان آنان به‌انجام خواهد رسانید دعا کنید. شما هم می‌توانید بخشی از کار خدا باشید. امیدواریم درک شما از این حقایق این غیرت را در شما بوجود بیاورد تا برای دیگر ایرانیان دعا کنید و به‌طریق‌های مختلف در خدمت به ایشان سهیم شوید. آرزوی من این است که عده زیادی از مسیحیان ایرانی این کتاب را بخوانند و درک عمیقتری از کار خدا در میان ملت خود و در زندگی اشخاصی مانند استر و دانیال کسب کنند. دعای من برای آنها این است که آرزو کنند شبیه استر و دانیال گردند. تنها این نسل از ایمانداران فارسی‌زبان است که کلید این را در دست دارد تا خبر خوش نجات بوسیله عیسی مسیح را به ۶۷ میلیون ایرانی در ایران و ۴ میلیون ایرانی پراکنده در سرتاسر جهان برسانند.

می‌خواهیم این را به ایرانیانی که مسیحی نیستند یادآوری کنم که کتاب‌مقدس مسیحیان یک کتاب غربی نیست. این کتاب در مناطقی چون اسرائیل، مصر، ترکیه، عراق و ایران نوشته شده. بسیاری از قسمت‌های پایانی عهدعتیق در طی حکومت چهار پادشاه ایران روی داده است. ایمان دارم در حالیکه درباره تاریخ ایران باستان در این کتاب مطالعه می‌کنید، شادی شناخت خدا را بوسیله عیسی مسیح بطریق شخصی تجربه کنید. زمانی که با مشکلات فراوان روبرو می‌شویم این عیسی مسیح است که می‌فرماید "بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتادهدل می‌باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت. زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک" (متی ۱۱: ۲۸-۳۰).

قسمت‌هایی که از کتاب‌مقدس در این کتاب آورده شده از ترجمه نسخه چاپ فارسی مربوط به سال ۱۸۹۵ میلادی می‌باشد. در عوض در جایهایی که لغات و عبارات قدیمی آمده از فارسی مدرن استفاده خواهد شد. همچنین ممکن است بعضی لغات از ترجمه تفسیری باشد که در ۱۹۹۵ بچاپ رسیده. یا از نسخه انجیل شریف که ابتدا در سال ۱۹۷۶ میلادی بچاپ رسیده. ترجمه تفسیری کتاب‌مقدس را می‌توان از طریق اینترنت، www.gospelcom.net/ibs/bibles/Farsi/ بدست آورد. هر وقت که قسمتی از کتاب‌مقدس نقل قول می‌شود، ابتدا نام کتاب از ۶۶ جزو کتاب‌مقدس ارائه می‌شود؛ سپس شماره فصل مورد نظر و بالاخره شماره آیه یا آیات که قسمت دقیق کلام خدا را نشان می‌دهند عرضه می‌گردد. این شماره‌گزاریها در نسخه اولیه بوسیله خدا الهام نشده بلکه بعداً اضافه گردید تا با کمک آن ایمانداران بتوانند قسمت‌های مختلف کتاب‌مقدس را سریعاً پیدا کنند.

می‌خواهم در اینجا از همسرم دایان (Diane) بطور مخصوص تشکر کنم. هنگامی که به او پیشنهاد کردم با من ازدواج کند، می‌دانست که قبول کردن آن مستلزم این خواهد بود که با هم خداوند ما عیسی مسیح را در ایران خدمت کنیم. دو سال اول را در ایران به آموختن زبان فارسی پرداختیم. سپس با هم مشغول خدمت شدیم د رحالیکه مسئولیت تعلیم و تربیت هر

سه فرزندانمان را به‌عهده داشتیم. بعلاوه دایان در تهیه این کتاب از طریق تنظیم و بازنویسی به افکار پراکنده من کمک زیادی نمود.

همچنین خانم نانسی مورر (Nancy Maurer) در نسخه انگلیسی این کتاب نصایح گرانبهایی دادند و به عنوان ناشر نیز در بعضی از قسمت‌های این کتاب اصلاحات زیادی نمودند. از سازمان کریستار که در آن مشغول خدمت هستم قدردانی می‌نمایم که اجازه دادند از بخش منشی اداره خصوصاً خانم جودی باتلر (Judy Butler) جهت تجدید نظر و چاپ این نسخه‌ها استفاده شود. بالاخره می‌خواهم از کلیساها و افراد زیادی که با دعاها و کمک مالی خود وفادارانه طی این سالهای زیاد ما را پشتیبانی کردند تا بتوانیم به ایرانیان خدمت کنیم تشکر نمایم.

علاقه قلبی من نسبت به رفع احتیاج روحانی مردم ایران در تمام دنیا کاسته نشده است. در صورتیکه بتوانم شما یا کلیسای شما را یاری دهم تا به ایرانیان بشارت دهید یا در خصوص خدمت بین ایرانیان آگاهیهایی بدست آورید، در خدمت شما خواهم بود. می‌توانید از طریق ای میل با نشانیهای Al@christar.org یا Allyn@pastors.com ، یا با این نشانی پستی مکاتبه فرمایید.

Allyn Huntzinger
c/o Christar
PO Box 14866
Reading, PA 19612 USA

توجه داشته باشید که شما آزاد هستید که هر قسمت یا تمام قسمت‌های این کتاب را فتوکپی نموده، به دوستان خود یا دیگران بدهید. نویسنده از فروش این کتاب پولی دریافت نمی دارد بلکه تمام وجوه دریافتی، جهت چاپ بیشتر کتاب "ایرانیان در کتاب‌مقدس" به‌مصرف خواهد رسید. در صورت تمایل بخشهایی از این کتاب را می‌توانید به دوستان ایرانی در هر جای دنیا که هستند، از جمله به ایران ارسال فرمایید. لطفاً ذکر بفرمایید که آن بخش از کتاب "ایرانیان در کتاب مقدس" می‌باشد. همچنین در صورتیکه مایل باشید این کتاب را از طریق پرونده تصویری کامپیوتری یا (PDF) دریافت دارید، از طریق نامه نگاری کامپیوتری با من تماس بگیرید al@christar.org و کتاب را ضمیمه کرده، برایتان خواهم فرستاد. تمام متن انگلیسی این کتاب در سایت اینترنت www.farsinet.com/persiansinbible و www.persianwo.org موجود است و می‌توانید از آن کپی کنید. ترجمه فارسی این نیز در همان صفحه موجود می‌باشد.

دعای من این است که این کتاب در جهت تکریم و جلال خداوند و نجات دهنده ما عیسی مسیح به‌کار برده شود.

آلن هانتزینگر
ژانویه ۲۰۰۴

فهرست مندرجات:

فصل ۱

يك سلسله سلطنتی پا به عرصه وجود می‌گذارد

مقدمه

چه افتخاری که شخص را ایرانی بدانند! امروزه چند کشور را می‌شناسید که بتوانند مانند ایرانیان ادعا کنند که ۲۵۰۰ سال سابقه تاریخی دارند؟ اگر به خاطر داشته باشید، در سال ۱۹۷۳ سران مملکت ایران با شخصیتهای مهم بین المللی در شهر تاریخی و باستانی تخت‌جمشید گرد آمدند تا ۲۵۰۰ سال تاریخ ایران را که با اولین پادشاه آن یعنی کورش کبیر آغاز گردید جشن بگیرند.

به کشورهای شمال ایران توجه کنید از جمله آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان. این کشورهای جدیدالتاسیس تاریخ سیاسی جاری آنها کمتر از ۱۳ سال است. بنظر می‌رسد که تقریباً هر سال کشورهای جدید تشکیل می‌گردد. در حالیکه کشور ایران بیش از ۲۵۰۰ سال پیش تشکیل شده و تا به امروز موجود می‌باشد! چه چیزی باعث این تفاوت شده است؟ آیا دست خدا در کار بوده؟ اشعیاء نبی در کتاب‌مقدس می‌فرماید که خدا این کشور را تاسیس کرد تا مقاصد خدا را به انجام برساند. عهدعتیق تاریخ قوم یهود را بیان می‌کند. تاریکترین زمان تاریخ آنها در قسمت آخر عهدعتیق ثبت گردیده است، زمانی که ابتدا توسط آشوریها و سپس توسط امپراطوری بابل به اسارت برده شدند. اگر به برخی از جزئیات توجه کنید، خواهید دید که ایران در نقشه خدا چقدر مهم بوده است.

الف) اسرائیل به اسارت برده می‌شود

آشوریها از نسل آشور پسر دوم سام و نوه حضرت نوح می‌باشند (پیدایش ۱۰: ۲۲). حکومت آشور وسیع و نیرومند بود و کل خاور میانه را در بر می‌گرفت.

۱- از اشعیاء ۱۰: ۵-۶ می آموزیم که خدا امپراطوری آشور را بوجود آورد تا اسرائیل را بخاطر گناهانش تنبیه کند.

"خداوند میفرماید: من آشور را مانند چوب تنبیه بدست خواهم گرفت و برای مجازات آنانی که برایشان خشمناک هستم به کار خواهم برد قوم آشور را بر ضد این قوم خدانشناس که مورد خشم من هستند خواهم فرستاد تا آنها را غارت کنند و مانند گِل زیر پایهای حود لگدمال نمایند".

الف) آشوریها ۱۰ طایفه شمالی اسرائیل را احتمالاً حدود ۷۲۲ ق.م به اسارت بردند. دقت کنید که بعضی از قوم یهود در میان مادها که ایران امروز میباشد ساکن شدند.

"سرانجام در نهمین سال سلطنت هوشع، شلمناسر شهر سامره را گرفت و مردم اسرائیل را اسیر نموده به آشور برد. او بعضی از اسرا را در شهر حُلَحً، برخی دیگر را در شهر جوزان که کنار رود خابور است، و بقیه را در شهرهای سرزمین ماد سکونت داد" (دوم پادشاهان ۱۷: ۶).

ب) حدود ۲۲ سال بعد یکی از پادشاهان آشور بنام سخاریب سعی کرد اورشلیم و یهودا را تسخیر نماید اما شکست خورد (دوم پادشاهان ۱۸: ۱۹، اشعیا بابهای ۳۶-۳۸).

یهودا بعداً در ۶۸۲ ق.م. تسلیم بابلیها شد. و عاقبت مردم آن به بابل تبعید گردیدند.

ج) امروزه حدود ۳۵,۰۰۰ آشوری وجود دارند که خیلی از آنها مسیحیان اسمی هستند و در ایران زندگی می‌کنند. آنها از نسل امپراطوری آشور هستند. در فصل دیگری در خصوص آنان سخن خواهیم گفت.

۲- بعداً خدا حکومت دیگری برانگیخت بنام بابل. در زمان سلطنت نبوکدنصر، بابلیها باقی مانده قوم یهود را اسیر کرده آنها را به بابل بردند.
"پس خداوند پادشاه بابل را بضد ایشان برانگیخت و تمام مردم یهودا را به دست او تسلیم کرد. او به کشتار مردم یهودا پرداخت و به پیر و جوان، دختر و پسر، رحم نکرد وقتی وارد خانه خدا شد جوانان آنجا را نیز کشت. پادشاه بابل اشیاء قیمتی خانه خدا را از کوچک تا بزرگ همه را برداشت و خزانه خانه خداوند را غارت نمود و همراه گنجهای پادشاه و درباریان به بابل برد سپس سپاهیان او خانه خدا را سوزاندند، حصار اورشلیم را منهدم کردند، تمام قصرها را به آتش کشیدند و همه اسباب قیمتی آنها را از بین بردند. آنانی که زنده ماندند به بابل به اسارت برده شدند و تا به قدرت رسیدن حکومت پارس، اسیر پادشاه بابل و پسرانش بودند. به این طریق، کلام خداوند که بوسیله ارمیای نبی گفته شده بود به حقیقت پیوست که سرزمین اسرائیل مدت هفتاد سال استراحت خواهد کرد تا سالهایی را که در آنها قوم اسرائیل قانون سبت را شکسته بود جبران کند" (دوم تواریخ ۳۶: ۱۷-۲۱).

۳- خدا امپراطوری پارس را برانگیخت تا امپراطوری بابل را مجازات و تسخیر کند و ارمیای نبی در باب ۲۹ آیه ۱۰ (ترجمه تفسیری) اینطور می نویسد. "اما وقتی هفتاد سال اسارت در بابل تمام شود، همانطور که قول داده ام، بر شما نظر لطف خواهم انداخت و شما را به وطنتان باز خواهم گرداند."

ایران مدت ۷۰ سال تحت اسارت امپراطور بابل بود، اما بوسیله امپراطوری پارس آزاد گردید. معجزه بزرگ اینجاست که اشعیاء نبی ۱۵۰ سال آینده را دیده، پادشاهی را که سر سلسله حکومت تازه است یعنی کورش کبیر را نام می‌برد. فکر کنید شما ۱۵۰ سال قبل زندگی می‌کردید، یعنی حدود سال ۱۸۵۲. آیا می‌توانستید نام رهبر امروز ایران یا هندوستان یا ژاپن یا ایالات متحده را پیشگویی کنید؟ کتاب‌مقدس،کلام خدا، جزئیات دقیق آینده را برایمان بیان می‌کند زیرا بوسیله انبیاء و اشخاص دیگر دقیقاً همانطور که خدا به آنها فرمود نوشته شده است. بیایید کورش کبیر را از نزدیک ملاحظه کنیم.

ب) خدا پادشاهی را بر می انگیزاند

کورش که وسیله‌ای در دست خدا بود، در حدود ۵۵۰ قبل از میلاد به قدرت رسید. او را کورش کبیر می نامند. می‌توانید در این قسمت‌های کتاب‌مقدس درباره او مطالعه کنید. کتاب اشعیاء ۴۱: ۲-۳، ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۳، ۴۵: ۱۳، ۴۶: ۱۰-۱۱، ۴۸: ۱۴-۱۵.

۱- نام پارسی کورش، با تلفظ عبری آن در عهدعتیق مطابقت دارد. صدها سال بعد از مرگ کورش هنوز هم ایرانیان نام او را یاد می‌کنند. سالها بزرگترین فروشگاههای زنجیره‌ای همراه با بسیاری از هتلها بنام او یعنی کورش نامگذاری شده بود؛ دو خیابان اصلی که از مرکز تهران بطرف کوههای شمال امتداد می‌یافت، کورش کبیر نام داشت. بعد از سقوط شاه

و تأسیس دولت اسلامی خیلی از این اسامی تغییر کرد. به هر حال بعضی ها هنوز هم اسم پسرانشان را کورش می‌گذارند.

۲- به عناوینی که خدا به کورش داد، در اشعیا ۴۴: ۲۸ و ۴۵: ۱ و ۴۱: ۲ داد، توجه بفرمایید: "و درباره کورش می گوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید و درباره اورشلیم می‌گوید بنا خواهد شد و درباره هیکل که بنیاد تو نهاده خواهد گشت" (اشعیاء ۴۴: ۲۸).
"خداوند به مسیح خویش یعنی به کورش که دست راست او را گرفتم تا بحضور وی امتها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را بحضور وی مفتوح نمایم و دروازه ها دیگر بسته نشود" (اشعیاء ۴۵: ۱).

کورش شبان من و مسیح من خوانده شد.

۳- به شرح وظایفی که خدا به کورش داد توجه بفرمایید.
الف: آزادکردن اسرای یهودی
ب: کمک در بنای اورشلیم
ج: بنیانگذاری اساس معبد
د: مجازات بابل

۴- چرا خدا از یک پادشاه غیر یهودی برای آزادی یهودیان استفاده می‌کند.
"من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی من کمر ترا بستم هنگامی که مرا نشناختی تا از شرق آفتاب و مغرب آن بدانند که سوای من احدی نیست من یهوه هستم و دیگری نی" (اشعیاء ۴۵: ۵-۶).

مجدداً در آیات ۲۱ و ۲۲ در همان فصل، خداوند می‌فرماید که او تنها خداست و خود را عادل و نجات‌دهنده اعلان میکند. تنها خدا می‌تواند واقعاً نجات دهد. با این حال می‌بینیم که یک پادشاه بیگانه را بکار می‌برد تا حاکمیت خود را بر همه چیز نشان دهد.
"پس اعلان نموده ایشانرا نزدیک آورید تا با یکدیگر مشورت نمایند کیست که اینرا از ایام قدیم اعلان نموده و از زمان سلف اخبار کرده است. آیا نه من که یهوه هستم و غیر از من خدایی دیگر نیست. خدای عادل و نجات دهنده و سوای من نیست. ای جمیع کرانهای زمین به من توجه نمایید و نجات یابید زیرا من خدا هستم و دیگری نیست."

۵- مذهب ایران در زمان کورش دین زرتشت بود. اعتقاد به این که نور خوب است و تاریکی بد، قسمتی از این مذهب بود. اشعیاء نبی می‌فرماید. "پدیدآورنده نور و آفریننده ظلمت صانع سلامتی و آفریننده بدی من یهوه صانع همه این چیزها هستم" (اشعیاء ۴۵: ۷)
هنگامیکه خدا مکاشفه خود را به اشعیاء داد اینرا تاکید فرمود که همه چیز در کنترل او است، حتی آفرینش نور و تاریکی و تمام خلقت.

۶- خدا چه وعده هایی به کورش داد؟ در اشعیاء ۴۵: ۱-۳ می‌بینیم که خدا وعده‌های زیادی به کورش داده است. خدا دست راست کورش را می‌گیرد. قدرتی را که به او داده به نمایش در می آورد. دروازه ها را گشوده، کشورها را مغلوب خواهد ساخت. جایهای ناهموار را هموار خواهد ساخت و درهای برنجی را شکسته، پشت‌بندهای آهنی را خواهد برید. کروش

سه تا از چهار امپراطوری بزرگ دنیای زمان خود را مغلوب ساخت. یکی از آنها ماد بود که جذب پارس شد و کشور واحدی گردید. خدا به کورش "خزاین ظلمت" را بخشید، این امکان دارد که به ثروت مملکت لیدیا اشاره شده باشد که کورش آن را قبل از حمله به بابل فتح کرد. افسانه پادشاه میداس ممکن است ریشه در سر زمین لیدیا و شاه تاریخی آن کروسُس داشته باشد.

ج) کوروش وظایف خود را به‌کمال می‌رساند

کسی که شغلی دارد شرح وظایف هم دارد تا بداند مسئولیت‌هایش چیست. شرح وظایف کورش قبلاً پیشگویی شده بود.

۱- کورش قوم یهود را آزاد کرد تا به سرزمینشان بازگردند. اشعیاء ۴۵: ۱۳ می‌گوید که او جهت این وظیفه مخصوص معین شده بود آنهم بدون انتظار دریافت پاداش (جهت جزئیات بیشتر به فصل ششم "چگونه پنج پادشاه ایران وارد کتاب‌مقدس شدند" مراجعه فرمایید). همچنین تاریخ نیز به این کار نیکو گواهی می دهد. کتاب تاریخ کلاس پنجم در ایران بطوریکه اینجانب مطالعه کرده ام عکس کورش را نشان می‌دهد که در مقابل گروهی از قوم یهود که از اسارت بابل آزاد شده اند ایستاده است، و چنین شرح می دهد: "به فرمان کورش، یهودیانی که در اسارت بابل بودند آزاد شدند و می‌توانند به شهر مقدس خود اورشلیم باز گردند." به یهودیان اجازه داده شد، طلا و نقره همراه خود ببرند. همچنین کورش طلا و نقره ای که نبوکدنصر پادشاه بابل ۷۰ سال قبل از خانه خدا به سرقت برده بود برگردانید.

بازگشت یهودیان در آنزمان را با بازگشت یهودیان به اسرائیل از اتحاد شوروی سابق طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰ مقایسه کنید. یهودیان شوروی گرچه مجاز بودند به کشور اسرائیل بازگردند، اما باید مبلغ زیادی می‌پرداختند تا بتوانند از آنجا خارج شوند. باید تمام دارایی از جمله مستغلات خود را در روسیه جا بگذارند. مهاجرت آنها به اسرائیل به بهای زیادی تمام می‌شد. اما زمان کورش عکس آن صادق بود یعنی او حتی به یهودیانی که به اورشلیم باز می‌گشتند کمک هایی هم می‌کرد.

۲- کورش بازسازی اورشلیم را بطوری که در اشعیاء ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۱۳ پیشگویی شده امکان‌پذیر ساخت. به برکت او بیش از ۴۲,۰۰۰ یهودی به شهر اورشلیم باز گشتند تا دیوارهای شهر را بنا کرده، بار دیگر شهر را مستحکم سازند.
"کورش پادشاه فارس چنین می‌فرماید یهوه خدای آسمانها، جمیع مالک زمین را بمن داده است و مرا امر فرموده که خانه‌ای برای وی در اورشلیم که در یهوداست بنا نمایم. پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدایش با وی باشد او به اورشلیم که در یهودا است برود" (عزرا ۱: ۲-۳).

۳-کورش در بازسازی بنیاد معبد کمک کرد. در دوم تواریخ ۳۶: ۲۳ ملاحظه می‌کنیم که کورش اعلان می‌کند که خدا او را بطور مخصوص جهت این کار معین کرده است. به هر حال بخاطر بیاورید که از اشعیاء ۴۴: ۲۸ می‌فهمیم که در آن زمان فقط بنیاد معبد نهاده شد. کتاب عزرا داستان شادی قوم اسرائیل در بنیانگذاری معبد جدید و همچنین ناا میدی و یأس آنها را در اثر ضدیت اقوام مجاور را بیان می‌کند. کار بازسایزی، ۵۰ سال بعد تحت رهبری حجی نبی بپایان رسید.

۴- کورش بابل را مجازات کرد. در اشعیاء ۴۸: ۱۴-۱۵ کورش تحت عنوان کسی که "خداوند او را دوست می دارد" نا میده شده که هدف خدا را بر ضد بابل به‌انجام رسانید. افسانه‌های تاریخی در مورد پیروزی عظیم او بر امپراطوری بابل وجود دارد. از جمله اینکه او مخفیانه مسیر رود فرات را که از وسط پایتخت بابل می‌گذشت تغییر داد تا اینکه سپاه او بتواند شبانه از بستر رودخانه عبور کرده، شهر را تسخیر نماید.

د) کاربرد شخصی

۱- توضیحات کتاب‌مقدس ما را یاری می‌دهد که ایران را به‌عنوان یک ملت، بهتر مورد توجه قرار بدهیم. برخلاف سایر امپراطورها که خدا برانگیزانید تا بوسیله آنها اسرائیل را مجازات کند، مانند آشور و بابل، ایران جهت رهایی قوم یهود بکار برده شد. در حالیکه خیلی ملل دیگر بعلت طرز برخورد با اسرائیل از بین رفتند، ایران به‌عنوان یک مملکت بیش ۲۵۰۰ سال است باقی مانده است.

۲- چگونه می‌توان گفت که کتاب‌مقدس از جانب خداست؟ یک امتحان اینست که وقایع آینده را بدرستی و با جزئیات روشن بیان کند. ملاحظه بفرمایید که چگونه کتاب‌مقدس (تورات و انجیل) به آسانی از این امتحان سربلند بیرونمی‌آید. به این پیشگوییها توجه کنید: پیشگویی ۷۰ سال اسارت یهودیان بوسیله امپراطوری بابل و در ذکر نام کورش کبیر به‌عنوان آزاد کننده یهودیان و پیش بینی بوجود آمدن امپراطوری پارس. خدا نشان داد که قادر به انجام وعده‌هایش می‌باشد. طریق دیگری که ثابت می‌کند کتاب‌مقدس کتابی است از جانب خدا، اینست که مردم از طریق مطالعه آن ا مید شادی و حیات جاودانی را می‌یابند.

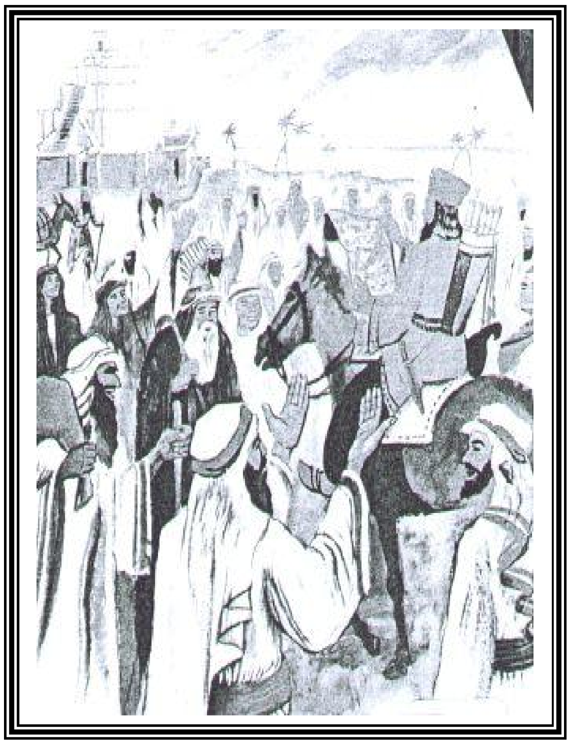
۳- کتاب‌مقدس یک کتاب غربی نیست که از آمریکا یا اروپا آمده باشد. بلکه در خاور میانه نوشته شده با سابقه فرهنگی که از مصر و ایران و کشورهای اطراف دریای مدیترانه دارد.

ه) کاوشی عمیقتر

۱- کتاب اشعیاء فصل‌های ۴۰ تا ۴۸ را مطالعه کنید و شرح دهید چگونه خدا اسرائیل را بخاطر گناهانش تنبیه کرد و سپس به‌وسیله نجات‌دهنده‌ای بنام کوروش ایشان را رهایی داد (اشعیاء ۴۱: ۲، ۲۵ و ۴۴: ۲۸، ۴۵: ۱-۱۳، ۴۶: ۱۱ و ۴۸: ۱۴-۱۵). آیا می‌توانید از این قسمت‌ها تشابهات و اشاراتی در موردآمدن نجات‌دهنده از گناه یعنی مسیح موعود، عیسی مسیح پیدا کنید؟

۲- بعضی از منتقدین کتاب‌مقدس وقایع فوق‌طبیعی آن را انکار می‌کنند. این اشخاص را لیبرال می‌نامند. آنها این نکته را انکار می‌کنند که انبیاء قادر بودند آینده را بدرستی پیشگویی کنند. آنها به اشتباه می‌گویند کتاب اشعیاء نه بوسیله یک اشعیاء بلکه بوسیله چندین اشعیاء نوشته شده است

۳- خدا به شما به‌عنوان ایماندار به عیسی مسیح، چه شرح وظایفی داده چیست؟ آیا آنچه را که خدا از شما می‌خواهد، بخوبی انجام می‌دهید؟
۴- کتاب‌مقدس، کتاب خدا، قادر است آینده تاریخ را بدرستی بیان کند. آیا برای آینده خودتان به آن اعتماد می‌کنید؟ آیا مایلید امید حیات جاودانی را داشته و تا ابد در حضور خدا زندگی کنید. به وعده های خدا در کتاب‌مقدس ایمان داشته و به عیسی مسیح توکل کنید که فرمود "من راه و راستی و حیات هستم."



شرح تصویر)
این تصویر که در کتاب تاریخ سال ششم (چاپ ۱۹۷۷) در ایران منتشر شده، می گوید: "به فرمان کورش، یهودیان آزاد شدند و توانستند به شهر مقدس خود اورشلیم باز گردند.

فصل ۲

دانیال بر سرگشتگی فرهنگی غالب می‌آید

الف) کسی بیش از رام‌کننده شیران

ما مسیحیان وقتی نام دانیال نبی را می‌شنویم، اکثراً به‌یاد ماجرایی می‌افتیم که طی آن او را به چاه شیرها انداختند چرا که حاضر نشده بود در مقابل پادشاه خم شود و کسی جز خدا را بپرستد. می‌دانیم که او به‌سبب وفاداری‌اش به خدا، بگونه‌ای معجزه‌آسا نجات یافت. در واقع هر فرد مسیحی که در محیطی غیرروحانی کار کند، ممکن است در مواقعی احساس کند که گویی در وسط چاه شیرهاست. بیایید نگاهی به زندگی دانیال بیفکنیم و ببینیم که او چگونه وفادار ماند و نتیجتاً نه فقط در حکومت بابلیها، بلکه در حکومت پارسها نیز همچون شاهدی راسخ خدمت کرد. در واقع، در ایران امروزی، در شوشان، در کاخ شوش، مسجدی هست که می‌گویند مقبره دانیال نبی در آن قرار دارد. البته ما مسیحیان نگاهمان به آرامگاهها و بقایای انبیا نیست، بلکه به خدای زنده است تا او را محبت کرده، خدمت نماییم و بپرستیم.

۱- دانیال در اورشلیم اسیر شد و به بابل برده شد. می‌دانیم که نبوکدنصر در سه زمان مختلف اسرایی را از اسرائیل به بابل فرستاد:

- در سال ٦٠٤ ق.م. در دوره سلطنت یهویاقیم که طی آن دانیال اسیر شد. "در سال سوم سلطنت یهویاقیم، پادشاه یهودا، نبوکدنصر پادشاه بابل به اروشلیم آمده، آن را محاصره نمود. و خداوند یهویاقیم، پادشاه یهودا را با بعضی از ظروف خانه خدا به دست او تسلیم نمود و او آنها را به زمین شنعار به خانه خدای خود آورد و ظروف را به بیت‌المال خدای خویش گذاشت" (دانیال ۱: ۱-۲).
- در سال ۵۹۷ ق.م. در دوره سلطنت یهویاکین (دوم تواریخ ٣٦: ۹-۱۰)
- در سال ۵۸٦ ق.م. در دوره سلطنت صدقیا (دوم تواریخ ٣٦: ۱۸-۲۱).

۲- دانیال به چه مدت خدا را در بابل و پارس خدمت کرد؟ می‌دانیم که دانیال خدمتگزاری مورد احترام در حکومت پادشاهان بابل بود و حداقل تا سال سوم فرمانروایی کورش، در خدمت پارسیان نیز بود؛ تمام اینها جمعاً بیش از ۷۰ سال به‌درازا انجامید.

"و دانیال بود تا سال اول کورش پادشاه" (دانیال ۱: ۲۱).

"در سال سوم کورش، پادشاه فارس، امری بر دانیال که به بَلْطَشَصَّر مسمی بود کشف گردید و آن امر صحیح و مشقت عظی می بود. پس امر را فهمید و رویا را دانست" (دانیال ۱۰: ۱).

ب) رویارو با وسوسه

سرگشتگی فرهنگی همان مشکلی است که پناهندگان و آنانی که به کشور جدیدی می‌روند با آن مواجه می‌شوند، خصوصاً وقتی تغییرات استرس‌زای زندگی در جامعه‌ای متفاوت را تجربه می‌کنند. درماندگی، افسردگی، و سرگشتگی فقط نمونه‌ای از علائمی است که گریبانگر کسی می‌شود که در کشوری غریب شروع به زندگی می‌کند. فصل اولِ کتاب دانیال شمه‌ای

از فشارهایی را که دانیال در فرهنگ بابلی تجربه کرد، به ما نشان می‌دهد. نمونه‌های زیر چه تشابهی دارد با فشارهای مردمی که به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، خصوصاً پناهندگان؟ آیا مسیحیانی که در جامعه غیرمذهبی خودشان زندگی می‌کنند، با فشارهایی مشابه رویارو می‌شوند و بخاطر ایمانشان احساس غریبگی می‌کنند؟

۱- کار کردن در مقام یك یهودی در دنیای بت‌پرستان، خصوصاً به‌عنوان پناهنده، کار ساده‌ای نبود. شریعت خدا از قومش می‌خواست که از دنیا جدا زندگی کنند، و همانطور که اشاره شد، در خصوص خوراك، محدودیت‌های برای خوراکهای حلال و حرام تجویز کرده بود.

۲- مشاهده ویرانی اورشلیم و اسارت قوم خدا می‌توانست دانیال جوان را وسوسه کند تا به قدرت خدایش و وعده‌های او شك کند. شاید او از خدا سوال می‌کرد که چرا به بابلیها اجازه داده تا اورشلیم را فتح کنند.

۳- انطباق با اسارت و مسوولیت‌های جدید در سرزمینی بیگانه، فشاری بر دانیال بود که در آن زمان نوجوانی بیش نبود.

٤- ادامه زندگی مستلزم فراگیری فرهنگ و زبان بابلی بود که تحت تاثیر اعتقاداتشان به خدایان غریب قرار داشت.

٥- خدمت به پادشاه امری بود اجباری؛ تنها راه برای دانیال، زندگی کردن در قصر پادشاه و مطالعه سخت بود

٦- به دانیال نام جدیدِ بابلی دادند، یعنی بلطشصر که معنی آن این است: "حاکم یا محافظ بعل"؛ حال آنکه نام اصلی او به این معنی بود: "خدا داور من است". این امر قطعاً در دانیال این احساس را بوجود آورد که بخشی از هویت خود را از دست داده است. از حالا به بعد، او را با نام خدایی دروغین می‌شناختند.

۷- وسوسه به سازشکاری، سبب شد که ایمانش در بوته آزمایش قرار گیرد.

ج) واکنش دانیال چه بود

۱- دانیال به خدا توکل کرد.

دانیال وقتی به‌همراه دیگران به اسارت رفت، یك اسرائیلی جوان و نجیب‌زاده بود. آنان می‌بایست بیش از ٦٥٠ کیلومتر از اورشلیم تا بابل راه بپیمایند. این راه را می‌بایست با پای پیاده می‌رفتند و شاید در راه متحمل گرسنه نیز شدند. شاید بابلیها ایشان را به باد تمسخر گرفتند. بعضی ممکن است در راه مرده باشند. برای اسرای ملتی بت‌پرست چه امیدی می‌توانست وجود داشته باشد؟ دانیال انتخاب شد تا یکی از معدود افرادی باشد که می‌بایست فرهنگ بابلی را بیاموزد تا بتواند در قصر پادشاه خدمت کند. خدا برای دانیال نقشه‌ای داشت.

"و پادشاه، اشفناز رئیس خواجه‌سرایان خویش را امر فرمود که بعضی از بنی‌اسرائیل و از اولاد پادشاهان و از شرفا را بیاورد. جوانانی که هیچ عیبی نداشته باشند و نیکومنظر و در هر

گونه حکمت ماهر و به علم، دانا و به فنون، فهیم باشند که قابلیت برای ایستادن در قصر پادشاه را داشته باشند و علم و زبان کلدانیان را به ایشان تعلیم دهند" (دانیال ۱: ۳-٤).

۲-دانیال بر آن شد تا خدا را خشنود سازد.
در دانیال ۱: ۸ چنین آمده است: "اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشتن را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید نجس نسازد. پس از رئیس خواجه‌سرایان درخواست نمود که خویشتن را نجس نسازد." دانیال نمی‌خواست از غذاهای لذیذ سفره پادشاه بخورد، احتمالاً به این دلیل که مطابق شریعت خدا نبود و جزو خوراکهای حرام به‌حساب می‌آمد. او این کار را با درایت انجام داد تا اهانتی به کسی نشود و از خواجه‌سرا خواست تا سلامت او را ظرف چند روز بیازماید و ببیند که آیا فقط با خوردن سبزیجات و آب نیرومندتر نخواهد بود. خدا تعهد دانیال را احترام گذاشت و نتیجتاً خوراك نجس دیگر به هیچیك از مردان اسیر اسرائیل در قصر داده نشد.
"پس رئیس ساقیان طعام ایشان و شراب را که باید بنوشند برداشت و بقول به ایشان داد" (دانیال ۱: ۱٦).

۳- دانیال با کاملیت زندگی کرد.
دانیال یکی از مقامات محترم حکومتی گردید که خدمتش به‌هنگام انتقال قدرت نیز ادامه یافت. او با موفقیت پادشاهان فرهنگهای مختلف را خدمت کرد، از بابلیها گرفته تا مادها و پارسها. در مشکلات سه سال نخست تحصیلاتش و در تمام طول چند دهه بعدی، خدا دانیال را حفظ کرد و او با ایمان و کاملیت اخلاقی زیست.

الف) او مرد دعا بود.
"پس دانیال به خانه خود رفته، رفقای خویش، حننیا و میشائیل و عزریا را از این امر اطلاع داد، تا در باره این راز از خدای آسمانها رحمت بطلبند مبادا که دانیال و رفقایش با سایر حکیمان بابل هلاك شوند" (دانیال ۲: ۱۷-۱۸).

"اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است، به خانه خود درآمد و پنجره‌های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود و چنانکه قبل از آن عادت می‌داشت، نزد خدای خویش دعا می‌کرد و تسبیح می‌خواند" (دانیال ٦: ۱۱).

"پس روی خود را بسوی خداوند خدا متوجه ساختم تا با دعا و تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر مسالت نمایم؛ و نزد یهوه خدای خود دعا کردم و اعتراف نموده، گفتم: ای خداوند خدای عظیم و مهیب که عهد و رحمت را با محبان خویش و آنانی که فرایض تو را حفظ می‌نمایند نگاه می‌داری" (دانیال ۹: ۳-٤).

"در آن ایام، من دانیال، سه هفته تمام ماتم گرفتم، خوراك لذیذ نخوردم، و گوشت و شراب به دهانم داخل نشد و تا انقضای آن سه هفته خویشتن را تدهین ننمودم" (دانیال ۱۰: ۲-۳).

ب) او عادل و خداترس بود. ۱: ۸؛ ٦: ٤-٥
"اما دانیال در دل خود قصد نمود که خویشتن را از طعام پادشاه و از شرابی که او می‌نوشید نخس نسازد. پس از رئیس خواجه‌سرایان درخواست نمود که خویشتن را نجس نسازد" (دانیال ۱: ۸).

"پس وزیران و والیان بهانه می‌جستند تا شکایتی در امور سلطنت بر دانیال بیاورند اما نتوانستند که هیچ علتی یا تقصیری بیابند، چونکه او امین بود وخطایی یا تقصیری در او هرگز یافت نشد. پس آن اشخاص گفتند که در این دانیال هیچ علتی پیدا نخواهیم کرد، مگر اینکه آن را در باره شریعت خدایش در او بیابیم" (دانیال ٦: ٥-٦).

ج) با او سایرین ارتباط اجتماعی داشت:
ایمانداران:
"و در میان ایشان دانیال و حننیا و میشائیل و عزریا از بنی‌یهودا بودند. و رئیس خواجه‌سرایان نامها به ایشان نهاد، اما دانیال را به بلطشصر و حننیا را به شدرك و میشائیل را به میشك و عزریا را به عبدنغو مسمی ساخت" (دانیال ١: ٦-٧).
بی‌ایمانان:
"و خدا دانیال را نزد رئیس خواجه‌سرایان محترم و مکرم ساخت" (دانیال ١: ٩).

٤- او دانشجوی ممتازی بود.
"و پادشاه با ایشان گفتگو کرد و از جمیع ایشان کسی مثل دانیال و حننیا و میشائیل و عزریا یافت نشد. پس در حضور پادشاه ایستادند. و در هر مساله حکمت و فطانت که پادشاه از ایشان استفسار کرد، ایشان را از جمیع مجوسیان و جادوگرانی که در تمام مملکت او بودند، ده مرتبه بهتر یافت" (دانیال ١: ١٩-٢٠).

الف) او انعطاف‌پذیر بود و نام بابلی خود یعنی بلطشصر را پذیرفت، با اینکه نام یك خدای بابلی بود، و زبانی تازه فرا گرفت.

ب) او فروتن بود و تصدیق می‌کرد که منشا دانش و حکمتش خدا است.
"اما خدا به این چهار جوان، معرفت و ادراك در هرگونه علم و حکمت عطا فرمود و دانیال در همه رویاها و خوابها فهیم گردید" (دانیال ١: ١٧).

"آنگاه آن راز به دانیال در رویای شب کشف شد. پس دانیال خدای آسمانها را متبارك خواند" (دانیال ١: ١٩).

٥- او شجاع بود حتی در حضور نبوکدنصر پادشاه
"لهذا ای پادشاه، نصیحت من تو را پسند آید و گناهان خود را به عدالت و خطایای خویش را به احسان نمودن به فقیران فدیه بده که شاید باعث طول اط مینان تو باشد" (دانیال ٤: ٢٧).

د) کاربرد برای امروز ما

فصل‌های ٢ تا ٦ دانیال نشان می‌دهد که خدا چگونه فراسوی مرزهای اسرائیل کار کرده است، خصوصاً در امپراطوریهای بابل و پارس. این اصول چگونه در دنیای امروز در قرن ٢١ کاربرد دارد؟

فصل ٢- خدا حکومت‌ها را بر قرار می‌سازد واز میان می‌برد و حکومت خود را جایگزین آنها می‌سازد.

فصل ۳- خدا ایمانداران را از آزارهای مذهبی حکومت‌ها رهایی می‌دهد.
فصل ٤- خدا بر حکومت‌ها کنترل دارد.
فصل ٥- خدا شرارت را در سطح حکومت‌ها داوری خواهد کرد.
فصل ٦- خدا ایمانداران را از توطئه‌های بی‌ایمانان رهایی می‌دهد تا تمام دنیا جلال خدا را بشناسد. این است آن چیزی که پس از رهایی دانیال از چاه شیران نوشته شد:

"از حضور من فرمانی صادر شده است که در هر سلطنتی از ممالك من، مردمان به حضور خدای دانیال لرزان و ترسان باشند زیرا که او خدای حی و تا ابدالآباد قیوم است. و ملکوت او بی‌زوال و سلطنت او غیرمتناهی است. اوست که نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و عجایب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است" (دانیال ٦: ٢٦-٢٧).

ه) کاوشی عمیقتر

١- از الگوی دانیال و نحوه انطباق او با بابل استفاده کنید تا مشکلاتی را که یك مهاجر به کشوری بیگانه با آنها مواجه می‌شود درك کنید. شاید خدا در این هفته به شما این فرصت را بدهد تا شخصی را که اخیراً به سرزمینی جدید آمده، در این هفته کمك کنید. برخی از خوانندگان این کتاب مجبور شده‌اند ایران را ترك کنند و اکنون در کشورهای جدیدی زندگی می‌کنند. چگونه برخی از اصول انطباق دانیال با کشور و فرهنگ جدید، به شما کمك می‌کند تا خود را با کشور جدید خود انطباق دهید؟

٢- دانیال ١ تا ٦ را به‌دقت بخوانید. این فصل‌ها را گروهی از سیاستمداران مسیحی و خداترس که در یکی از کشورهای در مقام رهبری قرار داشتند انتخاب کردند تا بررسی کنند که چگونه می‌توانند در چارچوب سمت‌های سیاسی، خدا را خدمت کنند. فکر می‌کنید این گروه چه نکاتی را مورد بحث قرار دادند؟

٣- از چه جنبه‌ای، ٧٠ سال زندگی سیاسی دانیال غیرعادی بود؟ آیا می‌توانید گزارشی در باره رشوه‌گیری، دروغگویی، اختلاس، یا استفاده از مقام سیاسی برای منافع خویش در جهت آزار دیگران در او بیابید؟ شخصی که پیرو واقعی خداست، نه فقط در محل عبادت، بلکه در محل کار و در خانه‌اش نیز زندگی خداترسی خواهد داشت.

٤- اگر لازم باشد که شما و خانوادهتان به شهر جدیدی نقل مکان کنید و از دوستان و کلیسای محلی‌تان دور شوید، نحوه انطباق یافتن دانیال با شرایط جدیدش در بابل، چگونه می‌تواند شما را کمك کند؟

فصل ۳

گذر از رویا به تاریخ: پیشگوییهای دانیال

چه کسی می‌بایست این امپراطوری جدید پارسها را که نخستین پادشاهش کورش بود، مغلوب سازد؟ پادشاه جوانی در بابل در بستر مرگ است. ملازمانش به آرامی در گوش یکدیگر نجوا می‌کنند. آیا او را مسموم کرده‌اند؟ آیا خواهد مرد؟ بسیاری در این مورد شك دارند. تنها ده سال پیش از این بود که اسکندر یونانی از رود هِلِسپونت در آسیای صغیر گذشت و عَلَم مخالفت را تا دورترین نقاط امپراطوری پارس بر افراشت. ظرف مدت کمتر از سه سال، دژهای استوار پارس زیر ضربات سهمگین شمشیر اسکندر فرو ریخت، و جریان تاریخ می‌رفت تا برای همیشه دگرگون شود. اما پادشاهی که از او خدایی ساخته بودند، نشان داد که انسانی بیش نیست. اسکندر کبیر بدون اینکه وارثی بر جای بگذارد، درگذشت و امپراطوری عظیمش میان چهار تن از سردارانش تقسیم شد.

این تاریخ جهان است. اما حدود ۲۰۰ سال پیش از وقوع این رویدادها، دانیال نبی آنها را پیشگویی کرده بود. دانیال تحت الهام الهی، پیشگویی دقیقی از تاریخ را به‌نگارش در آورد. عیسی مسیح بر صحت پیشگوییهای این نبی مُهر تائید گذارد (متی ۲٤:۱۵)، ما نیز می‌توانیم چنین کنیم. در حالیکه بسیاری از پیشگوییهای کتاب‌مقدس هنوز تحقق نیافته‌اند، ما به بررسی سه بخش خواهیم پرداخت که یا بخشی از آنها یا تماماً تحقق یافته است. در نقشه‌هایی که در این کتاب آمده، گستره امپراطوریهای بابل و پارس در روزگار دانیال و نیز در امپراطوری آتی یونان نشان داده شده است.

الف) قوچ و بز

طبق تاریخ جهان، در حدود قرن ششم ق.م.، جهان آن روزگار میان چهار امپراطوری تقسیم شده بود: مصر، ماد، لیدیه، و بابل. بیایید نگاهی بیفکنیم به رویای دانیال در مورد یك میش و بز، و همزمان با بررسی فصل هشتم دانیال، مطالبی در زمینه تاریخ بیاموزیم.

۱- دانیال جزئیات این پیشگویی را زمانی که در قصر شوشَن (شوش)، واقع در جنوب غربی ایران امروزی، در یك رویا دید.

۲- در آیه‌های ۳ و ٤، قوچی با دو شاخ توصیف شده، که یکی از آنها بعداً بلندتر از دیگری خواهد شد. خدا در آیه ۲۰، معنی این رویا را بیان می‌فرماید: "اما آن قوچ صاحب دو شاخ که آن را دیدی، پادشاهان مادیان و فارسیان می‌باشد."
"پس چشمان خود را بر افراشته، دیدم که ناگاه قوچی نزد نهر ایستاده بود که دو شاخ داشت و شاخهایش بلند بود یکی از دیگری بلندتر و بلندترین آنها آخر بر آمد. و قوچ را دیدم که به سمت مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد و هیچ وحشی با او مقاومت نتوانست کرد و کسی نبود که از دستش رهایی دهد و بر حسب رای خود عمل نموده، بزرگ می‌شد" (دانیال ۸: ۳-٤).

"اما آن قوچ صاحب دو شاخ که آن را دیدی، پادشاهان مادیان و فارسیان می‌باشد" (دانیال ۸:۲۰).

الف) به‌یاد داشته باشید که در فصل اول این کتاب، مطالبی در باره کورش، پادشاه پارس، آموختیم و اینکه نام او در عهدعتیق آمده است. او امپراطوری ماد را مطیع خاندان پارس ساخت و آن را تبدیل نمود به امپراطوری ماد و پارس. این همان سرزمینی است که در آن دانیال را در چاه شیران انداختند، زیرا قانون مادها و پارسها غیرقابل تغییر بود.

ب) مادها که حکومت ضعیف‌تر بودند، همان شاخ کوتاهتر قوچ هستند. پارسها، حکومت نیرومندتر، آن شاخ دیگر هستند که بلندتر شد.

۳- در ۸: ۵-۸ دانیال بز نری دید که "شاخی معتبر" داشت، و از مغرب می‌آمد. آن شاخ معتبر آن دو شاخ قوچ را خُرد کرد و پایمال نمود. بز بسیار بزرگ گردید، اما در اوج قدرت خویش، آن شاخ بزرگ شکست و در جایش چهار شاخ دیگر رویید.

آیا می‌توانید تشخیص دهید که این کدام رویداد تاریخی است؟ بیایید تعبیر خدا را در باره معنای بز و قوچ بخوانیم: "و آن بز نر ستبر پادشاه یونان می‌باشد و آن شاخ بزرگی که در میان دو چشمش بود، پادشاه اول است" (دانیال ۸:۲۱). این پادشاه همان اسکندر کبیر است. او از غرب، از سرزمین یونان آمد، و همچون گلوله‌ای شتابان، ترکیه را فتح کرد، پیش از آنکه از رود هِلِسپونت که غرب و شرق، و یونان و پارس را از هم جدا می‌ساخت، عبور کند. می‌گویند که او می‌نشست و می‌گریست چونکه دیگر سرزمینی نبود که فتح کند. اما در جوانی، زمانی که فقط حدود سی سال داشت، درگذشت و حکومتش به چهار بخش تقسیم شد و هر یك به سرداری رسید. این معنای چهار شاخ را توضیح می‌دهد.

ب) مجسمه طلایئ

نبوکدنصر شاید فرمانروای پرشکوهترین حکومت روی زمین بوده باشد، اما به‌علت خوابی غیر قابل توصیف، عمیقاً پریشان گردید و خواب از چشمانش ربوده شد. او حکیمان بابل را تهدید کرد که اگر پاسخش را ندهند، ایشان را به‌قتل برساند. او بقدری پریشان و مضطرب بود که از تعبیرکنندگان خواست تا پیش از تعبیر خوابش، خودِ خواب را برایش بازگو کنند. دانیال که جانش همانند سایر حکیمان در خطر مرگ قرار داشت، با ایمان قدم به جلو گذارد و از خدا مدد جست و خدا او را قادر ساخت تا خواب را بازگو کند:

"تو ای پادشاه، می‌دیدی و اینك تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بی‌نهایت و منظر آن هولناك بود، پیش روی تو بر پا شد. سر این تمثال از طلای خالص و سینه و بازوهایش از نقره و شکم و رانهایش از برنج بود. و ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گِل بود. و مشاهده می‌نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده، پایهای آهنین و گِلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت. آنگاه آهن و گل و برنج و نقره و طلا با هم خرد شد و مثل کاهِ خرمنِ تابستانی گردیده، باد آنها را چنان برد که جایی به‌جهت آنها یافت نشد. و آن سنگ که تمثال را زده بود، کوه عظی می گردید و تمامی جهان را پر ساخت" (دانیال ۲: ۳۱-۳۵).

۱- فکر می‌کنید که چرا نبوکدنصر از حکیمان خود خواست تا اول خوابش را بازگو کنند و بعد، تعبیرش را؟ دانیال چگونه توانست کاری را بکند که سایر حکیمان نتوانستند؟

۲- بیایید تصاویر مذکور در کتاب‌مقدس را همراه با معنایشان بررسی کنیم:

- مجسمه عظیم و درخشنده و هولناك بود.
- سر آن طلایی بود که مظهر نبوکدنصر و امپراطوری بابل بود.
- بازوها و سینه‌اش از نقره بود، و این مظهر حکومتی فروتر بود که می‌بایست بعداً بیاید.
- رانها و شکم برنجین مظهر سومین حکومتی بود که می‌بایست بر جهان حکمرانی کند.
- حکومت چهارم با ساقهای آهنین پس از آن خواهد آمد که تمام حکومت‌های دیگر را خرد خواهد ساخت. اما این حکومت پایهایی داشت از آمیزه‌ای از آهن و گِل (چرا که مردمانش مختلط بودند و اتحاد نداشتند).
- سنگی که با دستهای انسانی بریده نشده بود، این تمثال را خرد ساخت:
  آن سنگ پایهای آهنین و گلی را نابود ساخت.
  تمثال فرو افتاد و اجزای مختلفش بر زمین افتاد و همچون کاه در باد گردید.
  آن سنگ تبدیل به کوهی عظیم گردید و تمامی زمین را پر ساخت.

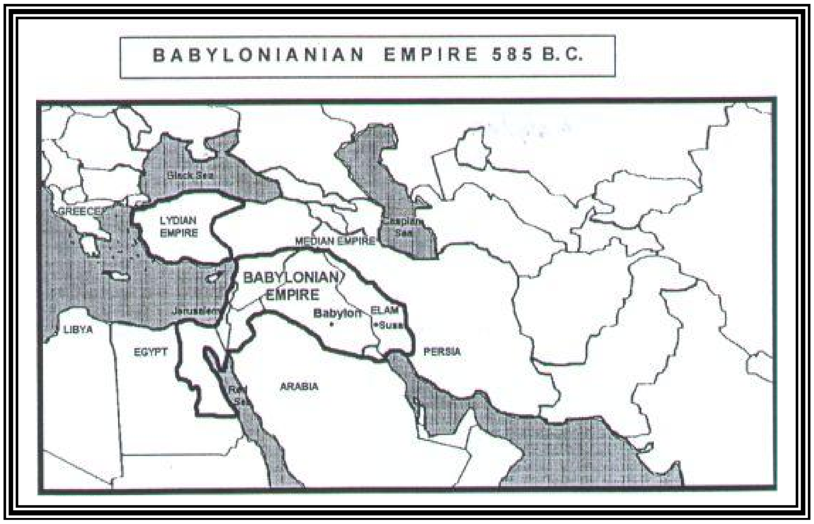
۳- به تعبیری که خدا به‌واسطه دانیال می‌دهد توجه کنید. دانیال بیان می‌دارد که آن سر طلایی، نبوکدنصر است. اکثر محققینِ معتقد به کتاب‌مقدس توافق دارند که حکومت‌هایی که مظهرشان بخشهای نقره‌ای و برنجین و آهنین و گلینِ بدن تمثال می‌باشد، حکومت‌های پارس و یونان و روم است.

در این بررسی، مجال آن نیست که بطور کافی در مورد ساقهای آهنین و پایهای مخلوطِ آهن و گل که توسط سنگ خرد شدند، بحث کنیم. اما بسیاری از علمای الهی معتقدند که اینها مظهر حکومت روم در روزگار مسیح و نیز امپراطوری احیا شده روم در زمان‌های آخر می‌باشد. امپراطوری احیاشده خرد خواهد شد، همانند هر حکومت انسانی دیگر، زمانی که عیسی مسیح، آن "سنگ"، حکومت یا همان "ملکوت" خود را بر پا دارد؛ آنگاه طبق باور بسیاری از مسیحیان، او سلطنت هزارساله خود را بر روی زمین آغاز خواهد کرد.

ج) چهار جاندار (وحش) از دریاپ

و اینك نوبت دانیال بود که در اثر یك رویا عمیقاً منقلب شود. در زمان حکومت بلشصر، نوه نبوکدنصر، دانیال خوابی دید در باره یك شیر، خرس، پلنگ، و جاندار هولناکی دیگر. دانیال ۷: ۱-۲۸ را بخوانید. فرشته جبرائیل معنی چهار جاندار را برای دانیال تعبیر کرد: آنها معرف حکومت‌های جهان بودند

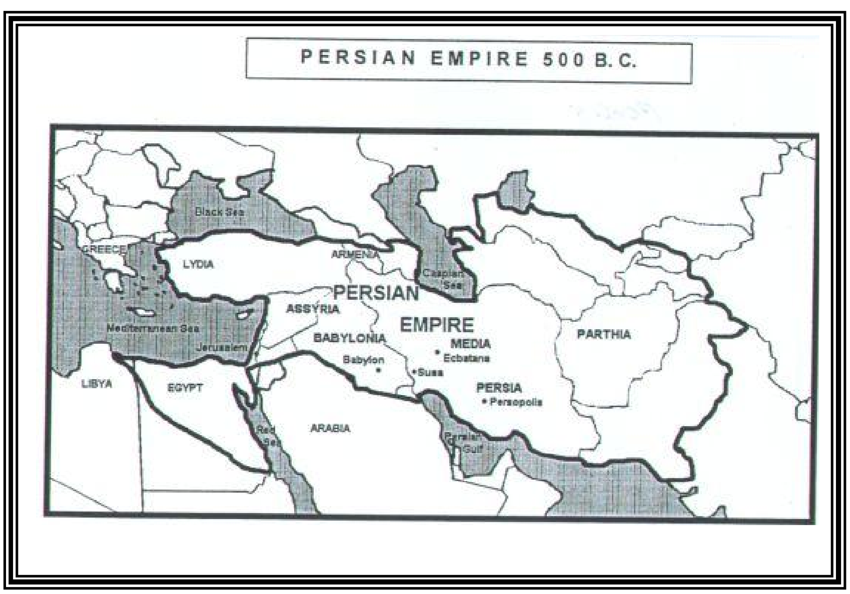
۱- نخستین جاندار، شیر بود. به‌یاد داشته باشید که در خواب نبوکدنصر، بخشهای مختلف آن مجسمه معرف بابل، ماد و پارس، یونان، و امپراطوری روم بود. بطور تطبیقی، در رویای دانیال بابل همان شیر بود که بالهای عقاب داشت (سایر اشارات به بابل به‌عنوان شیر و عقاب در ارمیا ٤:۷ و حزقیال ۱۷:۳ یافت می‌شود).



امپراطوری بابل، ۵۸۵ ق.م.

۲- جاندار دوم، خرسی بود که بر یك طرف خود بلند شد. این تصویر مشابه با تصویر قوچ و بز است، قوچی که دو شاخ داشت و یکی بلندتر از دیگری بود. این اشاره‌ای بود به حکومت ماد و پارس که در آن، پارس بخش نیرومندتر حکومت بود. خرس "گوشت بسیار" خورد و در دهانش سه دنده بود. این تصویر را مقایسه کنید با تصرف سریع ماد و لیدیه و بابل به دست پارسیها.

"و اینك وحش دوم دیگر مثل خرس بود و بر یك طرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندانهایش سه دنده بود وی را چنین گفتند: برخیر و گوشت بسیار بخور!" (دانیال ۷:۵).



امپراطوری پارس، ۵۰۰ ق.م.

۳- جاندار سوم یعنی پلنگ، همان یونان است. به چهار سر پلنگ توجه کنید که یادآور چهار شاخی است که از بز نر دانیال بر آمد که البته همان چهار جانشین اسکندر است که پس از مرگ او، حکومتش را میان خود تقسیم کردند...

"بعد از نگریستم و اینك دیگری مثل پلنگ بود که بر پشتش چهار بال مرغ داشت و این وحش چهار سر داشت و سلطنت به او داده شد" (دانیال ٤:٦).



امپراطوری یونان، ۲۷۵ ق.م.

٤- جاندار چهارم (۷:۷)، که شاید آنقدر هولناك بود که نمی‌شد از او نام برد، همه چیز را بر سر راه زیر پا خرد می‌کرد. در مقایسه با خواب نبوکدنصر، این همان امپراطوری روم است. می‌خوانیم که ده شاخ آن مظهر ده پادشاه هستند و اینکه سه تا از این شاخها ریشه‌کن شد و در همان حال شاخ کوچك دیگری که بسیار قدرتمند بود، رشد می‌کرد. می‌خوانیم که آن شاخ کوچك قدرتمند بر مقدسان آزار خواهد رساند و بر ضد خدا سخن خواهد گفت (۷: ۲۱-۲۵). بسیاری بر این باورند که این همان شخصی است که دجال خواهد شد و بر امپراطوری احیاشده روم فرمان خواهد راند.

د)خاطرات تخت‌جمشید

هر یك از این سه رویا، هشداری بود به دانیال در باره رویدادهایی که در آینده رخ خواهد داد. بابل طلایی، آن شیر، بدست خاندان نقره‌ای پارس، آن خرس مغلوب گردید. پارس نیز به نوبه خود بدست یونانیهای برنجین، اسکندر کبیر، آن پلنگ، ساقط شد. و امپراطوری یونان نیز قطعاً توسط حکومت چهارم، یعنی روم، فرو پاشید. اکثر اینها اکنون فقط تاریخ است که خاطراتش در میان خرابه‌های باستانی تخت‌جمشید باقی است.

بر پله‌های آپادانا (کاخ پذیرایی) در تخت‌جمشید تصاویری هست معرف ۲۳ کشور مختلف که مطیع امپراطوری پارس شدند. یکی از این ۲۳ تصویر متعلق به امپراطوری بابل است. طلا، نقره، پارچه، گاو میش جزو خراجهایی است که به پادشاه پارس تقدیم می‌شود. اسکندر کبیر و سپاه یونانی‌اش شهر را به آتش کشیدند و تخت‌جمشید را به‌همراه کاخ و

گنجینه‌هایش ویران ساختند. با این همه، آثاری از حکومت‌های بابل، پارس، و یونان را می‌توان یك به یك در میان این ویرانه‌ها یافت.

ه) کاوشی عمیقتر

۱- چگونه قدرت خدا در خصوص پیشگویی دولت‌ها و حکومت‌ها در کتاب دانیال، نظیر ظهور امپراطوری یونان در زمان اسکندر کبیر، می‌تواند تسلایی باشد برای ما آن هنگام که با تغییرات بی‌ثبات سیاسی در جهان مواجه می‌شویم؟

۲- این بخش چگونه می‌تواند به شما کمك کند تا برای مسیحیانی که از سوی مقامات دولتی در کشورهایی نظیر سودان و ترکمنستان و چین آزار می‌بینند، دعا کنید؟
۳- اگر وقت دارید، تمام نبوت‌های دانیال را مطالعه کنید. چرا چنین تاکید نیرومندی بر تاریخ آتی ملل غیریهود (امت‌ها) وجود دارد؟

٤- چرا علمای لیبرال الهیات که به الها میبودنِ کتاب‌مقدس ایمان ندارند، انکار می‌نمایند که کتاب دانیال را خودِ دانیال نوشته است، و ادعا می‌کنند که این فصل‌ها را شخصی صدها سال بعد نوشته و از نام دانیال استفاده کرده است؟

فصل ٤

دقیق‌ترین کتاب تاریخ دنیا

کتاب‌مقدس کلام خدا خطاب به انسان است و برای آن نوشته شده تا به انسان گناهش و نیازش را به نجات‌دهنده نشان دهد. این کتاب در باره مرگ و قیام عیسی مسیح سخن می‌گوید، همان کاری که او برای پرداخت جریمه گناهان بشر انجام داد؛ همچنین بر اساس این کتاب پی می‌بریم که چگونه می‌توانیم شخصاً خدا را بشناسیم و او را بپرستیم و با او راز و نیاز کنیم و نیز از وعده حیات جاودانی برخوردار شویم. کتاب‌مقدس، کتاب خدا، هر جا که در باره تاریخ سخن گفته، از دقتی کامل برخوردار می‌باشد. نگاهی به کتاب دانیال به ما کمك می‌کند تا به دقت کلام خدا بیشتر پی ببریم.

الف) کتاب‌مقدس و تاریخ

۱- وقتی در باره کتاب‌مقدس و آنچه که این کتاب در باره خودش بیان می‌دارد فکر می‌کنید، کدام آیه‌ها به نظرتان می‌آیند؟ احتمالاً دوم تیموتاوس ۱۶:۳، "تما می کتب از الهام خداست..." یا دوم پطرس ۲۱:۱ که می‌فرماید: "زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح‌القدس مجذوب شده، ازجانب خدا سخن گفتند."

به فرمایش عیسی در متی ۳۵:۲۴ توجه کنید که فرمود: "آسمان و زمین زایل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زایل نخواهد شد."

این آیه‌ها ما را مطمئن می‌سازند که کتاب‌مقدس قابل اعتماد است. این کتاب بیش از ۳۰۰۰ بار خود را کلام خدا خوانده است. عیسی به شخصیت‌ها و رویدادهای عهدعتیق به‌عنوان شخصیت‌ها و رویدادهای واقعی اشاره کرد، نه تحت عنوان امور مجازی و استعاری.

۲- در فهرست زیر برخی از شخصیت‌ها و ملت‌ها و مکان‌ها و رویدادهایی که در کتاب دانیال ثبت شده، ارائه شده است. نامهایی که در فهرست زیر خطکشی شده‌اند، در تاریخ عمومی پارس و نیز در تاریخ کتاب‌مقدس، در کتاب دانیال ثبت شده است.

شخصیت‌ها

اسامی	آیه
یهویاقیم	۱ :۱
نبوکدنصر	۱ :۱

۱: ۳	اشفناز
۱: ۶-۷	دانیال (بلطشصر)
۱: ۶-۷	حنانیا (شدرك)
۱: ۶-۷	میشائیل (میشك)
۱: ۶-۷	عزریا (عبدنغو)
۱: ۲۱	کورش
۲: ۱۴	اریوك
۱: ۵	بلشصر
۵: ۳۱	داریوش مادی
۹: ۲	ار میا

مکان‌ها

آیه	مکان
۱: ۱	اورشلیم
۱: ۱	یهودا
۱: ۱	بابل
۱: ۳	دشت دورا
۸: ۲	شوش (شوشن)
۸: ۲	ایلام
۱۰: ۴	رود دجله

ملت‌ها

آیه	ملت
۱: ۱	بابل
۵: ۳۱	ماد
۸: ۲۱	ماد – پارس
۸: ۲۱	یونان

رویدادها

آیه	رویداد
۱: ۱-۳	محاصره اورشلیم
۲: ۱-٤۸	خوار شدن نبوکدنصر
۲: ۱-٤۹	خواب پادشاه
۳: ۱-۸	تمثال طلایی نبوکدنصر
۳: ۱۳-۳۰	کوره نبوکدنصر
۵: ۱-۳۰	ضیافت بلشصر
۵: ۲۵-۳۱	سقوط بابل
٦: ۱-۲٤	دانیال در چاه شیران
٦: ۲۵-۲۸	اعلا میه داریوش

۳- به چه دلایلی ممکن است تاریخ عمومی جهان که امروز مطالعه می‌کنیم دقیق نباشد و چرا تاریخ کتاب‌مقدس گاه با تاریخ عمومی منافات دارد؟

الف) شرایط جغرافیایی زمینها، نظیر مسیر رودخانه‌ها و سواحل دریاها، و نیز شرایط اقلیمی در طول زمان تغییر می‌کند. همچنین جمعیت‌شناسی تغییر می‌کند؛ شهرها بزرگ می‌شوند یا از میان می‌روند.

يك) در گذشته، تهران همانند بسیاری از شهرهای خاورمیانه، با دیوار احاطه شده بود. دوازده دروازه ورود و خروج به شهر را امکان‌پذیر می‌ساخت. در طول سالها، دیوارها و حصارها و دروازه‌ها تخریب شد. اما بخشهایی از تهران هنوز هم با نام دروازه‌های قدیمی آن نا میده می‌شود، نظیر "دروازه شمیران" و "دروازه دولت". مردم با استفاده از نامهایی اینچنین، تاریخ خود را به یاد می‌آورند.

دو) اکثر نامهای شهرها، چه در ایالات متحده چه در کشورهای دیگر، وجه تسمیه تاریخی دارند که ممکن است دیگر معتبر نباشد. من در پنسیلوانیا در نزدیکی شهری زندگی می‌کنم که نامش "Sinking Spring" (چشمه در حال غرق) می‌باشد، زیرا زمانی چشمه شهر داشت در زمین فرو می‌رفت. ظاهراً چشمه مدتها پیش کاملاً در زمین فرو رفت و ناپدید شد، اما نام "چشمه در حال غرق" هنوز باقی است.

سه) دوستی دارم که در خیابانی زندگی می‌کند به‌نام "Oceanview" (منظره اقیانوس). نام این خیابان دروغ است چونکه اقیانوس حدود ۱۵ کیلومتر دورتر است و نمی‌توان آن را دید. شاید اگر باستان‌شناسان پس از پانصد سال این نقطه را حفاری کنند و به نام این خیابان برخورد کنند، نتیجه بگیرند که اقیانوس می‌بایست در یکصد متری آن خانه بوده باشد.

ب) نام اشخاص و مکان‌ها به‌هنگام ترجمه از يك زبان به زبانی دیگر، تغییر می‌کند. مثلاً در ایران مردم کشوری را که ما در انگلیسی Germany می‌نا میم، "آلمان" می‌خوانند. خودِ آلمانیها هم کشور خودشان را Deutschland می‌خوانند.

ج) نگرشهای تاریخی بر حسب اینکه چه کسی آن را می‌نویسد تغییر می‌کند. برای مثال، روسیه و چین امروز بخش بزرگی از تاریخ گذشته و بخشی از تاریخ معاصر خود را پاکسازی کرده‌اند. به‌علاوه، هر کشوری تاریخ را از دیدگاه خود مورد تاکید قرار می‌دهد. انگلستان و ایالات متحده از جنگهای انقلابی آمریکا دیدگاههایی کاملاً متفاوت به دست می‌دهند. در کتاب‌های تاریخ آمریکا، آنها را مبارزه در راه استقلال می‌خوانند و در انگلستان، شورش.

د) اطلاعات همیشه در دسترس نیست. نسخ خطی در اثر مرور زمان از میان می‌رود. کتاب‌ها در جنگها مفقود یا نابود می‌شوند. بسیاری از خاطرات دوران کهن بخاطر نبودن وسایل نگارش و تکنولوژی، به‌طریق سنت شفاهی حفظ شده‌اند.

ه) مرکز توجه خدا در کتاب‌مقدس، تاریخ نجات بشریت است. در عهدعتیق، این نجات متمرکز بود بر ملت اسرائیل، و بعدها در عهدجدید به‌واسطه عیسی مسیح همه ملت‌ها را در بر گرفت.

گرچه کتاب‌مقدس به این منظور نوشته نشده که کتابی تاریخی باشد، می‌توانیم به این واقعیت اعتماد داشته باشیم که تاریخ موجود در آن، دقیق است چرا که خدا حقیقت است.

ب) کتاب‌مقدس و تاریخ عمو می جهان

۱- وقتی تاریخ عمو می جهان با مطالب کتاب‌مقدس منافات می‌یابد، گاه کشفیات جدید نشان می‌دهد که تاریخ عمومی جهان نادرست بوده است. همانگونه که خواهیم دید، کتاب‌مقدس تکمیل شده است، اما کشفیات تاریخی هنوز ادامه دارد و دائماً در حال تغییر است. دانیال فصل ٥ را بخوانید.

الف) مندرجات کتاب‌مقدس در خصوص سقوط بابل به این شرح است: بلشصر پادشاه، جانشین نبوکدنصر، ضیافتی مالامال از فساد و میگساری برگزار کرد که طی آن دستی را دید که بر روی دیوار پیا می را می‌نوشت. او که وحشت سراپای وجودش را فرا گرفته بود، وعده داد که هر که بتواند تعبیر آن نوشته را بگوید، در حکومت او مقام سوم را احراز خواهد نمود. اما هیچیك از حکیمان او قادر به تشخیص معنای آن نوشته نشد. دانیال را آوردند و او تعبیر درست را عرضه داشت: حکومت بلشصر به پایان خود رسیده و قلمرو بابلیها به مادها و پارسها داده خواهد شد. بلشصر پادشاه چنان خشنود شد که دانیال را جامه‌ای ارغوانی بخشید و طوقی زرین بر گردنش آویخت، و او را سومین مقام حکومتی نا مید. اما همان شب بلشصر به قتل رسید و داریوش مادی حکومت را در ٦٢ سالگی بدست گرفت.

ب) تا اوائل قرن بیستم، مورخین ادعا می‌کردند که بلشصر پادشاه که در فصل ٥ دانیال ذکرش آمده، هرگز وجود نداشته است. طبق داده‌های تاریخی، هنگا می‌که کورش بابل را فتح کرد، شخصی به‌نام نبونیدوس پادشاه بابل بود، و این نبونیدوس در جریان تسخیر بابل کشته نشد بلکه در تمام طول عمرش از خزانه پادشاه مستمری دریافت می‌کرد.

ج) اما کشف لوح‌های باستانی توسط باستان‌شناسان در اواخر قرن نوزدهم، داده‌های بیشتری بدست داد. نبونیدوس پادشاه بابل بود، اما در سالهای پایانی عمرش، پسرش را نایب‌السلطنه قرار داده بود و به‌همراه او سلطنت می‌کرد. بعضی از لوح‌ها نیز حاوی قراردادهای بازرگانی است که از طریق یاد کردن سوگند به پادشاه وقت استوار می‌شد. سوگند به دو نام نبونیدوس و بلشصر یاد شده است.

در سالهای اخیر، تحقیقات آر. داوترتی (R. Doughterty)، استاد فقید آشورشناسی در دانشگاه ییل، نشان می‌دهد که نبونیدوس بخش عمده سالهای آخر حکومت خود را در عربستان گذراند و بلشصر را در بابل گذاشت تا بر کشور فرمان براند. آیا اکنون درك می‌کنید که چرا به دانیال فقط مقام سوم در حکومت اعطا شد؟ بلشصر خودش دارای مقام دوم بود. گرچه تاریخ، حقانیت کتاب‌مقدس در خصوص بلشصر را تصدیق کرده است، اما هنوز بسیاری از پژوهشگران، مندرجات کتاب‌مقدس در خصوص داریوش مادی را که جانشین بلشصر شد، انکار می‌کنند.

"و من در باره تو شنیده‌ام که به نمودن تعبیرها و گشودن عقده‌ها قادر می‌باشی. پس اگر بتوانی الآن نوشته را بخوانی و تفسیرش را برای من بیان کنی، به ارغوان ملبس خواهی شد و طوق زرین بر گردنت نهاده خواهد شد و در مملکت حاکم سوم خواهی بود" (دانیال ٥: ١٦).

"آنگاه بلشصر امر فرمود تا دانیال را به ارغوان ملبس ساختند و طوق زرین بر گردنش نهادند و در باره‌اش ندا کردند که در مملکت حاکم سوم می‌باشد" (دانیال ۵: ۲۹).

باستان‌شناسی ممکن است هرگز تما می اختلافات میان تاریخ عمومی و کتاب‌مقدس را روشن نسازد. برای مثال، محققین و مورخین لیبرال امروزه اکثراً به ماجرای دانیال و چاه شیران می‌خندند زیرا در آن به پادشاهی به نام داریوش مادی اشاره شده است. گزارشهای تاریخی نشان می‌دهد که یك پادشاه پارسی به‌نام داریوش ۱۸ سال پس از فتح بابل بدست کورش به پادشاهی رسید، پس او نمی‌توانسته معاصر با دانیال بوده باشد.

اما توجه کنید که کتاب‌مقدس در دانیال ۵: ۳۱ چقدر دقیق به توصیف داریوش مادی می‌پردازد. او زمانی که به پادشاهی رسید، ٦۲ سال داشت (۵: ۳۱). این داریوش مادی اگر همان داریوش، شاهنشاه مشهور ایران نباشد، که می‌توانست باشد و چرا چنین اختلافی هست؟ در این زمینه چند توضیح محتمل وجود دارد:

الف) عده‌ای می‌گویند که داریوش مادی و کورش پادشاه که در کتاب‌مقدس مورد اشاره قرار گرفته‌اند، در واقع یك نفر هستند با دو عنوان، و برای اثبات گفته خود به دانیال ٦: ۲۹ اشاره می‌کنند:

"پس این دانیال در سلطنت داریوش و در سلطنت کورش فارسی فیروز می‌بود."

ب) عده‌ای دیگر می‌گویند که داریوش مادی سرداری بود که تحت فرمان کورش بابل را فتح کرد، یا کیاخشایارشا، یکی از پادشاهان ماد بوده که پس از مغلوب شدن بدست کورش، او را در لشکرکشی‌هایش همراهی کرد.

ج) معقول‌ترین توضیح این است که در تاریخ عمومی، داریوش با نامی دیگر مورد اشاره قرار گرفته، یعنی با نام گوبارو، که از سوی کورش مامور حکومت بر بابل گردید. از گوبارو، فرمانداری که ماموریت یافت تا بر بابل حکومت کند، در کتیبه بیستون (یا بهیستون، در نزدیکی شهر باختران یا کرمانشاه سابق) نام برده شده است.
Nabonidus Chronicle, Contenau Texts, Pohl Texts, and Tremayne Texts.
برای مطالعه بیشتر می توانید به کتاب ۸۳ صفحه ای کتاب (Darius the Mede) که نویسنده آن (J.C. Whitcomb) مراجعه بکنید. The Presbyterians and Reformed Publishing Company 1963.

ج) نتیجه

یك اصل خوبِ تفسیر به‌هنگام مطالعه کتاب‌مقدس این است که "هرگاه معنای کتاب‌مقدس روشن است، به‌دنبال معنای دیگری نگردید." گرچه کتاب‌مقدس کتابی است در زمینه نجات و شناخت خدا، اما مندرجات تاریخی آن دقیق است! خدا را شکر که باستان‌شناسان دائماً داده‌های جدیدی می‌یابند که تاریخ کتاب‌مقدس را تائید می‌کند. بااینحال، بنیاد ایمان ما به کلام خدا، آن فرمایش خودِ مسیح است که فرمود: "کلام تو راستی است" (یوحنا ۱۷: ۱۷).

د) کاربرد شخصی

آیا ایمان دارید که کتاب‌مقدس از نظر تاریخی درست است؟ گفتیم که کتاب‌مقدس تکمیل است و همیشه دقیق، اما تاریخ اینچنین نیست. درك این حقیقت چگونه می‌تواند به‌هنگام مواجهه با اختلاف میان کتاب‌مقدس و تاریخ عمومی، به شما کمك کند؟

ه) کاوشی عمیقتر

۱- عیسی مسیح در انجیل‌ها چگونه به شخصیت‌ها و رویدادهای عهدعتیق اشاره می‌کرد؟ آیا اینها امور تاریخی بودند یا فقط ابزاری ادبی برای تعلیم؟ از اشخاص و رویدادهای عهدعتیق که عیسی به آنها اشاره کرد، فهرستی تهیه کنید، و بنویسید که نحوه اشاره او به آنها چگونه بود. برای مثال، او از آدم و حوا به‌عنوان اشخاص حقیقی نام می‌برد و در نظر او طوفان نوح واقعاً اتفاق افتاد.

۲- با کسی که می‌گوید برای تفسیر عهدعتیق روش دیگری دارد، چگونه برخورد می‌کنید؟ مثلاً برای چنین شخصی، فقط معنای روحانی رویدادهایی نظیر دانیال در چاه شیران یا طوفان نوح اهمیت دارد. برای او مهم نیست که اینها واقعاً در تاریخ اتفاق افتاده‌اند یا نه. چگونه به چنین شخصی نشان می‌دهید که این رویدادها واقعاً در تاریخ روی داده‌اند؟

فصل ۵

دعاهایی نیرومند از پارس!

آیا دقت کرده‌اید که که دانیال در دوره کهنسالی، چه دعاهای نیرومندی کرد؟ او که برای مدت بیش از ۷۰ سال در سمت‌های بالا در دربار بابلیها و پارسها خدمت کرد، هر روز سه بار در برابر پنجره‌ای گشوده رو به اورشلیم دعا می‌نمود. وقتی که رقبای سیاسی‌اش زندگی آ میخته به دعای او را بهانه قرار دادند، او دلیرانه از اقرار کردن به ایمان خود به خدای زنده باز نایستاد! فصل ٦ دانیال را بخوانید. در دانیال ۸: ۲ می‌خوانیم که دانیال هنگامی‌که در کاخ شوش در ایالت ایلام بود، رویایی دید.

الف) فراتر از رهایی از چاه شیران!

توفیق دانیال در مقام مشاور سیاسی، حسادت همقطارانش را بر انگیخت. ایشان دائماً در پی آن بودند که او را از سر راه خود بردارند. اما چون نمی‌توانستند در صداقت و قابلیتش در کار نقصی بیابند، بر آن شدند تا از اعتقاداتش علیه او استفاده کنند. در نتیجه، چاپلوسانه داریوش پادشاه را بر انگیختند تا فرمانی ۳۰ روزه صادر کند مبنی بر اینکه هر که در این مدت به کسی جز پادشاه دعا کند، به چاه شیران انداخته شود.

این امر مانع دانیال نشد. او به دعا کردن ادامه داده، روزی سه بار در برابر پنجره‌ای گشوده رو بسوی اورشلیم دعا می‌کرد و خدا را سپاس می‌گفت، همانگونه که قبلاً می‌کرد.

"اما چون دانیال دانست که نوشته امضا شده است، به خانه خود در آمد و پنجره‌های بالاخانه خود را به سمت اورشلیم باز نموده، هر روز سه مرتبه زانو می‌زد و دعا می‌نمود و چنانکه قبل از آن عادت می‌داشت، نزد خدای خویش دعا می‌کرد و تسبیح می‌خواند" (دانیال ٦: ١١).

حیله دشمنان دانیال کارساز شد. دانیال را در حال دعا دیدند و او را محکوم به چاه شیران نمودند زیرا احکام مادها و پارسها غیر قابل تغییر بود. می‌دانیم که خدا دانیال را معجزه‌آسا رهایی داد. اما به نتیجه نهایی اطاعت دانیال از خدا توجه کنید:

داریوش این اعلا میه را پس از رهایی یافتن دانیال صادر نمود:

"'از حضور من فرمانی صادر شده است که در هر سلطنتی از ممالك من، مردمان به حضور خدای دانیال لرزان و ترسان باشند، زیرا که او خدای حی و تا ابدالآباد قیوم است. و ملکوت او بی‌زوال و سلطنت او غیر متناهی است. اوست که نجات می‌دهد و می‌رهاند و آیات و عجیاب را در آسمان و در زمین ظاهر می‌سازد و اوست که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است.' پس این دانیال در سلطنت داریوش و در سلطنت کورش فارسی فیروز می‌بود" (دانیال ٦: ٢٧-٢٨).

چه کسانی این اعلا میه را شنیدند؟ امپراطوری پارس از مصر گرفته، در تما می خاور میانه، و پاکستان و بخشی از هندوستان و تا به آسیای مرکزی گسترده بود. این قلمرو امروزه شامل کشورهای مصر، عربستان سعودی، اسرائیل، اردن، عراق، لبنان، ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان، و بخشی از

قزاقستان و هندوستان می‌شود. صدها گروه از مردم به صدها زبان نوشته داریوش را خواندند. در اثر دعاهای دانیال، "پنجره ۱۰-۴۰ آن روزگار دانستند که خدای زنده دانیال رهایی می‌بخشد، آیات و عجایب به‌عمل می‌آورد، و حکومتش ابدی است.

ب) آیا شیطان می‌توانست دعای دانیال برای پارس را مختل سازد؟

در فصل دهم دانیال، او را در سالخوردگی، در سو مین سال خدمتش به کورش، پادشاه پارس می‌بینیم. می‌خوانیم که او بار سنیگینی در دل خود داشت. او به‌مدت سه هفته روزه گرفت و دعا کرد، بدون آنکه بداند که آیا دعایش شنیده می‌شود یا نه. آنگاه از آسمان چنین پاسخ آمد: "ای دانیال مترس، زیرا از روز اول که دل خود را بر آن نهادی که بفهمی و به حضور خدای خود تواضع نمایی، سخنان تو مستجاب گردید و من به‌سبب سخنانت آمدم. اما رئیس مملکت فارس بیست و یك روز با من مقاومت نمود و میکائیل که یکی از روسای اولین است به اعانت من آمد و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم. و من آمدم تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواهد شد اطلاع دهم زیرا که این رویا برای ایام طویل است" (دانیال ۱۰: ۱۲-۱٤).

نبردی روحانی در آسمان میان نیروهای خدا و شیطان در گرفت که سبب شد پاسخ خدا به دانیال به‌مدت بیست و یك روز عقب بیفتد. توجه کنید که روح پلیدِ تحت قدرت شیطان، "رئیس مملکت فارس" نا میده شده است. در همان فصل، نبردی دیگر با "رئیس یونان" توصیف شده است. از قرار معلوم، شیطان نیروهای پلید مختلفی را بر کشورها یا گروههای گوناگون مردم می‌گمارد تا ایشان را در تاریکی نگاه دارد تا به شناخت حقیقت نائل نیایند.

شیطان از هر وسیله‌ای برای مختل ساختنِ دعاها استفاده می‌کند، خصوصاً دعاهایی که مربوط به بردنِ پیام انجیل به ملت‌ها و مردمانی می‌شود که آن را نشنیده‌اند. شیطان همواره با کار خدا در ایران مخالفت ورزیده است، اما همانند دعای دانیال، شفاعت قوم خدا امروز می‌تواند کار خدا را برای هدایت ایرانیان بسوی مسیح کا میاب سازد. لطفاً این دعوت به مبارزه را که در زیر آمده، بپذیرید!

ج) کاربرد شخصی

دوستان عزیز مسیحی، در فصل دوم دیدیم که دانیالِ نوجوان دعا کرد و از خدا طلب حکمت نمود. ه مین دانیال در هشتاد سالگی هنوز هم روزه می‌گرفت و دعا می‌کرد تا کار خدا در میان قومش، یعنی یهودیان و در میان سایر ملت‌های امپراطوری پارس به‌انجام برسد.
بیایید ما نیز همچون دانیال باشیم! بسیاری از دعاهای ما فقط برای خانواده و دوستان و نیازهای فیزیکی‌مان می‌باشد. ما غافل می‌مانیم از اینکه برای سایر نیازها دعا کنیم. از راهنمای دعای ذیل استفاده کنید تا درست مانند دانیال، برای نیازهای ایران دعا نمایید.

درخواست برای ایران

۱- برای ایمانداران جفادیده فارسی‌زبان دعا کنید تا شکیبا باشند و بتوانند محبت مسیح را به آزاردهندگان خود نشان دهند.

۲- برای بازگشایی انجمن کتاب‌مقدس در تهران دعا کنید. چه موهبتی خواهد بود که بار دیگر کتب مقدسه در ایران به فراوانی در دسترس باشد.
۳- دعا کنید تا ایمانداران جدید بیاموزند که از طریق مطالعه کلام و کاربرد آن، به صدای خدا گوش فرا دهند.
٤- بعضی از مسیحیان از شرکت در جلسات کلیسایی محرومند. دعا کنید تا ایشان از طریق برنامه‌های رادیویی، جزوات کتاب‌مقدس، یا سایر نشریات مسیحی تشویق شوند.
٥- برای کار خدا در میان پنج میلیون نفر از قبایل لر دعا کنید تا بسیاری از آنان بسوی مسیح بیایند.
٦- دعا کنید تا آن دسته از ایرانیان که به خارج مهاجرت کرده‌اند و به مسیح ایمان آورده‌اند، مایل باشند که به ایران باز گردند و به خویشان خود و سایرین بشارت دهند، خواه بصورت بازدیدی کوتاه‌مدت یا بازگشت دائمی به کشور.
۷- دعا کنید تا رهبران دولت جمهوری اسلا می ایران با درایت و حکمت کشور را اداره کنند. کتاب‌مقدس می‌فرماید که برای صاحب‌منصبان دعا کنیم تا ایمانداران بتوانند در صلح و صفا، زندگی مقدس و خداپسندانه‌ای داشته باشند.
۸- دعا کنید تا ایمانداران در سلوك الهی خود در خانه، محل کار، و مدرسه استوار باشند و بتوانند در باره ایمان خود به عیسی مسیح شهادتی خردمندانه ارائه دهند.
۹- در سواحل دریای خزر، سه میلیون مازندرانی زندگی می‌کنند که باید پیام انجیل را بشنوند. دعا کنید تا کسی باشد که این پیام را به ایشان اعلام نماید.
۱۰- دعا کنید تا برنامه‌های رادیوی‌های مسیحی بخوبی و روشنی در ایران شنیده شود. دعا کنید تا پخش برنامه‌هایی به زبانهای محلی کردی و مازندرانی و غیره آغاز شود.
۱۱- ایماندارانی که از خانواده‌های غیر مسیحی هستند، اکثراً نمی‌توانند در جلسات کلیساهایی که هنوز در ایران باقی می‌باشند، شرکت کنند. دعا کنید تا روح خدا ایشان را در ایمان جدیدشان یاری رساند.
۱۲- کلیساها و مشارکت‌های ایرانی بسیاری خارج از ایران، در سراسر اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا، و مناطقی از آسیا تشکیل می‌شود. برای شبانان و خادمینی که در میان پراکندگان ایرانی خدمت می‌کنند، دعا کنید.
۱۳- برای ٦٥% از جمعیت ایران که زیر ۲٥ سالگی می‌باشند دعا کنید. افکار مردم باید بسوی مسیح جذب شود. در این زمینه، نیاز به ایده‌های نوین و خلاق هست.
۱٤- دعا کنید تا برای ایرانیان نشریات مسیحی بیشتری ترجمه و منتشر شود.
۱٥- برای فارسی‌زبانانی که در افغانستان و تاجیکستان زندگی می‌کنند، دعا کنید؛ ایشان اکثراً در شرایط بدی بسر می‌برند. برنامه‌های رادیویی و نشریات مسیحی می‌توانند به ایشان کمك کنند تا راه نجات را بیابند.
۱٦- دعا کنید تا دانشجویان ایرانی که در آموزشگاههای مختلف کتاب‌مقدس در خارج از ایران مشغول تحصیل الهیات می‌باشند، آماده شوند تا دیگران را تعلیم دهند.
۱۷- دعا کنید تا پیام نجات که توسط میسیونرها و سایرین به ایرانیان مقیم خارج از کشور اعلام می‌شود، بر خاك حاصلخیز بیفتد.
۱۸- در میان گروههای قومی ایران، یك میلیون کرد در منطقه شمال غربی ایران زندگی می‌کنند. دعا کنید تا بسیاری از ایشان کلام خدا را بشنوند و ایمان بیاورند و سپس به مردم خودشان، هم در ایران و هم در عراق و ترکیه شهادت دهند.
۱۹- دعا کنید تا خادمان مسیحی، از جمله خادمان ایرانی بتوانند در میان ایرانیان در خودِ ایران شهادت دهند.

۲۰- دعا کنید تا اشخاصی که در برخی از شهرها در خانه‌ها برای عبادت جمع می‌شوند، در آرامش خیال به عبادت بپردازند.

۲۱- برای رشد و شکوفایی خصائل مسیحی در میان نوایمانانی که دوره‌های شاگردی را می‌گذرانند، دعا کنید.

۲۲- برای محافظت شبانان در داخل ایران دعا کنید که می‌کوشند گله خود را علیرغم محدودیت‌های دولت بر سر راه ایمان مسیحی، هدایت کنند.

۲۳- برای مسیحیان عضو کلیساهای آسوری و ارمنی دعا کنید تا به شناخت واقعی عیسی مسیح دست یابند و او را همچون خداوند و نجات‌دهنده خود بپذیرند و شهادت موثری به ایرانیان اطراف خود بدهند.

۲٤- دعا کنید تا "آزادی عبادت" در ایران تبدیل به قاعده‌ای عمومی شود. مقامات دولت اسلا می می‌گویند که برای همه آزادی عبادت هست، اما این امر در خصوص ایماندارانی که از زمینه اسلا می هستند، صدق نمی‌کند.

۲۵- دعا کنید تا خدا لشکر نیرومندی از دعاکنندگان برای دنیای فارسی‌زبان بر انگیزد. شاید شما یکی از آنان باشید.

۲٦- برای آنانی که امروزه در ایران کلام خدا را شنیده‌اند و در مورد ادعاهای مسیح تعمق می‌کنند، دعا کنید تا به او پاسخ مثبت دهند.

۲۷- دعا کنید تا شبانان و رهبران کلیساهای ایران کشور را ترك نگویند. ماندن در آنجا دشوار است، اما به حضورشان شدیداً نیاز هست.

۲۸- دعا کنید تا ۵۰-٦۰ گروه قومی در ایران، فرصت این را داشته باشند تا انجیل را به زبان مادری خود بشنوند.

۲۹- برای ایمانداران ایرانی که در جستجوی همسری ایماندار هستند، دعا کنید. این امر ممکن است دشوار و دلسردکننده باشد. دعا کنید تا ایشان شکیبا باشند و منتظر خداوند بمانند.

۳۰- برای کسانی که برنامه‌های رادیویی را می‌شنوند دعا کنید تا پیام را درك کرده، واکنش نشان دهند؛ همچنین برای تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیویی دعا کنید تا برنامه‌هایی روشن و ساده تهیه نمایند. دعا کنید تا بودجه ادامه این کار فراهم گردد.

۳۱- برای شبانان خداترسی که علیرغم تمامی مشکلات، هنوز در ایران خدمت می‌کنند، دعا کنید تا کلام را با شهامت و درایت موعظه کنند.

شما را ترغیب می‌کنم تا برای این درخواستها به‌مدت یك ماه دعا کنید. اگر خدا هدایتتان کرد تا به دعا ادامه دهید، می‌توانید این برگه‌ها را بکنید یا از آنها فتوکپی تهیه کنید تا در دعاهای شخصی‌تان از آنها استفاده نمایید.

برای تهیه فهرست دعا برای ٤٦ گروه قومی مختلف که هنوز پیام انجیل را نشنیده‌اند، می‌توانید به سایت www.bethany/com./2003/unreachedpeoples.htm مراجعه کنید. دعای شما همانند دعای دانیال، می‌تواند راه را برای این مردمان بگشاید تا ملکوت خدا را که در فصل ٦ دانیال مذکور آمده، بشناسند. سایت دیگری که دعاهای مورد نیاز برای دنیای فارسی‌زبان را در اختیارتان قرار می‌دهد، www.peopleteams.org/psw می‌باشد. همچنین سایت www.persianwo.org فهرست دعای برای ایرانیان را عرضه می‌دارد. خدا می‌تواند دعاهای شما را برای هدایت ایرانیان به‌کار گیرد.

فصل ٦

چگونه پنج پادشاه فارس وارد کتاب‌مقدس گردیدند؟

همانطور که قبلاً دیدیم، بخشی از تاریخ اسرائیل با تاریخ ایران در آ میخته است. در فاصله زمانی میان پایان اسارت بابل و بازسازی اورشلیم، مردم یهود تحت فرمان پادشاهان پارسی بودند و تاریخشان بر اساس سلطنت این پادشاهان تاریخگذاری شده است، زیر اسرائیل دیگر از خود پادشاهی نداشت. در واقع، کتاب‌های عزرا، نحمیا، استر، حَجَی، زکریا، و ملاکی در دوران اولیه حکومت پارسها نوشته شده و تصویری کلی از روابط پارسها و اسرائیلیها بدست ما می‌دهد. به‌منظور درك زمینه این کتاب‌ها، نگاهی اجمالی به تاریخ پارس خواهیم انداخت. در اینجا تذکر یك نکته لازم است: مهم است به یاد داشته باشیم که همانطور که در فصل ٤ دیدیم ("دقیق‌ترین کتاب تاریخ دنیا")، اسا می به مرور زمان و در اثر ترجمه از یك زبان به زبانی دیگر تغییر می‌کنند. در جدول زیر چند پادشاه نخستِ پارس مذکور آمده‌اند:

تاریخ (ق.م.)	نام ایرانی	نام در کتاب‌مقدس	نام انگلیسی	مأخذ در کتاب‌مقدس
٥٣٩-٥٣٠	کورش	کورش	Cyrus	اشعیا ٤٥؛ دانیال؛ عزرا ١-٣
٥٣٠-٥٢١	کمبوجیه	اخشورش	Cambyses	عزرا ٤: ٦
٥٢١ ق.م.	بردیای دروغین	ارتحشستا	Pseudo-Smerdis	عزرا ٤: ٧-٢٣
٥٢١-٤٨٦	داریوش کبیر	داریوش	Darius the Great	عزرا ٥، ٦
٤٨٦-٤٦٥	خشایارشا	اخشورش	Xerxes	استر ١-١٠
٤٦٤-٤٢٣	اردشیر درازدست	ارتحشستا	Artaxerxes	نحمیا ١-١٣؛ عزرا ٧-١٠

سه پادشاه با نام اردشیر وجود داشت. اردشیر درازدست از ٤٦٤ تا ٤٢٣ ق.م. سلطنت کرد، اردشیر دوم از ٤٣٠٤ تا ٣٥٩ ق.م. و اردشیر سوم از ٣٥٨ تا ٣٣٧ ق.م. توجه داشته باشید که در ترجمه قدیمی کتاب‌مقدس فارسی، برخی اسامی پادشاهان به‌گونه‌ای دیگر تلفظ شده است. حال جزئیات بیشتری در خصوص این پادشاهان ارائه خواهیم داد:

١- کورش کبیر بنیانگذار امپراطوری ماد و پارس بود و سرزمینهای ماد و لیدیه و بابل را فتح کرد. او که رهایی‌بخشی مهربان بود، اجازه داد که ملت‌ها خدایان خود را پرستش کنند. او نسبت به مردمان اسیر که در دوره حکومت نبوکدنصر و جانشینانش متحمل سختی شده بودند، نیکخواه بود. با برکت و مساعدت مالی او بود که یهودیان اجازه یافتند تا به اورشلیم باز گشته، معبد خود را بازسازی کنند. برای اطلاعات بیشتر در مورد کورش، به فصل اول مراجعه کنید.

۲- کمبوجیه، پسر کورش، جانشین پدر شد. او مأمور شد تا مصر را فتح کند و این کار را وقتی پس از مرگ پدر به سلطنت رسید، انجام داد. تاریخ ایران می‌گوید که کمبوجیه در راه بازگشت از فتوحات خود، شنید که شخصی به‌نام بردیا که ادعا کرده بود که برادرش می‌باشد، تخت شاهی را اشغال کرده است. کمبوجیه در راه، درگذشت. نام او در کتاب‌مقدس اخشورش است (عزرا ٤: ٦)، اما نباید او را با اخشورش (خشایارشا)، شوهر ملکه استر، اشتباه کرد. (برای توضیحات بیشتر، به بخش ب در این فصل مراجعه کنید.)

۳- بردیای دروغین، غاصب سنتی، چند ماه سلطنت کرد. او با عفو پرداخت مالیاتِ آتی برای مدت سه سال در سراسر امپراطوری، پیروان بسیاری یافت. (آیا سیاست در طول این ۲۵۰۰ سال تغییر زیادی کرده است؟) اما داریوش از حمایت سپاه پارس برخوردار بود و مآلاً بردیای دروغین را اسیر کرد و کشت و مدعی تاج و تخت شد. توجه داشته باشید که نام بردیای دروغین در کتاب‌مقدس احتمالاً ارتحشستا می‌باشد (عزرا ٤: ۷-۲۳) و نباید او را با اردشیر که بیش از نیم قرن بعد از آن به سلطنت رسید، اشتباه کرد. (برای توضیحات بیشتر به بخش ب در این فصل مراجعه کنید.)

٤- داریوش، پس از قتل بردیای دروغین، ظرف دو سال نه پادشاه را در نوزده شورش محلی سرکوب کرد. این پیروزیها در سنگنبشته بیستون، واقع در ۵۰ کیلومتری باختران (کرمانشاه سابق) در غرب ایران ثبت شده است. داریوش کار بنای مجموعه کاخهای تخت‌جمشید، واقع در ۵۰ کیلومتری شمال شیراز را آغاز نمود. تالار اصلی دارای چنین نوشته‌ای است: "منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمینها، که این کاخ را بساخت." داریوش مدیری مدبر بود و نظام مراسلاتی کارآمدی را بوجود آورد. در واقع، شعار پست ایالات متحده که می‌گوید "نه باران، نه برف، نه تگرگ نمی‌تواند مأموران پست را از انجام وظایفشان باز دارد"، در واقع از داریوش پادشاه نشأت می‌گیرد. داریوش به‌دشواری توانست جلو امپراطوری طغیان‌گر یونان را بگیرد. (عزرا فصل‌های ۵ و ٦)

۵- خشایارشا پسر داریوش بود. او جنگ با یونانیان و بنای تخت‌جمشید را ادامه داد. کتاب‌مقدس می‌گوید که خشایارشا شوهر استر بود. توجه کنید که نام او در کتاب‌مقدس، اخشورش است و نباید او را با کمبوجیه اشتباه کرد.

٦- اردشیر پسر خشایارشا بود. او نیز عمارت تخت‌جمشید را ادامه داد. کتاب‌مقدس می‌گوید که او به عزرا اجازه داد تا یهودیان بیشتری را به اورشلیم باز گرداند و به نحمیا نیز اِذن داد تا به اورشلیم بازگشته، آن را مرمت نماید (نحمیا فصل‌های ۱ تا ۱۳ و عزرا فصل‌های ۷ تا ۱۰).

الف) بازگشت یهودیان با اجازه کورش

۱- ارمیای نبی پیشگویی کرد که یهودیان به‌علت نافرمانی از خدا، به‌مدت هفتاد سال به تبعید خواهند رفت و پس از آن به سرزمین خود باز خواهند گشت. این پیشگوییها در ارمیا ۲۵: ۱۲؛ ۲۹: ۱۰؛ و اشعیا ٤٤: ۲۸؛ ٤۵: ۱-۱۳ یافت می‌شود. فصل اول ("سلسله سلطنتی شکل می‌گیرد") به توصیف حکومت پارس و بویژه شخصی که خدا

به‌واسطه او این پیشگوییها را تحقق می‌بخشید می‌پردازد؛ این شخص، کورش کبیر است که یهودیان را کمك کرد تا به اورشلیم باز گردند و معبد را از نو بسازند. به تحقق این نبوت‌ها در کتاب‌مقدس در عزرا ۱: ۱-٤ و دوم تواریخ ۳٦: ۲۲-۲۳ مراجعه کنید. در ارمیا ۲۹: ۱۰ چنین آمده است: "و خداوند می‌گوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود، من از شما تفقد خواهم نمود و سخنان نیکو را که برای شما گفتم انجام خواهم داد؛ به اینکه شما را به این مکان باز خواهم آورد."

۲- می‌بینیم که خدا چقدر رحیم بود که از طریق کورش به یهودیان مواهبی اضافی اعطا کرد زیرا او به ایشان اجازه داد که به اسرائیل باز گردند. ایشان می‌توانستند معبد را از نو بسازند (عزرا ۱: ٤)، و به اورشلیم باز گردند (عزرا ۱: ٥) و از یهودیانی که در بابل می‌ماندند، کمك مالی دریافت کنند (عزرا ۱: ٤). خودِ کورش نیز به ایشا طلا و نقره اهداء کرد. در مقابل همه اینها، یهودیانی را ملاحظه کنید که شوروی سابق را در دهه ۱۹٦۰ به قصد مهاجرت به اسرائیل ترك کردند. ایشان اجازه نداشتند هیچیك از اموال خود را با خود ببرند و مجبور بودند عوارض خروج هنگفتی به دولت روسیه بپردازند. روسهایی که به ایشان اجازه خروج دادند، از ایشان متنفر بودند.

۳- تعداد ۳٦۰ر٤۲ یهودی و خدمتکارانشان از بابل به اسرائیل باز گشتند (عزرا ۲: ٦٤).

٤- وقتی یهودیان به اورشلیم باز گشتند، نخست قربانگاهی بنا کردند تا طبق شریعت موسی، قربانی بگذرانند. آنگاه شروع به بازسازی معبد کردند. وقتی بنیاد معبد را گذاردند، مراسمی برگزار کردند (ر.ش. عزرا ۳: ۱-۳).

ب) توقف بنای معبد به‌دستور یك پادشاه پارس

تکمیل بنیاد معبد را با نواختن شیپور و فریاد شادی جشن گرفتند. (درضمن، کاهنان مسن‌تر و بزرگان قبایل گریه می‌کردند، چرا که احتمالاً خاطره معبد اصلی باعث اندوهشان شده بود.) اما غیریهودیانی که در سامره زندگی می‌کردند و از بیرون شاهد ماجرا بودند، ناگهان خواستار شرکت در این سرگرمیها شدند. وقتی که سران یهود درخواست آنان را رد کردند، ایشان به مقامات پارس متوسل شدند و باعث توقف کار عمارت گشتند. فصل ٤ عزرا را بخوانید.

۱- این پادشاهان پارس که سامریان بدیشان متوسل شدند، که بودند (عزرا ٤: ٦-۷)؟
ترجمه قدیمی فارسی کتاب‌مقدس نامهای اخشورش و ارتحشستا را ارائه می‌دهد، اما ترجمه تفسیری از خشایارشا و اردشیر نام می‌برد. در اینجا دو مکتب فکری مطرح است:

الف) کاربرد اسامی این دو پادشاه در ترجمه تفسیری فارسی از ترتیب وقوع تاریخی دور می‌شود و به فراسوی دوره زمانی‌ای می‌رود که در عزرا ٤ ذکر شده است. در این صورت، حضور ایشان در متن حاکی از این است که مشکلات یهودیان با همسایگان غیریهودی خود، فراسوی دوره سلطنت داریوش رفته است. بنابراین، طبق ترجمه تفسیری، اسامی خشایارشا و اردشیر در عزرا ٤: ٦-۷ با اسامی همان پادشاهان در عزرا ۷-۱۰، نحمیا، و استر منطبق می‌شود.

ب) اما عده‌ای دیگر، از جمله نویسنده این کتاب، معتقدند که در ترجمه قدیمی فارسی کتاب‌مقدس، نام "اخشورش" در عزرا ٤: ٦ اشاره به کمبوجیه، پسر کورش، دارد، و ارتحشستا در عزرا ٤: ٧-٢٣ به بردیای دروغین. دلایل متعددی این فرضیه را حمایت می‌کند. نخست آنکه، ترتیب تاریخی حکومت این پادشاهان را رعایت می‌کند. دوم، اقدام "اخشورش" در خصوص توقف بنای معبد با خصوصیات اخلاقی و موضع‌گیری سیاسی بردیای دروغین سازگار است. به‌علاوه، برخی از مورخین بر این باورند که اسامی اخشورش و ارتحشستا، عناوین عمومی پادشاهان پارس بوده است، عناوینی کلی مانند "فرعون" و "شاه" یا "اعلیحضرت"، و اسامی خاص نبوده‌اند. برای مثال، نام آخرین پادشاه ایران که در سال ۱۹۷۸ از سلطنت برکنار شد، "محمد رضا پهلوی" بود. اما عده کمی، خاصه در غرب، او را فقط با نام "شاه" می‌شناختند. در تاریخ ایران صدها پادشاه وجود دارد، از کورش گرفته تا محمد رضا پهلوی و همگی ایشان "شاه" خوانده می‌شدند.

۲- چرا یهودیان اجازه ندادند که ساکنان سامره ایشان را در بنای معبد یاری دهند؟ دلیلش این بود که این مردمان خدا را نمی‌پرستیدند و یهودیان نمی‌خواستند راستی را با دروغ بیامیزند. فقط قوم خدا می‌توانست در بنای معبد شرکت جویند، آن مکانی که بنا بود در آن خدای یگانه را عبادت کنند.

۳- کورش پادشاه متأسفانه پیش از بنای معبد در گذشت. سامریان وقتی با مخالفت یهودیان با شراکت ایشان در بنای معبد مواجه شدند، بر ایشان در حضور کمبوجیه اتهام وارد ساختند. بعداً نامه‌ای اتهام‌آمیز و شکایت‌آلود علیه یهودیان برای بردیای دروغین فرستادند (ر.ش. ۱ ب) و از او خواستار توقف بنای معبد شدند. بردیای دروغین احتمالاً برای آنکه طرفداران سیاسی بیشتری بیابد، این درخواست را پذیرفت و فرمان کورش مبنی بر بنای معبد را ملغاء ساخت. کار ساختمان متوقف شد. تجسم کنید که چقدر مأیوس‌کننده است که هر روز به بنیاد خالی و اسکلت نیمه‌کاره ساختمان معبد خدایتان نگاه کنید و هیچ امیدی نداشته باشید که هرگز اجازه تکمیل آن را بدست آورید. عزرا ٤: ١٧-٢٤ را مرور کنید.

ج) تکمیل بنای معبد در زمان داریوش

۱- خدا به‌واسطه حَجَی نبی امید را نوید داد. حجی ۱: ۱ می‌فرماید: "در روز اولِ ماه ششم از سال دوم داریوش پادشاه، کلام خداوند به‌واسطه حجی نبی به زرُبابل بن شألتیئیل والی یهودا و یهوشع بن یهوصادق رئیس کهنه رسید." تمام کتاب حجی به‌منظور تشویق یهودیان به تکمیل بنای معبد نوشته شده است. حجی به مردم می‌گوید که ایشان در خانه‌های مجلل و سقف‌دار زندگی می‌کنند در حالیکه خانه خدا خرابه باقی مانده است و اینکه ایشان بخاطر غفلت از امور خدا، در زندگی خود کامیاب نخواهند شد (۱: ۳-۹). کتاب حجی و عزرا ٥: ١-٢ را بخوانید.

۲- یکبار دیگر، دشمنان اسرائیل به آغاز کار بنای معبد اعتراض کردند و گزارشی برای داریوش، پادشاه جدید، فرستادند به این امید که باز دستور توقف کارها داده شود. اما همانطور که در عزرا ٥: ٢ تا ٦: ١٨ آمده، داریوش پادشاه در بایگانی کورش جستجو کرد و اعلامیه اصلی او را یافت که اجازه می‌داد یهودیان به اسرائیل باز گردند و معبد را از نو بسازند و از خزانه کشور کمك مالی دریافت کنند. نتیجتاً کار بنای معبد به اتمام رسید.

جستجوی داریوش در شهر اکباتان (ترجمه تفسیری فارسی) یا احمِتا (ترجمه قدیمی فارسی) صورت گرفت؛ این شهری است در غرب ایران که امروز همدان نامیده می‌شود. همدان بخاطر هوای خنکش، اقامتگاه تابستانی پادشاهان اولیه بود. (هنوز چیزی از ورود ما به ایران نمی‌گذشت که دختر اولم در سال ۱۹۶۲ در همدان متولد شد.)

د) کاربرد شخصی

۱- فهرستی تهیه کنید و در آن بنویسید که از بازگشت یهودیان به اورشلیم و بازسازی معبد، و مخالفت با آن، چه درسهای روحانی می‌گیرید. همانطور که بسیاری از یهودیان خداترس به وطن خود و اورشلیم بازگشتند، آیا فکر کرده‌اید که به ایران باز گردید و مژده نجات در عیسی مسیح را با مردم در میان بگذارید؟



شرح تصویر: پلکان تخت پارسی در تخت جمشید، ملت های مختلفی را نشان می دهد که برای حکومت پارس خراج می آورند.

۲- در عزرا ۳: ۱-۱۳ می‌خوانیم که وقتی یهودیان به اورشلیم باز گشتند، نخست قربانگاهی بنا کردند تا قربانی تقدیم کنند. شما به‌عنوان پناهجویی که به کشوری جدید می‌رود و کار جدیدی شروع می‌کند، چگونه می‌توانید امور روحانی را مقدم بر همه چیز قرار دهید؟

۳- از فصل چهارم عزرا دریافتیم که یهودیان کمك غیریهودیان را برای بنای معبد نپذیرفتند و علت این کار پاکی و تقدس بود، چرا که نمی‌خواستند امور مقدس را با تأثیرات بت‌پرستی در هم بیامیزند. ایشان برای این تصمیم خود بهایی پرداختند. آیا شما حاضرید برای اصول و اعتقادات خود بهایی بپردازید؟

ه) کاوشی عمیقتر

شکایت‌نامه‌های مذکور در عزرا ٤: ٧-١٦ و عزرا ٥: ٦-١٧ و پاسخهای مذکور در عزرا ٤: ١٧-٢٢ و ٦: ٦-١٢ چگونه فرهنگ ایرانی را در ذهنتان زنده می‌کند؟

و) اندیشه‌های نهایی

میان آیات پایانی عزرا ٦ و آیات آغازین عزرا ٧، فاصله‌ای حدود ٥٠ سال وجود دارد. در این مدت، وقایع کتاب استر رخ داد. می‌بینیم که خدا میان یهودیانی که پس از اعلامیه کورش، در ایران و بابل ماندند، کار می‌کرد.

گفته می‌شود که آرامگاه استر و مردخای در همدان (یا اکباتان یا هگمتانه سابق) قرار دارد. در زمان انقلاب در سال ١٩٧٨، حدود ٩٠,٠٠٠ یهودی در ایران زندگی می‌کردند که اکثر ایشان اصل خود را به اسارت بابل می‌رساندند. گرچه بسیاری از یهودیان در طول انقلاب و بعد از آن، از ایران خارج شدند، اما هنوز بعضی در آنجا باقی هستند. طبق برخی تخمین‌ها در سال ٢٠٠٠ هنوز ٣٠,٠٠٠ یهودی در ایران زندگی می‌کردند.

فصل ۷

استر، ملکه پارسی

آیا متوجه شده بودید که یکی از کتاب‌های کتاب‌مقدس نا می فارسی دارد؟ این کتاب همان کتاب استر است. آیا می‌دانید استر چگونه ملکه شد؟ پادشاه ضیافت بزرگی ترتیب داد. گرچه نمی‌دانیم چرا ملکه وشتی حاضر نشد به شوهرش خشایارشا و میهمانانش بپیوندد، اما می‌دانیم که نافرمانی او و طلاقی که بدنبال آن روی داد، زندگی شاید صدها زن جوان را در سراسر ایالات امپراطوری پارس تغییر داد، خصوصاً زندگی یك دختر یتیم یهودی را به‌نام استر که زیبایی و رفتارش دل پادشاه را ربود. ماجرای استر نشان می‌دهد که چگونه خدا اشخاص وفادار و امین را به‌کار می‌برد تا قوم خود را از خطر نابودی برهاند.

الف) شرایط پارس

۱- خشایارشا (اخشورش در ترجمه قدی می فارسی) از سال ٤٨٦ تا ٤٦٥ ق.م. سلطنت کرد. در استر ۱:۱ از او توصیف پرشکوهی به‌عمل آمده و این نشان می‌دهد که می‌بایست بیش از یك خشایارشا وجود داشته باشد زیرا گفته شده که او پادشاهی بوده که بر ۱۲۷ ولایت حکمرانی می‌کرده است. این را مقایسه کنید با عزرا ٤: ٦ که طبق نظر نویسنده این کتاب، به کمبوجیه اشاره دارد.

۲- به گستره امپراطوری پارس توجه کنید که ۱۲۷ ایالت را از هند تا حبشه در بر می‌گرفته است.

۳- قصر شوشن در نزدیکی شهر شوش واقع بود؛ شوش شهری است در جنوب غربی ایران، نزدیك اندیمشك در شمال اهواز.

٤- برخی از مفسران معتقدند که ضیافت مذکور در فصل اول استر به این علت ترتیب داده شد تا حمایت حکام محلی و فرماندهان نظامی را برای لشکرکشی علیه امپراطوری رو به گشترش یونان، جلب کند. برخی دیگر بر این باورند که این ضیافت بعد از شکست خشایارشا در جنگ برگزار شد، در دوره‌ای که او خود را با "شراب و زن و موسیقی" سرگرم می‌ساخت.

٥- خشایارشا گرچه در جنگ با یونانیان ناموفق بود، اما برای دنیای ورزش میراثی فراموش‌نشدنی برجای گذارد: ماراتُن! در احادیث تاریخی آمده که وقتی پارسیان در جنگ شکست خوردند، سربازی یونانی فاصله میان شهر ماراتُن تا آتن را دوید تا پیروزی یونانیان را اعلام دارد. در مراسم المپیك سال ۱۹۰۸، این رویداد طی یك مسابقه دو از کاخ سلطنتی ویندزر (Windsor) تا میدان المپیك گرا می داشته شد؛ این مسافت به‌طول ۲٦/۲ مایل (حدود ٤۲ کیلومتر) بود. امروزه دو ماراتون در سراسر جهان برگزار می‌شود.

ب) تاجگذاری استر

۱- ملکه وشتی طلاق داده شد و از مقام خود عزل گردید زیرا حاضر نشد از دستور پادشاه مبنی بر نمایش زیبایی خود اطاعت کند (استر ۱: ۱۰-۲۲).

۲- نام یهودی استر، هَدَسه بود (استر ۲: ۷). مردخای دختر عمویی داشت به‌نام هدسه. این دختر که نام پارسی‌اش استر بود، بسیار زیباروی بود. مردخای استر را پس از فوت والدینش همچون دختر خود بزرگ کرد.

۳- نام "استر" فارسی است.
الف) نام "ایشتار"، الهه بابلیها و آشوریان، شکلی است از "استر".
ب) استر نام فارسی ستاره ونوس است.

ج) کلمه انگلیسی star از زمینه پارسی و آشوری است، و از همان حروف بی‌صدای (س، و، ت، و، ر) در کلمه استر تشکلی یافته است.

٤- جستجوی دربار برای ملکه، مانند مسابقات ملکه زیبایی امروز، برندگان و بازندگانی داشت، اما بازندگان نمایش تاریخی خشایارشا دیگر هرگز به خانه باز نمی‌گشتند. باختن در این مسابقه سلطنتی، به‌معنی زندگی کردن در انزوا همراه با زنان دیگر در حرمسرای پادشاه بود.

٥- آیا شما دوست می‌داشتید که دخترتان به‌دستور پادشاه بزور از شما گرفته شود تا هوسهای او را ارضاء کند؟ اندوه مردخای را تجسم کنید. او استر را که والدینش را از دست داده بود، بزرگ می‌کرد. مردخای، پسر عموی او، به او گفت که افشاء نکند که یهودی است، شاید به این منظور که او را از احساسات ضدیهودی محفوظ نگاه دارد.

ج) کار استر در امر رهایی یهودیان

وقتی به نقاط اوج این داستان آشنا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که خدا چگونه در قصر شوشن کار می‌کند. من یك بار دو گروه از افراد انگلیسی‌زبان کلیسای Tehran Bible Churchرا برای بازدید به کاخ شوشن بردم. ویرانه‌های این کاخ در طول سالها منبابعی غنی را در اختیار باستان‌شناسان قرار داده است. دروازه کاخ، تالار تخت، و تالار احتمالی ضیافت، در معرض نمایش بود. وقتی کسی آنجا می‌ایستد، می‌تواند مردخای را تجسم کند که بر دروازه ایستاده، خشایارشا پادشاه بر تخت نشسته، و استر برای قوم خود در پیشگاه او شفاعت می‌کند، یا چندین ضیافت برای پادشاه و هامان ترتیب داده است.

۱- توجه داشته باشید که هامان حاضر بود ۱۰,۰۰۰ وزنه نقره (۲۰ میلیون دلار امروز) برای کشتار یهودیان بپردازد (استر ۳: ۹-۱۵). شکی ندارم که او انتظار داشت پول را پس بگیرد و بابت خدمتی که با کشتن یهودیان انجام می‌دهد پاداشی

دریافت دارد و ثروت ایشان از جمله طلا و نقره‌ای که کورش به ایشان داده بود را غصب نماید.

۲- به استر گفته شد که خدا می‌تواند از او استفاده کند تا یهودیان را رهایی دهد، "کیست که بداند که به‌جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای؟" (استر ٤: ١٤).

۳- به برنامه زمانی معجزه‌آسای خدا در اجرای مقصودش توجه کنید!

الف) مردخای، پسرعموی استر، از توطئه‌ای که برای کشتن پادشاه طرح می‌کردند، باخبر شد. او پادشاه را مطلع ساخت و جانش را نجات داد، اما در آن زمان پاداشی به او داده نشد (۲: ۲۱-۲۳).

ب) پادشاه دچار بی‌خوابی شد و بجای احضار پزشك یا نوازنده‌ای برای سرگرم ساختن خود، بر آن شد تا یادداشتهای مربوط به سلطنت خود را بخواند (٦: ١).

ج) به‌هنگام خواندنِ آنها، متوجه شد که مردخای توطئه قتل او را کشف کرده بود و پرسید که آیا به او پاداش داده شده یا نه (٦: ١-٣).

د) هامان خیلی زود به دربار آمد و از پادشاه اجازه یافت تا تمام یهودیان را بکشد، و این امر شامل دشمن او، مردخای نیز می‌شد. آیا می‌توانید تجسم کنید که او چقدر تکان خورد وقتی که پادشاه از او خواست تا مردخای را برای نجات جانش تکریم کند (٦: ٤-١١)؟

ه) تجسم کنید برای هامان چقدر دردناك بود که مردخای را سوار بر اسبی سفید در سراسر شهر بگرداند و اعلام کند که این کسی است که مورد تکریم پادشاه است! تجسم کنید به هامان چه احساسی در مورد شهرتش دست داد.

و) خدا به استر این حکمت را بخشید که دو ضیافت ترتیب دهد. نخستین ضیافت برای این بود که پادشاه را بر انگیزد تا باری دیگر درخواست او را بپذیرد. اما پس از آن شبِ مطبوع که در آن از پادشاه بخوبی پذیرایی شد، پادشاه وعده داد که درخواست استر را پیش از آنکه بشنود، برآورده سازد. استر که نظر مساعد پادشاهش را بدست آورده بود، او و هامان را برای ضیافت دوم دعوت کرد که در آن قرار بود برای قومش و خودش درخواست حمایت کند و توطئه هامان برای قتل عام یهودیان را افشاء نماید. نتیجه آن شد که هامان بر همان داری که خودش ساخته بود، آویخته شد (٥: ٧-١٢؛ ٦: ١٤؛ ٧: ١-٨؛ و ٧: ٩-١٠).
"آنگاه حربونا، یکی از خواجه‌سرایانی که در حضور پادشاه می‌بودند گفت: 'اینك دار پنجاه ذراعی نیز که هامان آن را به‌جهت مردخای که آن سخن نیکو را برای پادشاه گفته است مهیا نموده، در خانه هامان حاضر است.' پادشاه فرمود که 'او را بر آن مصلوب سازید.' پس هامان را بر داری که برای مردخای مهیا کرده بود، مصلوب ساختند و غضب پادشاه فرو نشست" (استر ٧: ٩-١٠).

٤- همان پیك سریع (پیکی که قبلاً داریوش پادشاه بنیان گذاشته بود) که فرمان قتل عام یهودیان را به تمامی ایالات امپراطوری برده بود، اینك فرمان دوم را می‌برد، فرمانی که می‌رفت ایشان را رهایی دهد (٣: ١٢-١٥؛ ٨: ٩-١٤).

٥- فصل‌های ٥ و ٨ کتاب استر را بخوانید و وقایعی را که رخ می‌دهند مشاهده کنید. این تصویری است شگرف از نقشه خدا برای نجات بشریت.
الف) تمام یهودیان در اثر اعلامیه هامان که پادشاه قبلاً با آن موافقت کرده بود، محکوم به مرگ شدند (٥: ٣، ١٢، ١٥). به همان شکل، تمام بشریت در اثر گناه، محکوم به مرگ می‌باشند.

"زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند" (رومیان ٣: ٢٣).
"آنکه به او ایمان آرد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد، الآن بر او حکم شده است، به‌جهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده" (یوحنا ٣: ١٨).
ب) استر برای قوم خود که تحت محکومیت قرار داشتند، شفقت داشت، و در راه نجات آنان شخصاً دست به ایثاری بزرگ زد. به همان شکل، عیسی در راه گناهان بشر مرد. او خود را فدا ساخت تا آنانی که به او ایمان آورند، هلاك نشوند، بلکه حیات جاودان بیابند.

"زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاك نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به‌وسیله او جهان نجات یابد" (یوحنا ٣: ١٦-١٧).

ج) از آنجا که "هر چه به اسم پادشاه نوشته شود و به مُهر پادشاه مختوم گردد، کسی نمی‌تواند آن را تبدیل نماید" (٨: ٨)، پادشاه فرمان دیگری نوشت و به یهودیان حق دفاع از خود را داد و به این طریق، بدون آنکه فرمان نخست را باطل سازد، راه نجاتی برای ایشان فراهم ساخت. به همان شکل، از آنجا که بشر در گناه است و مزد گناه مرگ است، خدا پسرش عیسی مسیح را داد تا جریمه را بپردازد و عدالت خود را جایگزین گناهان ما سازد.
"او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالتِ خدا شویم" (دوم قرنتیان ٥: ٢١).

د) فرمان پادشاه به تمام ١٢٧ زبان ایالات مختلف امپراطوری پارس، از هند گرفته تا حبشه، ترجمه شد تا تمامی ملت‌ها بتوانند آن را به زبان خود بشنوند نه فقط به پارسی (٨: ٩-١٠). انجیل که بیانگر این خبر است که ما به‌واسطه مرگ مسیح و نه به‌واسطه اعمال نیکمان عادل می‌شویم، باید برای تمام گروههای قومی ترجمه شود.

ه) فرمان پادشاه بلافاصله با بهترین و سریع‌ترین وسایل، یعنی با استفاده از بهترین اسبهای اصطبل شاهانه پخش شد (٨: ١٠-١٤). امروز، بهترین وسایلِ موجود باید برای اشاعه مژده عیسی مسیح مورد استفاده قرار گیرد، نظیر رادیو، تلویزیون، اینترنت، وسال ارتباط جمعی، و خصوصاً از طریق شهادت شخصی. سواران این اسبان تیزرو تأخیر نکردند و در واحه‌ها لحظه‌ای برای استراحت

توقف ننمودند، بلکه همانطور که کتاب‌مقدس می‌فرماید "ایشان را بر حسب حکم پادشاه شتابانیده، به‌تعجیل روانه نمودند" (۸: ١٤). تمامی مسیحیان واقعی باید انگیزش بیابند تا از فرمان شاه شاهان (عیسی مسیح) برای شاگردسازی تمام ملت‌ها (گروههای قومی) اطاعت کنند. شاید خدا این موهبت را به شما داده تا به‌غیر از فارسی، با زبان دیگری که در ایران رایج است، آشنا باشید. آیا خدا از شما می‌خواهد که مژده نجات در عیسی را به آن زبان بیان کنید؟ ما باید بشتابیم تا مژده نجات را اعلام داریم.

"پس چاپاران بر اسبان تازی که مختص خدمت پادشاه بود، روانه شدند و ایشان را بر حسب حکم پادشاه شتابانیده، به تعجیل روانه ساختند و حکم در دارالسلطنه شوشان نافذ شد" (استر ۸: ١٤).

٦- در ۸: ۱۷ آمده که "و در همه ولایت‌ها و جمیع شهرها در هر جایی که حکم و فرمان پادشاه رسید، برای یهودیان شادمانی و سرور و بزم و روز خوش بود و بسیاری از قوم‌های زمین به دین یهود گرویدند زیرا که ترس یهودیان بر ایشان مستولی گردیده بود." استر و مردخای می‌خواستند که یهودیان از هلاکتی که هامان شرور توطئه‌اش را چیده بود، رهایی یابند. در فرایند این امر، بسیاری دیگر، از جمله پارسی‌ها پیرو خدای یگانه و واقعی گردیدند، و بدینسان وارث امید ظهور مسیحا شدند که بنا بود جریمه گناهان ایشان را بپردازد. در عهدعتیق تمهیداتی وجود داشت تا غیریهودیان نیز بتوانند پیرو خدای واقعی گردند.

۷- عید پوریم بنیان گذاشته شد تا یاد رهایی یهودیان گرامی داشته شود. یهودیان هنوز هم در نخستین هفته از ماه فوریه (اواسط بهمن‌ماه) این عید را جشن می‌گیرند. یك شیرینی مثلثی‌شکل که مظهر کلاه هامان است، خورده می‌شود. کودکان یهودی نمایشنامه‌هایی اجرا می‌کنند که زندگی استر را به‌تصویر می‌کشد. هر بار که نام هامان برده می‌شود، شیپوری نواخته می‌شود تا به‌گونه‌ای نمادین آن را خدشه‌دار سازند.

د) کاربرد شخصی

۱- در این هفته، یا در این ماه، یا در این سال، خدا چگونه می‌تواند شما را به‌کار ببرد با خدمتی روحانی به فارسی‌زبانان یا مردمی که زبانشان را می‌دانید، ارائه دهید؟

۲- آیا خدا شما را در موقعیت خاصی مشابه با موقعیت استر قرار داده است؟ مردخای به استر گفت: "بلکه اگر در این وقت تو ساکت بمانی، راحت و نجات برای یهود از جای دیگر پدید خواهد شد. اما تو و خاندان پدرت هلاك خواهید گشت. و کیست بداند که به‌جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای؟" (استر ٤: ١٤). آیا خدا برای شما کار خاصی در نظر دارد؟ آیا از خدا اطاعت خواهید کرد و آنچه را می‌خواهد در زندگی شما به‌انجام برساند، انجام خواهید داد؟

ه) کاوشی عمیقتر

۱- سقوط و هلاکت هامان چگونه امثال ۲۹: ۲۳ را به‌تصویر می‌کشد که می‌فرماید: "تکبر شخص او را پست می‌کند، اما مرد حلیم‌دل، به جلال خواهد رسید."

۲- اول پطرس ۵:۵ می‌فرماید: "خدا با متکبران مقاومت می‌کند و فروتنان را فیض می‌بخشد." اگر در زندگی مسیحی‌تان مشکلاتی دارید، یا شاید هم با دیگران، می‌توانید از خدا سؤال کنید که آیا مانند هامان روحی متکبر دارید یا نه.



رح تصویر: این خرابه های تخت جمشید، پایتخت تشریفاتی بسیاری از پادشاهان پارسی،شبیه کاخ شوشن بود.

فصل ۸

پادشاهان پارس عزرا و نحمیا را به اورشلیم می‌فرستند

معبد بدون کاهن به چه درد می‌خورد، یا یك گروه کارگـر بدون ناظر چه کاری می‌توانند بکنند؟ قطعاً قبل از آنکه عزرا یا نحمیا وارد صحنه شوند، معبد اورشلیم دارای کاهن بود و طرح‌های ساختمانی شهر نیز ناظرانی داشت. اما ماجراهای این دو مرد که استعدادهایی استثنایی داشتند، یادآور دوره‌ای جدید در امر بازسازی شهر خدا می‌باشد.

عزرا کاهنی بود که گروهی از خانواده‌های یهودی را با اجازه اردشیر به اورشلیم هدایت کرد. این دومین خروج از بابل بود. در زمان کورش، بیش از ۴۲,۰۰۰ یهودی باز گشتند تا شهر و معبد را مجدداً بنا کنند؛ این کار سرانجام در سال ۵۱۵ ق.م. به‌اتمام رسید. این در دوره حکومت داریوش اتفاق افتاد و در کتاب عزرا ٦: ۱۵ ثبت شده است. در کتاب عزرا، فاصله زمانی حدود ۵۰ سال میان ٦: ٢٤ و ۷: ۱ وجود دارد. می‌دانیم که داریوش به‌مدت سی سال دیگر سلطنت کرد و بعد پسرش خشایارشا، شوهر ملکه استر، در سال ٤٦٥ ق.م. بر جای او نشست. همچنین می‌دانیم که در این فاصله زمانی، ملکه استر و پسرعمویش مردخای، جان یهودیانی را که در پارس مانده بودند، نجات دادند. در میان ایشان عزرا نیز بود. آنگاه اردشیر پادشاه بر تخت سلطنت جلوس کرد.

عزرا در سال هفتم سلطنت اردشیر به اورشلیم رفت (عزرا ۷: ۱-۷). این درس شامل امور پارس و بازگشت یهودیان به فلسطین می‌گردد.

الف) برکت پادشاه

۱- به التفات اردشیر به عزرا توجه کنید!

الف) هر یهودی که مایل بود، می‌توانست به اورشلیم باز گردد.

"فرمانی از من صادر شد که هر کدام از قوم اسرائیل و کاهنان و لاویان ایشان که در سلطنت من هستند و به رفتن همراه تو به اورشلیم راضی باشند، بروند" (عزرا ۷: ۱۳).

ب) اردشیر هدایای طلا و نقره داد.

"نقره و طلایی را که پادشاه و مشیرانش برای خدای اسرائیل که مسکن او در اورشلیم می‌باشد بذل کرده‌اند ببری و نیز تمامی نقره و طلایی را که در تمامی ولایت بابل بیابی، با هدایای تبرعی که قوم و کاهنان برای خانه خدای خود که در اورشلیم است داده‌اند، ببری" (عزرا ۷: ۱۵-١٦).

ج) هدایایی شامل نقره و گندم و شراب و روغن و نمك در اختیار او گذاشته شد (عزرا ۷: ۲۱-۲۲).

د) به خادمان مذهبی معافیت از پرداخت مالیات اعطا شد. (در ایالات متحده، حق مسکن خادمان دین از مالیات فدرال معاف است. شاید این قانون استوار باشد بر این اصل قدیمی مندرج در کتاب نحمیا، یعنی معافیت خادمان دین از مالیات.)
"و شما را اطلاع می‌دهیم که بر همه کاهنان و لاویان و مغنیان و دربانان و نتینیم و خادمان این خانه خدا، جزیه و خراج و باج نهادن جایز نیست" (عزرا ۷: ۲٤).

ه) برای آنانی که کلام خدا را تعلیم می‌دادند، آزادی مذهبی وجود داشت.
"و تو ای عزرا، موافق حکمت خدایت که در دست تو می‌باشد، قاضیان و داوران از همه آنانی که شرایع خدایت را می‌دانند نصب نما تا بر جمیع اهل ماورای نهر داوری نمایند و آنانی که نمی‌دانند تعلیم دهید" (عزرا ۷: ۲٥).

۲- توجه داشته باشید که عزرا و یهودیان در خصوص رابطه خود با دولت و پادشاه، چه شهرت خوبی داشتند (عزرا ٦: ۱۰؛ ۷: ۲۳). قوم خدا یعنی یهودیان، مشهور بودند به قومی که برای رهبران سیاسی مملکت دعا می‌کنند. هم داریوش و هم اردشیر از یهودیان خواستند که برای ایشان دعا کنند. ما مسیحیان نیز ترغیب شده‌ایم تا برای پادشاهان و همچنین صاحب‌منصبان دعا کنیم. "پس، از همه چیز اول، سفارش می‌کنم که صلوات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بجا آورند؛ بجهت پادشاهان و جمیع صاحبان منصب تا به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار، عمر خود را بسر بریم" (اول تیموتاؤس ۲: ۱-۲). آیا شما برای رهبران مملکت ایران، برای رهبران ممالکی که اکنون در آنها زندگی می‌کنید، و حتی برای حکومت‌هایی که مسیحیان را آزار می‌دهند، و برای مقاماتی که با نظرات سیاسی و اخلاقی‌شان موافق نیستید، دعا می‌کنید؟ در اول تیموتاؤس به ما امر شده که دعا کنیم تا بتوانیم در مقام ایماندار، "به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار عمر خود را بسر بریم." عزرا ایمانی شجاعانه داشت. او نه فقط به خدا توکل می‌کرد تا در امن و امان بماند، بلکه علناً به اردشیر پادشاه اعلام داشت که به محافظان پادشاه برای محافظت افراد و اجناسی که با خود می‌بردند نیاز ندارد. او به پادشاه عرض کرد: "دست خدای ما بر هر که او را می‌طلبد، به نیکویی می‌باشد، اما قدرت و غضب او به ضد آنانی که او را ترک می‌کنند" (عزرا ۸: ۲۲).

ب) عزرا، مردی با رسالتی خطیر

۱- عزرا پسر یك کاهن بود و می‌توانست نسب خود را به هارون، نخستین کاهن اعظم برساند. او معلم (کاتب) شریعتِ موسی بود. یکی از فرهنگهای لغات کتاب‌مقدس می‌گوید: "احتمال دارد که عزرا در حکومت پارس، مقامی مشابه با وزیر کشور در امور یهودیان را داشت. وظیفه او نظارت بر اجرای متحدالشکلِ شریعت یهود بود، و به این منظور اختیار داشت که در حکومت محلی یهود دست به انتصاب افراد به مقامات معین بزند."
"این عزرا از بابل بر آمد و او در شریعت موسی که یهوه خدای اسرائیل آن را داده بود، کاتبِ ماهر بود" (عزرا ۷: ٦).

۲- عزرا در زندگی سه هدف داشت. طبق عزرا ۷: ۱۰، این دل خود را بر آن نهاد تا خدا را بجوید. دوم، او مشتاق آن بود که اراده خدا را به‌انجام برساند. و سوم، او آن را به دیگران نیز تعلیم می‌داد. این چه نمونه خوبی است برای ما!

۳- فهرست خانواده‌های یهودی که باز می‌گشتند، ۱٫۴۹۵ نفر بود که احتمالاً به سران خانواده‌ها اشاره می‌کند. در اینصورت، حدود ۷٫۰۰۰ نفر بازگشتند، در مقایسه با تعد ۴۲٫۳۶۰ نفری که بیش از هشتاد سال پیش از آن، در زمان اعلامیه کورش در عزرا ۱: ٦٤ باز گشته بودند.

٤- توجه داشته باشید که این سفر چهار ماه به‌طول انجامید (عزرا ۷: ۹). این کمك می‌کند تا درك کنیم که مجوسیان ۵۰۰ سال پس از این واقعه به‌دیدار عیسی نجات‌دهنده آمدند، چه مدت در راه بودند. (سفر عزرا احتمالاً بیشتر طور کشید زیرا در مقایسه با گروه کوچك مجوسیان، گروه بزرگی شامل ۷٫۰۰۰ نفر او را همراهی می‌کردند.)

۵- توجه کنید که عزرا و گروهش چگونه برای سفر آماده شدند (عزرا ۸: ۲۱-۲۳). قوم خدا روزه گرفته، دعا کردند و خواستار برکت خدا شدند. ایشان علناً اعلام داشتند که برای دریافت امنیت و رهایی، به خدا توکل می‌کنند. عزرا از اردشیر پادشاه درخواست سرباز و محافظ نکرد.

٦- توجه کنید که جمله "دست نیکوی خدا" چند بار تکرار می‌شود (عزرا ۷: ٦، ۹، ۲۸؛ ۸: ۱۸، ۲۲). این امر دلیل بر این است که منبع برکت آنان فیض خدا بود.

ج) نحمیا، از ساقی پادشاه تا ناظر کار

نحمیا در زمان اردشیر پادشاه، ۵ سال پس از بازگشت عزرا، از ایران روانه اورشلیم شد (عزرا ۷: ۷؛ نحمیا ۲: ۱) تا بر بنای حصارهای اورشلیم نظارت کند. ما آن بخشهایی از کتاب نحمیا را که به ایران مربوط می‌شود، بررسی خواهیم کرد.

۱- نحمیا درخواست خود را در کاخ شوشن به اردشیر پادشاه عرضه داشت (نحمیا ۱: ۱). (شوش عموماً تحت عنوان کاخ یا دارالسلطنه شوشن شناخته شده است. این شهر در جنوب غربی ایران در نزدیکی اندیمشك واقع است. این همان شهری است که ملکه استر در آن برای هموطنان یهودی‌اش شفاعت کرد تا از نابودی کامل نجات یابند.)

۲- نحمیا یکی از مقامات حکومتی بود و مسؤولیت اصلی‌اش این بود که "ساقی" پادشاه باشد (نحمیا ۱: ۱). او می‌بایست خوراك و نوشیدنیهای اردشیر پادشاه را بچشد تا مطمئن شود که چیزی مسموم نیست. نحمیا می‌بایست خیلی مورد اعتماد بوده باشد. شاید موقعیت او به‌عنوان یك یهودی باعث شد که او بیش از دیگران واجد شرایط باشد، دیگرانی که ممکن بود خیال خیانت به پادشاه را داشته باشند.

۳- نحمیا بعداً از سوی اردشیر به‌مقام فرمانداری یهودا منصوب گردید (نحمیا ۵: ١٤؛ ۸: ۹؛ ۱۰: ۱؛ ۱۳: ٦).

د) بار سنگین نحمیا

۱- خدا معمولاً بر اساس اطلاعات به ما بار می‌دهد. نحمیا قطعاً بسیار شاد شد که حدود ۷٫۰۰۰ نفر تحت رهبری عزرا به اورشلیم باز گشتند. او وقتی شنید که حصارهای

اورشلیم هنوز ویران است و دروازه‌ها سوخته است، و قومش در پریشانی و ذلت بسیارند، بار سنگینی در دل خود احساس کرد.
"حنانی، یکی از برادرانم با کسانی چند از یهودا آمدند و از ایشان در باره بقیه یهودی که از اسیری باقی مانده بودند و در باره اورشلیم سؤال نمودم. ایشان مرا جواب دادند: 'آنانی که در آنجا در بلوك از اسیری باقی مانده‌اند، در مصیبت سخت و افتضاح می‌باشند و حصار اورشلیم خراب و دروازه‌هایش به آتش سوخته است'" (نحمیا ۱: ۲-۳).

۲- نحمیا مرد دعا بود. به این نکته توجه کنید که او در سراسر کتاب نحمیا، دعاهای کوتاه و بلند می‌کند. او به خدا توکل می‌کرد تا به‌واسطه او کار کند (نحمیا ۱: ٤-۱۱؛ ۲: ٤؛ ٤: ٤؛ ٥: ۱۹؛ ٦-۹؛ ٦: ۱٤). نحمیا پیش از آنکه مشغله فکری خود را به عرض پادشاه برساند، چهار ماه دعا کرد. (مدت زمان میان ماه کیسلِو تا ماه نیسان، چهار ماه است، نحمیا ۱: ۱؛ ۲: ۱).

۳- آیا فکر کرده بودید که چرا اورشلیم به حصار و دروازه نیاز داشت؟ شهرهای امروزی فاقد اینها هستند. حصار مردم را از هجوم دشمن و حیوانات وحشی محفوظ نگاه می‌داشت. حصار علاوه بر امنیت، به مردم هویتی مشترك می‌داد. دروازه‌ها برای این بود که واردشوندگان و خارج‌شوندگان از شهر مورد کنترل قرار گیرند. خیلی از دهات ایران هنوز هم حصار دارند. تهران گرچه امروز شهری مدرن است، هنوز یادگارهای گذشته را نگاه داشته است: "دروازه قزوین"، "دروازه شمیران"، و "دروازه دولت". در گذشته، تهران حصاری گرد خود داشت با دوازده دروازه.

٤- بعضی ممکن است فکر کنندکه درخواست نحمیا از پادشاه در مورد چوب از جنگلِ پادشاه برای ساختن حصار و دروازه‌های شهر، و نیز سرباز برای محافظت از خود، کاری جاه‌طلبانه بوده است. نه، نحمیا جاه‌طلب نبود. او ماهها در دعا بود. اعتماد و اتکای او به درخواستش از پادشاه نبود، بلکه به خدایی بود که دعای او را شنیده بود.

ه) نگاهی اجمالی به بقیه عهدعتیق

نخستین جملات اکثر کتاب‌های نبوتی معمولاً می‌گوید: "کلام فلان نبی در ایام فلان پادشاه..." (ر.ش. اشعیا ۱:۱: ارمیا ۱: ۱-۳؛ حزقیال ۱: ۱-۳؛ هوشع ۱:۱؛ عاموس ۱:۱؛ میکاه ۱:۱؛ صفنیا ۱:۱). اینها پادشاهان وقت در زمان انبیای بنی اسرائیل بودند. اما آخرین انبیایی که در عهدعتیق از آنان نام برده شده، حجی و زکریا و ملاکی می‌باشند که معمولاً انبیای بعد از اسارت خوانده می‌شوند. ایشان از سوی خدا برای مردم یهود که توسط کورش از اسارت بابل رهایی یافته و به فلسطین بازگشته بودند، پیغام می‌آوردند. توجه کنید که این کتاب‌ها دیگر بر اساس سال سلطنت پادشاهان اسرائیل یا یهودا تاریخگذاری نشده‌اند، بلکه بر اساس سال سلطنت داریوش، پادشاه پارس.

"در روز اولِ ماه ششم از سال دوم داریوش پادشاه، کلام خداوند به‌واسطه حجی نبی به زربابل بن شألتیئیل، والی یهودا و به یهوشع بن یهوصادق رئیس کهنه رسید" (حجی ۱: ۱).
"در ماه ششم از سال دوم داریوش، کلام خداوند بر زکریا ابن برکیا ابن عدوی نبی نازل شد" (زکریا ۱:۱).

و) کاربرد شخصی

۱- فکر کنید که خدا چگونه سه فرد را در قلمرو پارس برای خدمت خود آماده کرد. در مورد استر (ر.ش. فصل ۷)، خدا از شرایط استفاده کرد. برای عزرا، خدا از هدف زندگی و پیشینه او استفاده کرد، زیرا او در یك خانواده مذهبی پرورش یافته بود. در مورد نحمیا، خدا عطای خدادای مدیریت و رهبری او را به‌کار گرفت. خدا چگونه شما را آماده می‌کرده است؟ آیا با کار خدا در زندگی خود همکاری می‌کنید؟ شاید مانند نحمیا، خدا از شما استفاده کند تا خانواده و دوستان ایرانی خود را بسوی نجات رهبری کنید.

۲- بخشی از تقویت زندگی روحانی‌تان، فراگیری در مورد آن چیزهایی است که به خدا مربوط می‌شود، یعنی اینکه جلالش آشکار شود و همه مردم او را بپرستند. شاید خدا شما را بسوی این کتاب هدایت کرده تا برای کارش در میان ایرانیان، از جمله گروههای قومی که هرگز پیام انجیل را نشنیده‌اند، دعا کنید. سایر راهها برای کمك می‌تواند اهدای پول برای تأمین هزینه برنامه‌های رادیویی باشد که برای ایران پخش می‌شود، یا بردن کتاب‌مقدس یا عهدجدید یا نشریات مسیحی به ایران باشد تا بدینوسیله خبر خوش نجات در عیسی مسیح را به خانواده و دوستانتان که در آنجا ملاقات می‌کنید، اعلام نمایید. حتی می‌توانید بخشهایی از کتاب‌مقدس یا فصل‌هایی از این کتاب را به ایشان فاکس یا ایمیل کنید.

۳- نحمیا و عزرا را چگونه مقایسه می‌کنید؟ آنان هر دو مردان خدا بودند، اما هر یك هدایتی متفاوت داشتند. برای مثال، عزرا محافظت توسط سربازان پادشاه را نپذیرفت، اما نحمیا پذیرفت (عزرا ۸: ۲۱-۲۳ و نحمیا ۲: ۹). اما این نشانه آن نبود که عزرا بیش از نحمیا به خدا توکل می‌کرد. کتاب‌مقدس بیان می‌دارد که "دست خدا" هم بر عزرا بود و هم بر نحمیا. به‌علاوه، از تفاوت میان نگرش ایمان این دو نفر می‌توانیم نکته‌ای فرا بگیریم.

الف) ما انسانهای خاطی، گاه می‌کوشیم از روشهایی که مردان خدا برای انجام کارهای بزرگ استفاده کردند، فرمول بسازیم. روش کار نحمیا با عزرا فرق داشت، اما دعا در زندگی‌اش حاکی از توکل او به خدا بود. گرچه کلام و صفات و اراده خدا هرگز تغییر نمی‌کند، اما روش خدمت به او و کاربرد اصول کتاب‌مقدس می‌تواند در مسیحیان و کلیساها و فرهنگها متفاوت باشد.

ب) خدا افراد را می‌خواند تا وظایف مختلفی برای او انجام دهند. عزرا یك رهبر مذهبی بود. او وظیفه موعظه را در فصل ۸ نحمیا انجام می‌دهد و بیداری بزرگی رخ داد. نحمیا مدیر بود. او می‌دانست چگونه به افراد انگیزه بدهد، و بدینسان حصارهای اورشلیم بنا شد.

ز) کاوشی عمیقتر

۱- اغلب از نحمیا به‌عنوان شخصی یاد می‌شود که اصول مدرن مدیریت و رهبری را به‌کار گرفت تا حصارهای اورشلیم را بنا کند. از این اصول فهرستی تهیه کنید و بگویید آنها را چگونه می‌توان در یك معامله امروزی به‌کار برد. میان قابلیت مدیریت نحمیا و دعای او چه رابطه‌ای می‌بینید؟

۲- آنانی که در میان شما عطای مدیریت دارند، می‌توانند از یك کتاب کلاسیك به‌نام Nehemiah and the Dynamics of Effective Leadership نوشته Cyril J. Barber، انتشارات Loreinez Publishing House استفاده کنند. این کتاب نایاب است، اما نسخه‌هایی از آن را می‌توانید در اینترنت بیابید. من در مقام یك مدیر، از اصول کتاب‌مقدس و کاربرد آنها در حوزه خدمتی خودم استفاده بسیار برده‌ام.

فصل ۹

چرا عیلام اینقدر مهم می‌باشد؟

کاخ یا دارالسلطنه شوشن، واقع در نزدیکی اندیمشك، ۱۹ بار در کتاب استر، و نیز در نحمیا ۱: ۱ و دانیال ۸: ۲ ذکر شده است. شوشن نه فقط پایتخت باستانی امپراطوری عیلام بود، بلکه پس از تصرف بابل به‌دست کورش، پایتخت امپراطوری ماد و پارس نیز گردید. ظاهراً همدان (اکباتان) واقع در غرب ایران، بخاطر هوای خنکش اقامتگاه تابستانی پادشاهان بود، و تخت‌جمشید واقع در شمال شیراز، پایتخت تشریفاتی برای مراسمی نظیر نوروز بود.

الف) پیشینه تاریخی عیلام و شوش

شوشن در حدود ۲۲۰ کیلومتری شمال خلیج فارس، در شرق رود دجله در دشتی واقع شده که ادامه بین‌النهرین جنوبی است. برای این شهر سه نام به‌کار رفته: شوشن در کتاب‌مقدس، سوزا در تاریخ عمومی غربیان، و شوش در ایران امروزی. عیلام منطقه اطراف شوشن بود. حفاریها در شوشن نشان داده که شهر از ٤۰۰۰ سال ق.م. تا ۱۲۰۰ میلادی مسکونی بوده است. آن پایتخت حکومت کوچکی بود متشکل از مردمان کوهنشین با پیروزیها و شکستهای متعدد. قدرت عیلامیان توسط حمورابی، پادشاه بابل (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م.) در هم شکست. (این همان پادشاهی است که "قانون حمورابی" را تدوین کرد، آن شریعت مشهور را، که بر حسب تصادف در ویرانه‌های شوشن در سال ۱۹۰۲ کشف شد.)

از ١٦٥۰ تا ۱۱۷۵ ق.م. عیلام و بابل هر دو تحت فرمانروایی "کاسیهای" لرستان قرار گرفت. پس از آن، عیلام برای مدتی تبدیل به حکومتی مستقل گردید. سپس ملت‌های گوناگون، نظیر آشور به‌رهبری سنخاریب و آشوربانیپال، و بابل به‌رهبری نبوکدنصر به عیلام حمله کرده، آن را به‌تصرف در آوردند. پس از آن، عیلام بخشی از امپراطوری ماد و پارس گردید با کاخی اصلی واقع در شوشن. در پایتخت دیگر، یعنی تخت‌جمشید، سنگنبشته‌ای هست در پلکان شمالی کاخ آپادانا، که نشان می‌دهد سربازان مادی و پارسی و عیلامی حافظ تاج و تخت پارس می‌باشند. همچنین، نوشته‌ای به زبان عیلامی در کنار نوشته پارسی دیده می‌شود.

احادیث متعلق به سال ۱۱۷۰ میلادی، حاکی از آن است که آرامگاه دانیال در شوشن واقع بوده است. اما نمی‌دانیم که آیا دانیال واقعاً در شوشن بوده است یا نه، زیرا اشاره‌ای که به حضور دانیال در شوشن شده، به یك رؤیا مربوط می‌شود:

"و در رؤیا نظر کردم و می‌دیدم که من در دارالسلطنه شوشن که در ولایت عیلام می‌باشد بودم و در عالم رؤیا دیدم که نزد نهر اولای می‌باشم" (دانیال ۸: ۲).

احادیث اخیر یهودی ذکر می‌کنند که در قرون اولیه، در مورد قبر دانیال در میان یهودیان شوشن مشاجره‌ای وجود داشته است. یهودیانی که در آنسوی رودخانه زندگی می‌کردند که قبر دانیال واقع بود، ثروتمند بودند، اما آنانی که در سوی دیگر رودخانه زندگی

می‌کردند، فقیر بودند. برای توقف مشاجره، جایگاه تابوت هر سال از یك سوی رودخانه به سوی دیگر جابجا می‌شد. سرانجام یکی از پادشاهان ایران، دستور داد تا تابوت را درست در وسط پلی که بر روی رودخانه قرار داشت، از زنجیر بیاویزند.

شنیده‌ام که امروزه مناطق اطراف شوشن بسان معجزه‌ای زراعی می‌باشد. اگر این مناطق را می‌شد آبیاری کرد، می‌توانست یکی از حاصلخیزترین نقاط جهان گردد. دو نوع نیشکر در طول سال می‌توان در آنجا کاشت. به‌یاد داشته باشید که این منطقه در انتهای هلال حاصلخیز قرار دارد.

ب) تاریخ عیلام در کتاب‌مقدس

۱- عیلام یکی از پسران سام، پسر نوح بود (پیدایش ۱۰: ۲۲). لذا نوح پدربزرگ عیلام بود.

"پسران سام: عیلام و آشور و ارفکشاد و لود و ارام."

۲- ابراهیم برادرزاده خود لوط را از دست کَدُرلاعُمر، مَلِك عیلام، که او را به اسارت در آورده بود، رهایی داد (پیدایش ۱٤).

۳- پادشاه آشور برخی از مهاجرنشینان عیلامی را در جای یهودیان متعلق به ۱۰ قبیله شمالی که سر به شورش گذارده بودند، اِسکان داد و این یهودیان را به اسارت برد.

٤- خدا عیلام را احتمالاً توسط بابلیها به‌رهبری نبوکدنصر، مورد داوری قرار داد (ارمیا ٤۹: ۳٤-۳۷؛ حزقیال ۳۲: ۲٤-۲۵).

۵- مادها به کمك عیلامیان، امپراطوری بابل را در هم شکستند (اشعیا ۲۱: ۲-۱۰). همچنین این را مقایسه کنید با اشعیا ۲۲: ۱-٦.

ج) نبوت در مورد عیلام

۱- در اشعیا ۱۱: ۱۰-۱٦ نبوتی در مورد احیای اسرائیل آمده است. آیه ۱۰ می‌فرماید که ریشه یسی (عیسای مسیحا) همچون علَمی برای تمامی قومها و امت‌ها بر پا خواهد شد و ایشان او را خواهند طلبید. آیه ۱۱ می‌فرماید: "در آن روز، واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیت قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند، باز آورَد." سپس در آیه ۱۲، در باره گرد آمدن تبعیدیان اسرائیل سخن به میان آمده است. آن عده از مسیحیان که معتقدند مسیح به‌هنگام بازگشتش به زمین، به‌مدت ۱۰۰۰ سال سلطنت خواهد کرد (سلطنت هزار ساله)، بر این باورند که این بخش به یهودیانی اشاره دارد که در میان ملت‌های مختلف پراکنده‌اند و در چندین دهه اخیر و نیز اکنون به اسرائیل باز می‌گردند. آیا توجه کردید به اینکه یکی از سرز مینهایی که خدا بازماندگان را از آنجا باز خواهد گرداند، عیلام است؟

۲- نبوت دیگری هست در مورد عیلام در ارمیا ٤۹: ۳۵-۳۹. در آیه ۳۵ خداوند می‌فرماید: "اینك من کمان عیلام... را خواهم شکست." عیلامیان به‌عنوان کماندار بسیار

شهرت داشتند (ارمیا ۵۰: ۹ و اشعیا ۲۲: ٦). در ترجمه قدیمی فارسی، آیات ۳۸ و ۳۹ چنین می‌فرمایند: "خداوند می‌گوید در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد." این مشابه است با ترجمه انگلیسی King James. در ترجمه تفسیری، در آیات ۳۸ و ۳۹ چنین آمده: "ولی در آینده، عیلام را دوباره کامیاب خواهم ساخت." بقیه این بخش در باره مجازات الهی بر عیلام و پراکنده شدنِ اسیران آن در میان ملت‌های مختلف در اثر خشم خدا سخن می‌گوید. آیا این بخش به وقایع تاریخی گذشته اشاره می‌کند یا به وقایعی که باید در آینده رخ دهد؟

ف) بطور کلی، چنین تفسیر می‌شود که این وقایع قبلاً رخ داده‌اند. (توجه داشته باشید که علاوه بر ٤٩: ۳۹، جمله "کامیاب خواهم ساخت" در ارمیا ٤٨: ٤٧ در مورد موآب و در ٤٩: ٦ در مورد عمونیان به‌کار رفته است.) امپراطوریهای عیلام و بابل به‌دست ماد و پارسها به‌رهبری کورش مغلوب شدند؛ کورش، پادشاه عیلام را بر کنار ساخت و تخت خود را در عیلام برپا داشت (ارمیا ٤٩: ۳۸). بدینسان، عیلام تبدیل به کشوری تابع کورش گردید و این نشان می‌دهد که این نبوت قبلاً تحقق یافته است. عبارت "در ایام آخر" در ارتباط با کامیابی عیلام به‌کار رفته، نه بازگشت مردم به آن. همانطور که قبلاً ذکر شد، عیلام زمانی منقطه کشاورزی حاصلخیزی بود. امروزه منطقه‌ای است لمیزرع، اما در ایام آخر تبدیل به سرزمینی کامیاب خواهد گشت با يك كشاورزی پررونق. به یاد دارم که وقتی در ایران بودم، در دهه ۱۹۷۰، با يك متخصص کشاورزی صحبت می‌کردم که آن منطقه را مورد بررسی قرار داده بود. می‌گفت که با آبیاری مناسب، این منطقه می‌تواند تبدیل شود به یکی از بزرگترین مراکز تولید محصولات کشورزی در جهان. این باید در "ایام آخر"، برای کامیابی عیلام اتفاق بیفتد.

ب) تفسیری دیگر بر این تأکید دارد که منظور از "ایام آخر" در این نبوت، زمان‌هایی است که هنوز فرا نرسیده است. بعضی از ایمانداران ایرانی شاهد این بوده‌اند که خدا چگونه در این "ایام آخر" در میان ایرانیان کار کرده است. در سال ۱۹۷۷، فقط حدود ۲۵۰ نفر مسیحی ایرانی از زمینه اسلامی در ایران وجود داشت. در سال ۲۰۰۰ این رقم به‌گونه‌ای چشمگیر به ۲۷,۵۰۰ نفر رسیده بود. برای ایشان، این تحقق نبوتِ "ایام آخر" است که "اسیران عیلام" را باز می‌آورد. با توجه به اینکه عیلام بخشی از ایران امروز است، برخی از ایرانیان می‌گویند که آیه‌های ۳۵ و ۳٦ به انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۸ اشاره دارد که سبب شد ایران تبدیل به جمهوری اسلامی گردد و از سیاست‌های جدید سیاسی و اقتصادی برخوردار شود. در نتیجه، بسیاری از ایرانیان ترك وطن گفتند و در سراسر جهان پراکنده شدند. در سال ۱۹۹۹، حدود ۵۳,۵۰۰ نفر ایرانی در استرالیا، ۱۱۰,۰۰۰ نفر در آلمان، ۸۰,۰۰۰ نفر در انگلستان، ۱۲۰,۰۰۰ نفر در کانادا، ۱,۳۸۰,۰۰۰ نفر در ایالات متحده، ۲۵۰,۰۰۰ نفر در عراق، ۱۰۰,۰۰۰ نفر در کویت، ۱۴۰,۰۰۰ نفر در پاکستان، ۸۰۰,۰۰۰ نفر در ترکیه، و ۳۵۰,۰۰۰ نفر در ایالات خلیج و برخی دیگر در سایر کشورها بسر می‌برند. يك سازمان مسیحی به‌نام Iranian Christians International با ایمانداران ایرانی در بیش از ۳۰ کشور در تماس است. (برای اطلاعات بیشتر، ر.ش. فصل ۱۸ تحت عنوان "ایرانیها امروز در کجا زندگی می‌کنند".)

"یهوه صبایوت چنین می‌گوید: اینك من کمان عیلام و مایه قوت ایشان را خواهم شکست. و چهار باد را از چهار سمتِ آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشان را بسوی همه این بادها پراکنده خواهم ساخت، به‌حدی که هیچ امتی نباشد که پراکندگان عیلام نزد آنها نیایند. و اهل عیلام را به حضور دشمنان ایشان و به حضور آنانی که قصد جان ایشان دارند، مشوش خواهم ساخت. و خداوند می‌گوید که بر ایشان بلا یعنی حدت خشم خویش را وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را بالکل هلاك سازم. و خداوند می‌گوید:

من کرسی خود را در عیلام بر پا خواهم نمود و پادشاه و سروران را از آنجا نابود خواهم ساخت. لیکن خداوند می‌گوید: در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد" (ارمیا ٤۹: ۳۵-۳۹).

این تفسیر می‌گوید که آیه ۳۸ زمانی جامه عمل پوشید که شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران با سقوط محمد رضا شاه پهلوی در سال ۱۹۷۹ به‌پایان رسید. ایمانداران ایرانی این امید را دارند که در آینده رژیم کنونی تغییر یافته، داوری خدا بر ایران کاملاً خاتمه بیابد و طبق آیه ۳۹، اسارت عیلام در "ایام آخر" مورد تفقد قرار گیرد. در آن زمان، بسیاری از ایمانداران ایرانی به وطن خود، ایران باز خواهند گشت. چندین مؤسسه مسیحی ایرانی، ارمیا ٤۹: ۳۹ را بر روی سربرگهای خود دارند. برای آنان، این نبوت هنوز جامه عمل نپوشیده است. در نظر آنان، تثنیه ۳۰: ۱-۱۰ نه فقط در باره بازگشت یهودیان به اسرائیل است، بلکه به بازگشت ایرانیان به مملکت خود نیز اشاره دارد.

ج) برخی دیگر از ایرانیان به هر دو این تفسیرها قائلند. بله، عیلام مجازات شد و سلطنتی جدید توسط کورش بر جای آن استقرار یافت. اما اینان معتقدند که این بخش دارای تحققی دوگانه است. آن هم به تاریخ گذشته اشاره دارد و هم به کار خدا در میان ایرانیان در آینده. ایشان عقیده خود را استوار می‌سازند بر سایر بخشهای کتاب‌مقدس که در آنها نبوتی در مورد اسرائیل برای "روزهای آخر"، هم قبلاً تحقق یافته است، و هم دارای تحققی در آینده می‌باشد.

د) کاوشی عمقتر

۱- چرا نبوت ارمیا ٤۹: ۳۵-۳۹ در مورد عیلام به‌ندرت در کتاب‌های تفسیر انگلیسی و سایر زبانهای اروپایی تحت عنوان نبوتی برای روزهای آخر و بازگشت خداوند ما عیسی مسیح مورد اشاره قرار گرفته است؟

۲- شما شخصاً در مورد بازگشت عیسی مسیح چه فکر می‌کنید؟ آیا برای بازگشت نجات‌دهنده ما عیسی مسیح آمادگی دارید؟

فصل ۱۰

اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی در آسیا

اکثر مسیحیان با گسترش بشارت انجیل در دنیای غرب آشنایی دارند. کتاب اعمال رسولان شرح می‌دهد که چگونه پولُس رسول انجیلِ خداوند ما را به کریت، ترکیه، و روم رساند. در طول قرون و اعصار، مسیحیت در سراسر اروپا و بعدها در آمریکا اشاعه یافت. امروزه ما بیشتر به مردمانی فکر می‌کنیم که در داخل "پنجره ۱۰/۴۰" زندگی می‌کنند؛ منظور از این "پنجره"، منطقه‌ای است از جهان که شامل شمال آفریقا، خاورمیانه، و آسیای شرقی می‌گردد. اما در قرون اولیه کلیسا، انجیل اشاعه‌ای گسترده‌ای در مصر و شمال آفریقا داشت. همچنین بسوی شرق، در سراسر خاورمیانه، ایران، و حتی در بخشهایی از آسیا تا به چین گسترش یافته بود. فراموش نکنید که خدا جهان را بسیار محبت نمود! اکنون نگاهی خواهیم افکند به اینکه خدا چگونه در میان ملت ایران کار کرد تا خبر خوشش را گسترش دهد.

ما در باره مجوسیان بحث کردیم که در فصل دوم انجیل متی به ایشان اشاره شده است (همچنین ر.ش. فصل ۱۳، آداب و رسوم کریسمس). ایشان از مشرق آمده بودند تا مسیح را پرستش کنند. حال ببینیم که دیگر چه کسانی برای پرستش از مشرق‌زمین آمدند. کتاب اعمال رسولان ۲: ۱-۹ را بخوانید.

الف) چرا یهودیانِ ایران در اورشلیم حضور داشتند؟

کتاب‌مقدس می‌فرماید که روح‌القدس بر ایمانداران نازل شد. در اعمال ۲: ۵ می‌خوانیم که یهودیانِ خداترس از میان تمامی ملل به اورشلیم آمده بودند. "و مردم دیندار یهود از هر طایفه زیر فلك در اورشلیم منزل می‌داشتند." چرا یهودیان از نقاط مختلف جهان در روز پنطیکاست در اورشلیم بسر می‌بردند؟ در تثنیه ۱۶: ۱۶ خدا حکم کرده بود که تمامی مردان یهودی برای اعیاد مذهبی به اورشلیم بروند. یکی از این اعیاد، عید هفته‌ها یا عید نوبر محصول بود که طی آن، پنجاه روز پس از عید نان فطیر، نوبر غلات به خداوند تقدیم می‌شد (خروج ۲۳: ۱۶؛ ۳۴: ۲۲؛ لاویان ۲۳: ۱۵-۲۱). در عهدجدید این عید، پنطیکاست نامیده شده، که کلمه‌ای است یونانی به معنی پنجاه. ایشان می‌بایست برای عید فصح و عید خیمه‌ها به اورشلیم بروند.

ب) در روز پنطیکاست چه اتفاقی افتاد؟

۱- مطابق اعمال ۲: ۶-۹، توجه کنید به اینکه شاگردان عیسی به چه زبانهایی سخن گفتند.

"پس چون این صدا بلند شد، گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید. و همه مبهوت و متعجب شده، به یکدیگر می‌گفتند: 'مگر همه اینها که حرف می‌زنند جلیلی نیستند؟ پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد

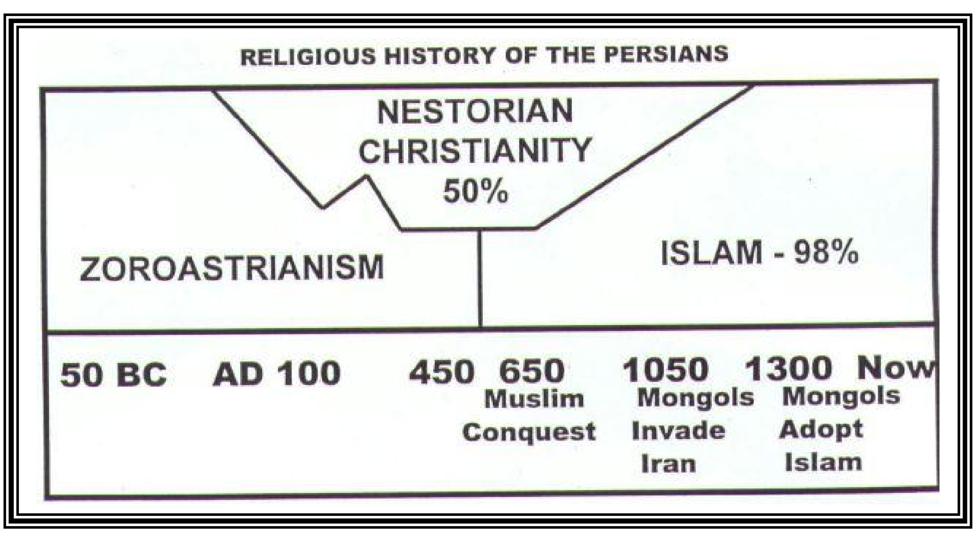
یافته‌ایم می‌شنویم؟ پارتیان و مادریان عیلامیان و ساکنان جزیره و هیودیه و کَپَدُکیا و پنطس و آسیا؛...»

۲- عیلامیان و پارتیان و مادیان از نسل اشخاصی بودند نظیر عزرا، استر، دانیال، و نحیمیا و نیز احتمالاً ایرانیانی که در دوره استر به یهودیت گرویده بودند (استر ۸: ۱۷). ایشان برای عید پنطیکاست به اورشلیم آمده بودند. سه گروهِ زبانی نخست در اعمال ۲: ۹، منشأئی ایرانی دارند. پارتیان از پارت می‌آمدند که واقع در شمال شرقی ایران امروزی بود (سلسله پارتیان از ۱۲٤ ق.م. تا ۲۲٤ میلادی بر ایران و مناطق اطراف حکومت کردند). مادیان (امپراطوری ماد و پارس را به یاد دارید؟) از مرکز ایران بودند؛ و عیلامیان از جنوب غربی ایران بودند، همانجایی که پایتخت باستانی شوشن واقع بود (ر.ش. فصل ۹). ۳- از اعمال ۲: ٤۱ پی می‌بریم که در روز پنطیکاست ۳,۰۰۰ نفر عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحای موعود و پسر خدا و نجات‌دهنده خود پذیرفتند. ایشان نجات یافتند و تعمید گرفتند. "پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعمید گرفتند و در همان روز تخمیناً سه هزار نفر بدیشان پیوستند." بدور از واقع‌بینی نیست که تصور کنیم برخی از اینان یهودیانِ مقیم ایران بودند و اینك در مقام مسیحیانِ تعمیدیافته به ایران باز می‌گشتند!

ج) اشاعه مسیحیت در ایران پس از روز پنطیکاست

با مطالعه تاریخ کلیسا می‌توانیم پی ببریم به اینکه انجیل چگونه در ایران انتشار یافت. طبق احادیث، اندریاس به نواحی دریای سیاه و دریای خزر رفت. متی نیز بسوی پارتیان رفت.

در قرون اولیه، خصوصاً در زمان بعضی از پادشاهان سلسله ساسانیان (۲۲٤-٦٤۲ میلادی)، مسیحیت در ایران رواج کامل یافت. یکی از مراکز اولیه مسیحیت در زمان شاپور اول (۲٤۰-۲۷۲ میلادی)، شهر شوش بود، همان شهری که دانیال رؤیای خود را در آن دید و نحمیا نیز ساقی پادشاه بود. بعضی معتقدند که اکثر مسیحیان شوش، سربازان رومی بودند که همراه با اسقفشان در جنگ ساسانیان علیه روم به اسارت گرفته شده بودند.



در اوائل قرن چهارم، شاپور دوم آزار به مسیحیان را آغاز کرد زیرا می‌پنداشت که ایشان از نظر سیاسی به امپراطوری روم وابسته‌اند. ویرانه‌های کلیساهای قدیمی در مناطق اطراف خلیج فارس یافت شده است.

در قرن ششم، کلیسا در منطقه‌ای که امروزه مسیحیان آن را "پنجره ۴۰/۱۰" می‌نامند، اشاعه‌ای گسترده داشت. مسافری مشاهده کرده بود که مسیحیت در میان مردم آسیای میانه، هونها، پارسیان، مادها، عیلامیان، ارمنیان، و هندیان موعظه شده بود، و کلیسا از خلیج فارس تا دریای خزر گسترش یافته بود. اما مشرق‌زمین از کشمکش عقیدتی و هویتی که گریبانگر پدران اولیه کلیسا بود، در امان نماند.

تعالیم شخصی به‌نام نستوریوس، پاتریارخ کنستانتینوپل (استانبول امروزی)، در یك شورای کلیسایی در شهر افسس در سال ۴۳۱ میلادی مطرح شد. نستوریوس تعلیم می‌داد که مسیح دو طبیعت یا شخصیت جداگانه داشت، یك طبیعت انسانی و یك طبیعت الهی. یکی از استدلالات او این بود که در آیینهای عبادی کلیسا، مریم را نباید "مادر خدا" نامید بلکه "مادر مسیح". اما تصمیم شورا بر این قرار گرفت که مسیح در آن واحد، هم کاملاً خدا بود و هم کاملاً انسان؛ در نتیجه، تعالیم نستوریوس را نادرست اعلام داشت. نستوریوس به مصر تبعید شد، اما مکتب فکری او در شرق رواج یافت. تعالیم او به‌تدریج در کلیسای ایران پذیرفته شد؛ این کلیسا سلسله مراتبی همچون کلیسای روم بوجود آورد. بجای پاپ، پاتریارخی بود با اختیارات محدودتر. مسیحیان آسوری ایران، امروزه از اصطلاح "کلیسای نستوری" خشنود نیستند، و عناوین دیگر را ترجیح می‌دهند، نظیر "کلیسا شرق".

د) فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران

مسیحیت در ایران عمدتاً تشکیل یافته بود از سریانی‌زبانان که در امر تجارت شهرت داشتند. این شهروندان ایرانی در گسترش ایمان مسیحی بسیار فعال بودند و در سفرهای بازرگانی خود در خارج از ایران، مسیحیت را در میان بت‌پرستان بشارت می‌دادند. لاتورت، مورخ مسیحی، می‌نویسد: "مسیحیان در قلمرو ساسانیان و عباسیان در قرون ۵ تا ۱۶، در امر بشارت فعال‌تر از مسیحیان هر قلمرو دیگری بودند که حکمرانان غیرمسیحی داشت." به نتایج چشمگیر این امر توجه کنید:

۱- کلیساها و مسیحیان و اسقفان در سراسر مناطق اطراف ایران وجود داشت.
۲- گفته می‌شود که در آسیای مرکزی، از دریای خرز گرفته تا به چین، مسیحیت حاکمیت داشت.
۳- در سیانگفو (در چین)، سنگنبشه‌ای متعلق به سال ۷۸۱ میلادی یافت شده که نامهای پارسی و چینی همراه با اعتقادنامه‌ای مشابه با اعتقادنامه رسولان بر آن نقش بسته است.
۴- کلیسای "مار توما" در جنوب هندوستان که از نظر سنت به تومای رسول منسوب است، به باور بعضی، در اثر فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران در این منطقه بوجود آمده است.
۵- فعالیت‌های بشارتی کلیسای ایران، مناطق تبت، ویتنام، کره، و احتمالاً ژاپن را تحت تأثیر قرار داده است.
۶- مارکو پولو در سفر مشهور خود از ایتالیا و خاورمیانه تا به آسیای میانه و چین در حدود سال ۱۲۰۰، به وجود جوامع مسیحی در این مناطق اشاره کرده است.

تأثیر اعراب بر امپراطوری پارس که در اواسط قرن هفتم آغاز شد، کُند اما نافذ بود. به‌همراه آن، تضعیف کلیسای ایران نیز آغاز گشت. تحت حکومت اعراب بر ایران، نخستین آزارها متوجه پیروان دین حکومت قبلی، یعنی زرتشتیان بود. مسیحیان گاه حتی اقلیتی تحت حمایت به‌شمار می‌آمدند.

ه) افول کلیسای ایران قدیم

آزار بر کلیسا مآلاً به درجات مختلف از سوی مقامات محلی و مرکزی فرا رسید. مسیحیان موظف به پرداخت مالیاتی اضافی شدند. گرویدن مسلمانان به مسیحیت ممنوع گردید. صلیب نمی‌بایست در انظار عمومی قرار گیرد. هجوم ویرانگر چنگیزخان و لشکریان مغولِ او تقریباً کلیسای در حال احتضار ایران را از صفحه روزگار محو کرد. فقط عده معدودی باقی ماندند که ایشان نیز به کوههای غرب ایران پناه بردند. چرا کلیسای ایران قدیم دچار افول گردید؟

۱- در میان مسیحیان این تصور رایج بود که فقط کسانی براستی روحانی هستند که در دیرها بدور از جامعه زندگی می‌کنند.
۲- زبان رسمی کلیسای ایران، سریانی بود نه فارسی.
۳- سلسله مراتب مذهبی پاتریارخها و اسقفان قوت کلیسا را گرفت.
٤- اشتباهات عقیدتی انسجام کلیسا را تضعیف کرد.
٥- کلیسا اشتیاق به شهادت پویا را از دست داد.
٦- کلیسا نمی‌توانست از نظر سیاسی به دولت وفادار بماند.
۷- معیارهای کلیسایی مورد سازش و اغماض قرار می‌گرفت.
۸- صلیب را نمی‌توانستند در معرض انظار قرار دهند.
۹- مردان مسلمان می‌توانستند با زنان مسیحی ازدواج کنند، اما مردان مسیحی نمی‌توانستند با زنان مسلم وصلت کنند.

و) سنگنبشته سیانگفو

کلیسای انگلیکن حضرت شمعون در شیراز، مدل سنگنبشته معروف سیانگفو، پایتخت پیشین چین را در خود جای داده است. این سنگنبشته در سال ۱٦۲۳ میلادی کشف شد. آن را در حدود سال ۷۸۱ میلادی حك کرده‌اند و ۳ متر ارتفاع، ۱ متر عرض، و ۳۰ سانتیمتر ضخامت دارد. بر آن ۱۹۰۰ حرف چینی و ۷۰۰ نام سریانی با ترجمه چینی آن نقش بسته است. (مدل‌های عیناً مشابه نیز در موزه لاتران در روم و در کوه کویا در ژاپن یافت می‌شود.)

بر این سنگنبشته فعالیت‌های مسیحیان ایرانی و چینی که بدنبالِ آمدنِ "آلوپن" به دربار امپراطور چین در سال ٦۳٥ میلادی انجام شد، شرح داده شده است؛ او یك مبشر کلیسای ایران بود. طبق مندرجات این سنگنبشته، امپراطور دستور داد تا برای آلوپن و ۲۱ راهب او، دیری بسازند. (آلوپن نام چینی این شخص می‌باشد. نام اصلی او احتمالاً ابراهیم یا یهبْاَلَهَه می‌باشد.) او در دربار "تای‌تسونگ"، امپراطور چین، به‌گرمی مورد استقبال قرار گرفت. امپراطور که "طریقت" را مورد تحقیق قرار داده بود، اعلام داشت که آلوپن مردی است بسیار فاضل. امپراطور که تحت تأثیر خلق نیك و امانت آلوپن قرار گرفته بود، دستور داد تا اعتقادات او ترویج شود و برخی از بخشهای کتاب‌مقدس به چینی برگردانده شود. در سال

۱٦۳۸، نخستین کلیسا در شانگان، پایتخت چین که گفته می‌شد بزرگترین شهر جهان آن روزگار است، بنا شد. طبق اسناد تاریخی، در سالهای بعد، یازده کلیسای دیگر ساخته شد، اما احتمالاً این تعداد بیش از اینهاست. گزارشی که ممکن است اغراق‌آمیز باشد می‌گوید که در چین در هر مرکز استان، یك کلیسا بوده است، که در اینصورت می‌بایست ۳٦۸ کلیسا وجود می‌داشت. اسناد مختلف ایرانی و چینی حاکی از آن است که این مسیحیان چینی به اصول اساسی مسیحیت اعتقاد داشتند، اصولی نظیر گناه اولیه، کفاره نیابتی، تولد از باکره، صلیب، ده فرمان، توبه، مجازات ابدی، و نجات به‌واسطه ایمان و نه اعمال. آنان می‌دانستند که باید مطیع مقامات حکومتی باشند، گرسنگان را خوراك دهند، برهنگان را پوشاك دهند، و از بیوه‌زنان و یتیمان دستگیری کنند.

عنوان این سنگنبشته این بود: "یادواره اشاعه دین منور تاچین (سوری) در چین". ترجمه کامل انگلیسی این سنگنبشته را می‌توان در سایت ذیل یافت
www.jacobs-source.net/nestorian_stone_translation.html
در زیر، بخشی از این سنگنبشته بصورت شعر به فارسی برگردانده شده است:

یکی اقنوم از تثلیث اقدس — فروغ زندگی یعنی مسیحا
نهفته کبریای ذوالجلالی — بهنجار بشر شد آشکارا
بدو بالا پران کردند شادی — ز شادی گشت گردون پر ز غوغا
بهر سو مژده ها بردند و خواندند — بچوپانان میان دشت و صحرا
بفرمان خدا از دختر بکر — هویدا گشت نور شادی افزا
درخشان کوکبی از زادن او — ببام آسمان برداشت آوا
چو ایرانی بدید آن اختر پاك — فراز چرخ چون خورشید عذرا
دوید آنجا که آنجا شاد و خندان — بدارد هدیه های خویش اهدا

بخاطر مبشرین ایرانی، چین شهادت نجات توسط خداوندْ عیسی مسیح را به‌مدت چند قرن دریافت داشت. چندین قرن پس از تهیه سنگنبشته، جامعه مسیحی در چین به نیستی گرایید. برخی از دلایل احتمالی این امر می‌تواند آزار بر کلیسا، و مسائل مذهبی و الهیاتی و اسطوره‌ای و سیاسی بوده باشد. کتاب "تاریخ مسیحیت در آسیا" جلد اول، نوشته ساموئل هیو موفات، جزئیات تاریخی و نیز برخی منابع را شرح می‌دهد (این کتاب توسط کانون یوحنای رسول در تهران به فارسی برگردانده شده است).

ز) کتاب‌هایی در مورد ایران در کتاب‌مقدس و تاریخ کلیسای ایران

- کتاب "تاریخ مسیحیت در ایران"، نوشته زرین بهروش پاکیزگی؛ انتشارات Wheaton, IL: William Carey Publishers. این کتاب شرحی از تاریخ کلیسای ایران از آغاز تا به امروز را ارائه می‌دهد. فصل ۱۵ تحت عنوان "آزاردیدگان در راه مسیح در ایران: گذشته و حال" شرح حال شهیدان مسیحی در دوره جمهوری اسلامی را از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ عرضه می‌دارد. برای سفارش این کتاب با نشانی زیر تماس بگیرید:
Dr. Behzad Pakizegi, P.O. Box 600476, San Diego, CA 92160 or Phone: 610-283-0880

- کتاب "مسیحیان در ایران" (Christians in Persia) نوشته Robin E. Waterfield انتشارات London: George Allen, D Union Ltd. 1973 . این کتاب شرحی پیوسته از مسیحیان در ایران از قرن دوم تا سال ۱۹۷۰ ارائه می‌دهد. جزئیات مربوط به ظهور و سقوط کلیسای قدیم ایران و نیز فعالیت‌های بشارتی کاتولیکها و پروتستانها در سده‌های ۱۹ و ۲۰ ارائه شده است.

- کتاب "ایران در کتاب‌مقدس" (Persia in the Bible) نوشته Edwin M. Yamauchi انتشارات Grand Rapids: Baker Back House, 1990. این کتاب پژوهشگرانه در مورد پیشینه تاریخی خاورمیانه و خصوصاً ایران، شامل بیش از ۱۰۰ عکس و نیز اطلاعات باستان‌شناختی فراوان می‌باشد. این اثر برای درك کتاب‌های ارمیا و حزقیال و دانیال و استر و نحمیا بسیار ضروری است.

- کتاب "تاریخ مسیحیت در ایران" نوشته ساموئل هیو مافت (S. H. Moffett)، جلد اول از آغاز تا سال ۱۵۰۰ میلادی، انتشارات San Francisco: Harpor 1991. این کتاب پژوهشگرانه و مبسوط، جزئیاتی ارزنده در مورد این بخش از تاریخ کلیسا را که اغلب نادیده گرفته شده، ارائه می‌دهد. حدود نیمی از کتاب به کلیسای قدیم ایران می‌پردازد. (همانطور که گفته شد، این کتاب توسط "کانون یوحنای رسول" در تهران ترجمه شده است.)

ح) کاربرد شخصی

خدا در گذشته مسیحیان ایرانی را برای رساندن بشارت انجیل به اکثر نقاط آسیا به‌کار گرفته است. اگر شما یك مسیحی ایرانی و فارسی‌زبان هستید، شاید خدا این بار را در قلب شما بگذارد تا بشارت عیسی مسیح را در مناطقی نظیر تاجیکستان و افغانستان اعلام نمایید. زبانهای تاجیکی و دری و هزاری بسیار به فارسی نزدیکند. آیا حاضرید برای گروههای قومی مختلف در ایران دعا کنید و به آنان بشارت دهید؟

فصل ۱۱

نقش استراتژیك ایران در نبوت‌های مربوط به آینده

آیا متوجه شده بودید که در کتاب‌مقدس به ایران در ارتباط با رویدادهای مربوط به آخر زمان اشاره شده است؟ بسیاری از این رویدادها متمرکز است بر اسرائیل و اینکه بسیاری از ملل جهان خواهند کوشید آن را از میان بر دارند. اگر این رویدادهای هولناك ناگهان اتفاق بیفتد، آیا شما آمادگی آنها را دارید؟ در فصل ۳۷ کتاب حزقیال، به یك وادی پوشیده از "استخوانهای خشك" اشاره شده است. حزقیال نبی از خدا پرسید: "آیا می‌شود که این استخوانها زنده گردد؟" آنگاه استخوانها شروع کردند به پیوستن به یکدیگر. پی بر آنها آمد و بعد با پوست پوشیده شدند. سرانجام، دم بر آنها دمیده شد و زنده شدند. خداوند به نبی توضیح می‌دهد و می‌فرماید: "اینك من بنی اسرائیل را از میان امت‌هایی که به آنها رفته‌اند گرفته، ایشان را از هر طرف جمع خواهم کرد و ایشان را به زمین خودشان خواهم آورد" (حزقیال ۳۷: ۲۱). گرچه این نبوت، زمانی که اسرائیل در سال ۱۹٤۸ مجدداً بصورت یك کشور رسمی تشکل یافت، جامه عمل پوشید، اما مردم یهود هنوز نیز همچون استخوانهای خشك می‌باشند. یك روز خدا روح خود را بر ایشان خواهد نهاد و "ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود" (حزقیال ۳۷: ۲۳).

استقرار ملت اسرائیل در حزقیال ۳۸ و ۳۹ تشریح شده است. به سایر ملت‌ها و نیز ایران که در میان آنها مقام برتر را دارد، اشاره شده است. به همین جهت است که این رویدادِ آتی ذکر شده است.

الف) در حزقیال ۳۸، وضیعت اسرائیل چگونه توصیف شده است؟

۱- (آیه ۸) ایشان از میان تمامی ملت‌ها گرد آمده‌اند و در امنیت زندگی می‌کنند.
۲- (آیه ۱۱) ایشان در امنیت‌اند و در دهات بدون حصار و دروازه زندگی می‌کنند.

ب) چه رویداد مهمی رخ خواهد داد و تهاجم از کجا خواهد آمد؟

۱- تهاجمی از سوی اسرائیل صورت خواهد گرفت.

"بعد از روزهای بسیار از تو تفقد خواهد شد. و در سالهای آخر به زمینی که از شمشیر استرداد شده است خواهی آمد که آن از میان قوم‌های بسیار بر کوههای اسرائیل که به خرابه دایمی تسلیم شده بود، جمع شده است و آن از میان قوم‌ها بیرون آورده شده و تمامی اهلش به امنیت ساکن می‌باشند" (حزقیال ۳۸: ۸).

تهاجمی از سوی یك ارتش بزرگ از شمال صورت خواهد گرفت (آیه ۱۵).

ج) کدام کشورها این ارتشِ مهاجم را تشکیل خواهند داد؟

۱- اکثر ملت‌هایی که در روزگار حزقیال وجود داشتند، نامهایی باستانی دارند. این امر تشخیصِ نامهای جدید آنها را دشوار می‌سازد. اکثر مفسرانِ محفافظه‌کار این ملت‌ها را چنین تشخیص می‌دهند:

الف) (آیه ۲) جوج از سرزمین ماجوج. ماجوج پسر دوم یافث بود (پیدایش ۱۰: ۱-۲) و قاعدتاً همان سرزمینی است که قبلاً مناطق جنوبی اتحاد شوروی بود. رئیس بزرگ (روش)، ماشك و توبال بخشهایی از اتحاد شوروی سابق می‌باشند.

ب) (آیه ۵) فارس (ایران امروز). این یگانه ملتی است که هویتش از سوی ۱۰۰% مفسران مورد توافق است، زیرا نام باستانی‌اش با نام امروزی‌اش یکی است.

ج) (آیه ۵) کوش. این یا منطقه جنوبی مصر، یعنی حبشه امروزی است، یا به منطقه‌ای در شرق بابل اشاره دارد. فوط، لیبی امروزی، یا منطقه‌ای واقع در جنوب یا جنوب‌شرقی کوش، یا سوریه امروزی، یا عراق.

د) (آیه ٦) جومر، قاعدتاً آلمان.

ه) (آیه ٦) خاندان توجرمه، همان ترکیه و ارمنستان و آسیای مرکزی.

۲- بسیاری از کشورهای دیگر به این ملل خواهند پیوست.

د) کدام بخشهای دیگر کتاب‌مقدس مورد اشاره کتب تفسیر می‌باشد که این تهاجم به اسرائیل را توصیف می‌کند؟ بسیاری این را جنگ حارمجدون می‌خوانند.

۱- (دانیال ۱۱: ۲۵-٤٤) پادشاه جنوب
۲- (مکاشفه ١٦: ١٢) پادشاه مشرق
۳- (دانیال ۷: ۲۳-۲٦؛ مکاشفه ۱۳: ۱-۳؛ ۱۷: ۸-١٤) اتحادی از ده ملت که قاعدتاً از غرب می‌باشند

ه) این ارتشِ شمال چگونه بر علیه اسرائیل خواهد آمد؟ (حزقیال ۳۸)

۱- (حزقیال ۳۸: ۹) همچون طوفانی خواهد آمد.
۲- (حزقیال ۳۸: ۱۲) سرزمینی بی‌دفاع را غارت و ویران خواهد ساخت.
۳- (حزقیال ۳۸: ۱۵) بر اسبان خواهد آمد (اسب بصورت تحت‌اللفظی، یا شاید هم نمادی باشد از لشکری نیرومند).

و) نتیجه این جنگ چه خواهد بود؟

۱- خدا بر ضد جوج و سایر ملت‌ها از جمله ایران خواهد بود.

"ای پسر انسان نظر خود را بر جوج که از زمین ماجوج و رئیس روش و ماشك و توبال است بدار و بر او نبوت نما" (حزقیال ۳۸: ۲).

"پس تو ای پسر انسان، در باره جوج نبوت کرده، بگو خداوند یهوه چنین می‌فرماید که اینك ای جوج، رئیس روش و ماشك و توبال، من به‌ضد تو هستم" (حزقیال ۳۹: ۱).

۲- غیرت و خشم فروزان خدا متوجه این ملت‌ها می‌باشد.

"زیرا در غیرت و آتش خشم خود گفته‌ام که هر آینه در آن روز، تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد" (حزقیال ۳۸: ۱۹).

۳- بلاهای طبیعتی هولناکی نظیر زمین‌لرزه، باران، طوفان تگرگ، و گوگرد سوزان خواهد بود.

"و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و کوهها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهند افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید. و خداوند یهوه می‌گوید من شمشیری بر جمیع کوههای خود به‌ضد او خواهم خواند و شمشیر هر کس بر برادرش خواهد بود. و با وبا و خون بر او عقوبت خواهم رسانید. و باران سیال و تگرگ سخت و آتش و گوگرد بر او و بر افواجش و بر قوم‌های بسیاری که با وی می‌باشند، خواهم بارانید" (حزقیال ۳۸: ۲۰-۲۲).

٤- ماهها طول خواهد کشید که مردگان را دفن کنند.

"و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین را طاهر سازند. و تمامی اهل زمین ایشان را دفن خواهند کرد. و خداوند یهوه می‌گوید: روز تمجید من نیکنامی ایشان خواهد بود" (حزقیال ۳۹: ۱۲-۱۳).

٥- ملت‌ها بطور کامل شکست خواهند خورد.

"و تو و همه افواجت و قوم‌هایی که همراه تو هستند، بر کوههای اسرائیل خواهید افتاد و تو را به هر جنس مرغان شکاری و به حیوانات صحرا به جهت خوراك خواهم داد. خداوند یهوه می‌گوید که به روی صحرا خواهی افتاد زیرا که من تکلم نموده‌ام" (حزقیال ۳۹: ٤-٥).

٦- ابزارهای جنگی به‌مدت هفت سال به‌عنوان سوخت مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

"و ساکنان شهرهای اسرائیل بیرون خواهند آمد و اسلحه یعنی مجن و سپر و کمان و تیرها و چوب‌دستی و نیزه‌ها را آتش زده، خواهند سوزانید. و مدت هفت سال آتش را به آنها زنده نگاه خواهند داشت" (حزقیال ۳۹: ۹).

ز) این جنگ چه زمانی رخ خواهد داد؟

۱- (۳۸: ۸، ١٤، ١٦) در آخر زمان.

۲- (مکاشفه ١٦: ١٦) بسیاری این داوری بر ملت‌ها را با حارمجدون یکی می‌دانند.

ح) این جنگ در ارتباط را رویدادهای آخر زمان، در کدام قسمت قرار می‌گیرد؟

۱- برای آنانی که معتقد به الهیات پیش‌هزاره‌ای هستند، پنج امکان مطرح است:
الف) پیش از ربوده شدن کلیسا.
ب) در وسط هفت سال مصیبت.
ج) در پایان هفت سال مصیبت، زمانی که خداوند همراه با مقدسینش می‌آید تا سلطنت کند.
د) در آغاز سلطنت هزارساله.
ه) در پایان سلطنت هزارساله.

۲- با توجه به تمام داده‌ها، نویسنده این کتاب که از نظر الهیاتی معتقد به ربوده شدن کلیسا پیش از مصیبت عظیم می‌باشد که بدنبال آن هفت سال مصیبت عظیم بر زمین خواهد آمد، احساس می‌کند که این جنگ در وسط مصیبت عظیم خواهد بود. دلایل او به این شرح است:

الف) اسرائیل در سرزمین خود ساکن می‌باشد (۳۸: ۸).

ب) یهودیان در صلح خواهند بود، احتمالاً بدور از خطر وحش یا دجال که تضمین‌هایی می‌دهد (دانیال ۹: ۲۷؛ مکاشفه ۱۳: ۱-۱۰).

ج) زمانهایی که روزهای آخر نامیده شده، به دوره مصیبت عظیم اشاره دارد، آن هفت سالی که خدا بار دیگر به قومش اسرائیل می‌پردازد.

د) اگر کسی دانیال ۱۱: ۴۱ را اشاره‌ای می‌داند به اشغال سرزمین فلسطین بدست وحش، آنگاه این تهاجم باعث می‌شود که او عهد خود را با اسرائیل بشکند.

ه) بخشهایی نظیر مکاشفه ۷: ٤-۱۷ نشان می‌دهد که بسیاری از یهودیان و غیریهودیان در طول دوره مصیبت عظیم نجات خواهند یافت. حزقیال ۳۸: ۲۳؛ ۳۹: ۲۱-۲۲ اشاره می‌کند که چگونه این واقعه برای نجات روحانی بسیاری دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفت.

و) در مکاشفه ۱۹: ۲۰، گفته شده که خداوند به‌هنگام بازگشتش بطور خاص به مسأله وحش و نبی دروغینش رسیدگی خواهد کرد. قاعدتاً پادشاه شمال (یا پادشاه آشور، آنطور که گاه در اشعیا ۳۰: ۳۱-۳۳؛ ۳۱: ۸، ۹؛ میکاه ٥:٥ نامیده شده) می‌بایست پیش از اینها مورد داوری قرار گرفته باشد.

ط) کاربرد شخصی

۱- طرز برخورد یك مسیحی به‌هنگام مطالعه پیشگوییها و مشاهده نشانه‌های بازگشت عیسی مسیح، چه باید باشد؟ به نمونه دانیال در کتاب دانیال ۹: ۱-۱۹ نگاه کنید، آنگاه که پیشگویی مربوط به ۷۰ سال اسارت جامه عمل پوشید و کورش پادشاه به یهودیان اجازه داد که

به اورشلیم باز گردند. توجه کنید که او با مشاهده تحقق نبوت، چگونه روزه گرفت، دعا کرد، به گناهان اعتراف نمود، و به رحمت عظیم خدا توکل کرد.

۲- با توجه به اینکه دنیا ممکن است در مناقشه‌ای جهانی درگیر شود، ما اکنون چه مسؤولیتی در خصوص اعلام بشارت انجیل داریم؟

۳- نبوت‌های مربوط به استقرار امپراطوری پارس تحت حکومت کورش پادشاه جامه عمل پوشید. رویدادهای بسیاری در خصوص زندگی عیسی مسیح، نظیر شهر زادگاه او، تولد او از باکره، و مرگش بر صلیب، همگی صدها سال پیش از وقوعشان در کتاب‌مقدس پیشگویی شده بود. آیا آماده‌اید تا ایمان آورید که کتاب‌مقدس کتابی است که خدا فرستاده است؟

فصل ۱۲

درك رسوم كتاب‌مقدس به‌كمكِ فـرهنگی ایرانی

آنانی از شما كه در ایران بزرگ شده‌اند، با اكثر رسوم مذكور در این فصل آشنایی دارند. اما آن دسته از شما كه در خارج از ایران متولد شده‌اند یا در سنین كودكی ایران را ترك گفته‌اند، ممكن است ندانند كه بسیاری از رسوم و جنبه‌های زندگی مندرج در كتاب‌مقدس، در ایران نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود. در مقام شخصی كه از خارج از فرهنگ ایرانی آمده و از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ در ایران زیسته، این امر به من كمك شایانی كرد تا بخشهای مختلف كتاب‌مقدس را درك كنم. بیایید نگاهی به برخی از جنبه‌های این فرهنگ بیفكنیم:

الف) پشت بام

۱- آیا پشت بام محل زندگی‌تان مسطح است و آیا دور آن دیواری هست؟ در تثنیه ۲۲: ۸، خدا به ایمنی مردم اهمیت می‌داد و فرمان داد تا دیواری كوتاه بر پشت بام مسطح خانه ساخته شود تا اگر كسی از آنجا افتاد، هیچكس مقصر خون او نباشد. از آنجا كه اكثر پشت بامهای خانه‌های ایران مسطح می‌باشد، دورشان دیواری كشیده شده است.

۲- آیا بر پشت بام شما علف می‌روید؟ (مزمور ۱۲۹: ۶؛ اشعیا ۳۷: ۲۷). در ایران، تخم علف بر بام گلی خانه‌ها می‌افتد و علف می‌روید و برای مدت كوتاهی سبز است تا اینكه آفتاب سوزانِ تابستان آنها را بخشكاند. دشمنان خدا ممكن است در آغاز كامیاب شوند، اما بزودی خشك شده، پژمرده می‌گردند.

۳- آیا از سقف شما آب می‌چكد؟ (امثال ۱۹: ۱۳؛ ۲۷: ۱۵). چكه دائمی آب به زنی ستیزه‌جو تشبیه شده است.

۴- وقت خود را بر پشت بام چگونه می‌گذرانید؟ در اعمال ۱۰: ۹، پطرس بر پشت بام دعا می‌كرد. اما در دوم سموئیل ۱۱: ۲، داود در دل خود مرتكب زنا شد آن زمان كه بتشبع را می‌نگریست كه بر بام خود استحمام می‌كند.

۵- آیا به یك اتاق خواب اضافی نیاز دارید؟ پشت بام جای مناسبی است كه میهمان خود را در تابستان در آنجا جای دهید (اول سموئیل ۹: ۲۵-۲۷). در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر ایران، مردم در تابستان شبها در پشت بام یا بالكن خانه‌ها می‌خوابند تا نسیم خنك كوههای البرز از شمال بر ایشان بوزد. به‌یاد دارم كه طی مدت اقامتمان در ایران، شبهای بسیاری در بالكن و گاه نیز در پشت بام خانه‌مان می‌خوابیدیم.

ب) سایر قسمت‌های خانه

۱- مسیح به‌هنگام شام آخر، از یك بالاخانه استفاده کرد (لوقا ۲۲: ۷-۱٤). در فرهنگهایی که میهمان‌نوازی اهمیت دارد، اغلب برای میهمانان اتاق مخصوصی نگاه می‌دارند، حتی اگر در بقیه خانه جا تنگ باشد. این اتاق اغلب در طبقه بالایی خانه قرار دارد. در فرهنگِ گذشته آمریکایی، اتاق خاصی وجود داشت برای غذا خوردن با میهمان. اما امروزه دیگر به‌ندرت چنین است.

۲- در لوقا ۱۱: ٥-۸ عیسی داستانی بازگو کرد در باره مسافری که نیمه‌شب به خانه دوستش آمد و درخواست نان کرد. آیا افرادِ مذکور در این مَثَل همه در یك اتاق می‌خوابیدند؟ (لوقا ۱۱: ٥-۷). آماری در دهه ۱۹۷۰ نشان داد که ٤۰ درصد مردم تهران در یك اتاق زندگی می‌کردند.

۳- دزد می‌تواند دیوار گِلی را خراب کند و وارد خانه شود (متی ٦: ۱۹). دیوارها در دهکده‌های ایران هنوز هم گِلی است.

٤- وقتی به ایران رسیدیم، به ما گفتند که وقتی به خانه کسی می‌رویم و افراد دیگر نیز هستند، حتماً در جایی بنشینیم که به در نزدیکتر است. آنگاه ممکن است میزبان از ما بخواهد که بالاتر بنشینیم، یعنی جایی دورتر از در ورودی. جایی که از در دورتر باشد، جای بالاتر و مهمتری به‌حساب می‌آید. البته برای اینکه شخص جای خود را عوض کند، تعارفات بسیاری رد و بدل می‌شود. در لوقا ۱٤: ۷-۱۱ گفته شده که چگونه رهبران مذهبی روزگار عیسی وقتی به جایی می‌رفتند، فوراً بالاترین جای اتاق را اشغال می‌کردند. عیسی به این رهبران مذهبی هشدار داد که این امر بیانگر غرور ایشان می‌باشد و اگر شخص مهمتری بیاید، مجبور خواهند شد که پایین‌تر بنشینند و به این ترتیب، مورد تحقیر قرار خواهند گرفت. علت اینکه جای دورتر از در ورودی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد، این است که چنین جایی در معرض باد سردی که از در ورودی داخل می‌شود قرار ندارد، هیچکس نیز به‌هنگام ورود، از مقابل او رد نمی‌شود و اسباب مزاحمت او را فراهم نمی‌آورد.

ج) خوراك و خرید

۱- چانه زدن

الف) قیمت این چند است؟ (امثال ۲۰: ۱٤). در اکثر کشورهای جهان از جمله ایران، مردم بر سر قیمت‌ها چانه می‌زنند. خریدار معمولاً قیمت رایج جنس را می‌داند، اما خریدار و فروشنده آنقدر چانه می‌زنند که به قیمتی منصفانه برسند. در فرهنگ آمریکایی چانه زدن فقط زمانی قابل قبول است که جنسی را از یك خانه می‌خرید، یا می‌خواهید خانه‌ای بخرید.

ب) در بسیاری از بخشهای دنیا نظیر ایران، از ثروتمندان انتظار می‌رود که بیش از فقیران برای یك جنس پول بپردازند. برای من به‌عنوان یك آمریکایی، درك این مطلب دشوار بود تا اینکه اتفاقی افتاد. یك بار می‌خواستم لباسی بخرم و برای اینکه قیمت به دستم بیاید، به مغازه‌های مختلف سر زدم. یکی از مغازه‌ها قیمت همان لباس را دو برابر گفت. سوار ماشین شدم و از آنجا رفتم با این فکر که آن مغازه‌دار شخص کلاهبرداری است زیرا قیمت را دو

برابر گفته بود فقط به این دلیل که دید من غربی هستم. پس از اینکه چندین کیلومتر دور شدم، متوجه شدم که کیف دستی‌ام را در همان مغازه جای گذاشته‌ام. در آن، پاسپورت و اجازه کار چندین نفر از دوستانم بود، و همینطور چکهایی سفید و اطلاعات مربوط به حساب پس‌انداز. با ترس و لرز به همان مغازه‌ای که فکر می‌کردم صاحبش آدم کلاهبرداری است برگشتم. از مغازه‌دار پرسیدم: "آیا کیف دستی مرا ندیده‌اید؟" آن آقا گفت: "چرا. آن را برایتان نگه داشتم." سپس آن را به من داد. با نهایت خوشحالی دیدم که همه چیز در کیف بود. آنقدر خوشحال بودم که خواستم به او مژدگانی بدهم. اما او گفت: "نخیر آقا. وظیفه من بود که کیف شما را نگه دارم، چون در مغازه من جا مانده بود. من که دزد نیستیم." چانه زدن تفریح و روش زندگی مردم در بسیاری از کشورهاست. نمونه آن را حتی در کتاب‌مقدس هم می‌یابیم.

ج) وقتی ابراهیم تکه‌زمینی برای دفن ساره می‌خرید، آیا به‌گونه‌ای ظریف چانه نمی‌زد؟ (پیدایش ۲۳: ۳-۱۶). در نگاه اول، گفتگوی میان ابراهیم و عفرونِ حِتّی بر سر این معامله گفتگویی عادی به‌نظر می‌رسد و عفرون ظاهراً شخصی سخاوتمند به‌نظر می‌آید که می‌خواهد زمینش را به ابراهیم ببخشد. اما واقعاً چنین نبود.

ابراهیم با روشی متداول به آن مرد حِتّی می‌گفت که محلی برای دفن میت خود نیاز دارد. مرد حِتّی محترمانه گفت که هر قطعه‌ای را که می‌خواهد بر دارد. ابراهیم از قبل به قطعه‌زمینی نظر داشت و از عفرون خواست تا غار مکفیله را که در انتهای مزرعه‌اش بود به او بفروشد. وقتی ابراهیم بهای قطعه‌زمین را پرسید، عفرون پاسخ داد که نه فقط آن غار را بلکه تمام مزرعه را به او خواهد داد. سپس در حضور شاهدان با ظرافت گفت که قیمت زمین ۴۰۰ مثقال نقره است ولی این مبلغ اصلاً قابل ابراهیم را ندارد (۲۳: ۱۵). آنگاه ابراهیم مقصود از این اشاره را درك کرد و ۴۰۰ مثقال نقره را مطابق با سکه‌های استاندارد بازرگانان به او پرداخت

.

کشفیات جدید باستان‌شناسی که بهای زمین را در این منطقه روشن ساخته است، نشان می‌دهد که ابراهیم در واقع قیمت بسیار بالایی برای این محل تدفین پرداخت زیرا می‌بایست ساره را دفن کند و چاره دیگری نداشت. همچنین مطابق با برخی اسناد باستانی، از آنجا که مالك مزرعه و درختان و نیز آن غار شده بود، مسؤول بود که مالیات متعلق به زمین را نیز بپردازد.

د) خوراك و آب

۱- نان "مایه زندگی" است (متی ٦: ۱۱؛ یوحنا ٦: ۳۵). این امر برای طبقه فقیر ایرانیان چقدر صادق است، چرا که ایشان با نانی که با سوبسید دولت به قیمت ارزان فروخته می‌شود، ادامه بقا می‌دهند.

۲- نان تازه‌پخت، داغ و خوش‌مزه است. یکی از خوشیهای دوره اقامت ما در ایران، خوردنِ نان تازه تقریباً در هر وعده از غذا بود. پختن نان در دهات بر روی ذغال داغ هزاران سال است که رواج دارد.

۳- وقتی یك مسیحی خارجی به خانه یك ایرانی می‌رود، از روی احترام او را به صرف خوراك دعوت می‌کنند. اما از آنجا که مسیحیان را "نجس" می‌شمارند، ظرف او را

بعداً یا طبق رسم خاصی می‌شویند یا می‌شکنند. عیسی در تعالیم خود فرمود که احکام شریعت عهدعتیق در مورد خوراکهای حلال و حرام را تحقق بخشیده است. پس از آن دیگر خوراك حلال و حرام، و نجس و غیرنجس وجود ندارد. بلکه این خودِ انسانها هستند که در اثر چیزهای بدی که از قلبشان بر می‌آید نجس می‌باشند، نظیر افکار بد در مورد امور جنسی، دروغ و دزدی.

"و چون از نزد جماعت به خانه در آمد، شاگردانش معنی مثل را از او پرسیدند. بدیشان گفت: 'مگر شما نیز همچنین بی‌فهم هستید و نمی‌دانید که آنچه از بیرون داخل آدم می‌شود، نمی‌تواند او را ناپاك سازد، زیرا که داخل دلش نمی‌شود بلکه به شکم می‌رود و خارج می‌شود به مزبله.' (که این همه خوراك را پاك می‌کند.) و گفت: 'آنچه از آدم بیرون آید، آن است که انسان را ناپاك می‌سازد، زیرا که از درون دل انسان صادر می‌شود خیالات بد و زنا و فسق و قتل و دزدی و طمع و خباثت و مکر و شهوت‌پرستی و چشم بد و کفر و غرور و جهالت. تمامی این چیزهای بد از درون صادر می‌گردد و آدم را ناپاك می‌گرداند'" (مرقس ۷: ۱۷-۲۳).

ه) خوردن

دستهای خود را بشویید! کسی را داشته باشید که روی آنها آب بریزد (دوم پادشاهان ۳: ۱۱).
در برخی از دهات که در ناحیه کرمانشاه مورد بازدید قرار دادم، آب بسیار پرارزش بود. جویهایی برای آبیاری وجود داشت و آب رودخانه بوسیله پمپ در آنها جریان می‌یافت. هر کشاورز حق داشت یك ساعت از آن آب برای کمك به آبیاری محصولش استفاده کند. یك نفر هم مسؤول بود که بعد از یك ساعت، آب را متوقف سازد و آن را به جوی مزرعه دیگری هدایت کند. به من گفتند که بر سر آب، بیش از هر مورد قانونی دیگری در دادگاهها دعوا و ادعا وجود دارد، زیرا آب بسیار پرارزش است. این امر کمك می‌کند تا معنی امثال ۲۱: ۱ را درك کنیم که می‌فرماید: "دل پادشاه مثل نهرهای آب در دست خداوند است؛ آن را به هر سو که بخواهد بر می‌گرداند." در اینجا منظور از نهر، همان جویها یا کانالهای آبیاری است. کنترل حکومت‌ها در دست خداست. اوست که پادشاهان، رؤسای ممالك، دیکتاتورها و رهبران مذهبی را کنترل می‌کند طوری که نتیجه نهایی باعث اکرام و جلال او می‌گردد، درست همانگونه که آب را می‌توان در جویهای آبیاری هدایت کرد.

و) میهمان نوازی

۱- مردم را با اصرار به خانه خود دعوت کنید! (لوقا ١٤: ٢٣؛ اعمال ١٦: ١٥).
داشتن میهمان برای ایرانیان بسیار مهم است و وقتی میهمان به خانه‌شان می‌رود، برایشان افتخار است! ایشان ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: " میهمان حبیب خدا است."

۲- هر جایی بر سر سفره بیانگر اهمیت شخص است (متی ۲۲: ۸-١٤؛ لوقا ١٤: ۷-۱۱؛ متی ۲۳: ٦). معمولاً بالای سفره یا میز جای مهم‌ترین میهمان است و جایی که به در ورودی نزدیکتر است، پایین‌ترین جا. وقتی به خانه یك ایرانی میهمان می‌روید، باید در پایین‌ترین جا در نزدیکی در بنشینید تا آنکه میزبان شما را به نشستن در جایی دیگر فرا خواند.

۳- ضرب‌المثلی ایرانی می‌گوید: " میهمان حبیب خداست" (پیدایش ۱۸: ۱؛ رومیان ۱۲: ۱۳). میهمان‌نوازی در کتاب‌مقدس به‌معنی محبت و پذیرایی از غریبان است (اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ تیطس ۱: ۸). بر مسیحیان، خاصه رهبران کلیسا واجب بود که میهمان‌نواز باشند. شما اگر رهبر کلیسا هستید، آیا مایلید که میهمان داشته باشید، خصوصاً اگر میهمان خادم مسیح باشند؟

٤- من و همسرم، پس از گذشت پنج سال از اقامتمان در ایران، به "ونتنور"، شهر زادگاه او در ایالت نیوجرزی رفتیم. حدود ظهر بود که به دیدن شبان او رفتیم. ما برای او احترام بسیاری قائل بودیم. او بود که پیام نجات را به همسرم وقتی که یازده سال داشت، اعلام کرده بود و همسرم، دایان، مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفته بود. آن شبان سالها وفادارانه برای ما دعا کرده بود، برای ما نامه نوشته بود، و برای دوستان ایرانی‌مان دعا کرده بود. او در طول ۹٤ سال زندگی‌اش تا زمان مرگش در اکتبر ۲۰۰۱، نمونه‌ای عالی از زندگی خداپسندانه و مقدس بر جای گذاشته بود. با وجود تمام این پیشینه‌ها، او هنوز آمریکایی بود و خیلی از کارها را به‌روش آمریکایی انجام می‌داد. وقتی حدود ظهر به خانه‌اش رسیدیم، این برادر عزیز به ما گفت: "آلین و دایان، از دیدن شما خوشحالم. به شهر خودتان خوش آمدید. مرا ببخشید چونکه الان مشغول صرف ناهار هستیم. آیا می‌توانید یك ساعت دیگر بر گردید؟" این فرهنگ آمریکایی است. ما هم یك ساعت بعد برگشتیم و مشارکت شیرینی با هم داشتیم. اما در ایران، اگر دوستی یا غریبه‌ای موقع ناهار به خانه‌تان بیاید، بلافاصله حتماً او را به داخل دعوت می‌کنید. اگر هم خوراك به‌اندازه کافی نداشته باشید، فوراً می‌روید و خوراك بیشتری تدارك می‌بینید.

٥- فرض کنید که در آلمان یا آمریکا در یك بزرگراه رانندگی می‌کنید و ناگهان چرختان پنچر می‌شود و لاستیك زاپاس هم ندارید. چه می‌کنید؟ یك بار در ایران با خانواده از تهران سفر می‌کردیم و بر سر راهمان به اصفهان، از قم می‌گذشتیم. در بخشی از جاده که بسیار خلوت بود، ناگهان لاستیکم پنچر شد و وقتی به سراغ زاپاس رفتم، دیدم آن هم پنچر است. تا نزدیکترین شهر برای پنچرگیری ۸۰ کیلومتر فاصله داشتیم. هوا بسیار گرم بود و همسرم و سه فرزندمان در ماشین بودند. چه کاری از دستم بر می‌آمد؟ از آنجا که رسم میهمان‌نوازی ایرانیان را می‌دانستم، به اولین ماشینی که رد می‌شد علامت دادم و از راننده پرسیدم که آیا می‌توانم زاپاسش را قرض بگیرم. پاسخ او مثبت بود و منتظر شد تا لاستیك را عوض کنم. هر دو تا شهر بعدی رفتیم و در آنجا هر دو لاستیك را پنچرگیری کردم و لاستیك او را پس دادم. جالب این است که درست چند هفته پیش از آن، عکس این موضوع برای خودم اتفاق افتاده بود. بر سر راهم به سمنان برای ملاقات ایمانداران، شخصی دست تکان داد و زاپاس مرا قرض خواست. چه خوب بود که در کشوری بودم که مردمش به یکدیگر کمك می‌کردند، حتی به خارجیها.

فصل ۱۳

کریسمس از چشم‌انداز فرهنگ ایرانی

از آنجا که شما ترجمه فارسی این کتاب را می‌خوانید، طبعاً با آداب و رسوم و شیوه زندگی در خاورمیانه آشنا هستید و از فرهنگ و تاریخ غنی ایران شناخت دارید. شما بهتر از غربیها می‌توانید ماجرای ولادت عیسی مسیح و مراسم کریسمس را درك کنید. در اصل، خدا کلام خود را به انبیای عهدعتیق به زبان عبری، و به رسولان خود در عهدجدید به یونانی عطا کرد. اما به‌هنگام ترجمه کلمات به زبانهای دیگر، نظیر انگلیسی، آلمانی یا ژاپنی، گاه دشوار است که معنا و مفهوم دقیق یك رسم را به آن زبان بیان کرد. وقتی به ماجرای کریسمس نگاه می‌کنیم، شاید در میان مطالب زیر نکاتی باشد که مایل باشید با دوستی انگلیسی‌زبان در میان بگذارید. می‌توانید به سایت www.farsinet.com/persiansinbible/ مراجعه کنید و متن انگلیسی این فصل را کپی کنید و آن را در روزهای کریسمس به یکی از دوستان انگلیسی‌زبانتان بدهید. آن متن انگلیسی، شکل اصلی نوشته من بوده است. گرچه متن را پیش از ترجمه به فارسی اندکی تغییر داده‌ام، اما مطالب اساساً همان است.

الف) مریم و ارتباطش با یوسف

۱- در ترجمه‌های انگلیسی متی ۱: ۱۸ و لوقا ۱: ۲۷ دقیقاً مشخص نیست که ارتباط مریم و یوسف چگونه بوده است زیرا در انگلیسی کلمه دقیقی برای توصیف این ارتباط وجود ندارد.

۲- در غرب معمولاً سه مرحله در روابط پسر و دختر وجود دارد، اول دوستی، دوم نامزدی، و سوم ازدواج. در نامزدی هر دو طرف دخیل هستند، اما فقط یکی از طرفین هم می‌تواند آن را بر هم بزند. این امر ممکن است احساسات آن طرفی را که "تنها مانده"، جریحه‌دار سازد. در بعضی موارد، هر دو طرف توافق می‌کنند که نامزدی را به‌هم بزنند. ازدواج زمانی صورت می‌گیرد که طرفین قانوناً زن و شوهر می‌شوند و شروع به زندگی مشترك می‌کنند. ازدواج را تنها از طریق اقدامی قانونی، یعنی طلاق می‌توان نقض کرد.

۳- در فرهنگ ایرانی، سه مرحله ازدواج عبارتند از نامزدی، عقد، و عروسی.

الف) نامزدی می‌تواند توسط والدین برای فرزندانشان در سنین اولیه یا بعدها در سنین نوجوانی یا در اوان بیست سالگی ترتیب داده شود. امروزه در ایران کمتر کسانی هستند که مستقلاً نامزد کنند یا کمتر اتفاق می‌افتد که دختر "حق وتو" داشته باشد. نامزدی را می‌توان بر هم زد اما این امر به‌ندرت اتفاق می‌افتد، زیرا این برای "آبروی" خانواده، خصوصاً دختر خوب نیست.

ب) عقد مراسمی است رسمی با حضور یك روحانی مسلمان. معمولاً یك محضردار برای ثبت عقد حضور می‌یابد یا زوج به دفتر ثبت می‌روند. عقد از آنجا که از نظر مذهبی و دولتی قراردادی است قانونی، شرایط مختلف نظیر مهریه و غیره ذکر می‌شود. وقتی عقد صورت گرفت، فقط از طریق طلاق قابل فسخ است. دختر و پسر نمی‌توانند در یکجا زندگی کنند مگر بعد از قدم بعدی، یعنی عروسی، که می‌تواند بلافاصله بعد از عقد صورت گیرد یا چند سال پس از آن. اغلب دختر و پسر نمی‌توانند با هم زندگی کنند تا اینکه پسر به اندازه کافی

پول بدست آوَرَد تا خانه‌ای داشته باشد، یا خدمت سربازی‌اش را تمام کند، یا تحصیلاتش را به‌پایان برساند. احتمالاً ارتباط یوسف با مریم اینچنین بود زیرا وقتی ماجرای بارداری مریم را شنید، می‌خواست او را بطور خصوصی طلاق دهد.

ج) عروسی مراسمی غیرمذهبی است همراه با یك یا چندین ضیافت. آداب و رسوم در نقاط مختلف ایران متفاوت است، اما بعد از این مراسم است که دختر و پسر برای نخستین بار با هم زندگی می‌کنند. معمولاً مهم است که عروس در شب عروسی ثابت کند که باکره است. مطابق عرف، زن برای حفظ ازدواج، باید به‌هنگام عروسی باکره باشد. این اصل در کتاب‌مقدس نیز ذکر شده است (تثنیه ۲۲: ۱۳-۲۲). در این آیات آمده که وقتی مردی ازدواج می‌کند و بعد به زنش اتهام وارد می‌کند که به‌هنگام عروسی باکره نبوده است، والدین دختر باید به مشایخ شهر مدرك بکارت دختر را نشان دهند. اگر مشایخ مدرك را بپذیرند، مرد را محکوم به پرداخت یکصد مثقال نقره جریمه می‌کنند چون به همسرش تهمت زده است. اما اگر اتهام مرد بر زنش درست بوده باشد، مطابق شریعتِ مذکور در تثنیه ۲۲: ۲۱، زن باید سنگسار شود تا بمیرد. وقتی که فرشته به مریم ظاهر شد، کتاب‌مقدس می‌فرماید که یوسف "زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را نزایید، او را نشناخت." یوسف هرگز با مریم ارتباط جنسی نداشت تا زمانی که عیسی ولادت یافت.

ب) مریم، دختری باکره

در اشعیا ۷: ۱٤ پیشگویی شده که مسیحای موعود از یك باکره متولد خواهد شد. در انجیل‌ها آمده که جبرائیل فرشته به دیدار مریم باکره رفت. متی ۱: ۲۳ و لوقا ۱: ۳٤ تأئید می‌کنند که مریم باکره بود.

"بنابراین، خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینك باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند" (اشعیا ۷: ۱٤).

"اینك باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما" (متی ۱: ۲۳).

"مریك به فرشته گفت: این چگونه می‌شود و حال آنکه مردی را نشناخته‌ام؟" (لوقا ۱: ۳٤).

۱- در فارسی سه کلمه هست دال بر اینکه دختری هرگز رابطه جنسی با مردی نداشته است.

الف) "باکره" کلمه‌ای است عربی. در ترجمه قدیمی فارسی، این کلمه برای اشاره به باکره بودن مریم به‌کار رفته است.

ب) "دختر" به‌معنی این است که آن شخص هنوز ازدواج نکرده است، مگر اینکه لغتی منفی به آن اضافه شود. در ترجمه "مژده برای عصر جدید" از این کلمه برای اشاره به مریم استفاده شده است (لوقا ۱: ۲۷). در فرهنگ فارسی به انگلیسی خیام (مهر ۱۳٤۱)، در مقابل "دختر"، کلمات انگلیسی a girl و a virgin به‌کار رفته است.

ج) "دوشیزه" نیز به معنی دختری است که ازدواج نکرده است. معادل انگلیسی آن Miss می‌باشد. در فرهنگ فوق‌الذکر، در مقابل "دوشیزه"، کلمات انگلیسی

a maiden و a virgin آمده است.

۲- وقتی به فرهنگهای فارسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی نگاه می‌کنید، می‌بینید که این سه کلمه هم‌معنی می‌باشند. علت این است که در خاورمیانه، فرض بر این است دختری که ازدواج نکرده، باکره است؛ بنابراین، دختر و دوشیزه و باکره همه به یك مفهوم اشاره دارند. فرهنگ یونان در روزگار عهدجدید کاملاً با این آداب و رسوم تفاوت داشت. در آن فرهنگ فساد جنسی بسیاری رایج بود. به همین جهت، یونانیها کلمه خاصی برای باکره، کلمه‌ای دیگر برای دختر، و کلمه‌ای مفاوت برای زن مجرد داشتند. متأسفانه امروزه در ایران، تحت تأثیر اخلاقیات غربی و نیز گناهکار بودن ذات انسانی، بعضی از این معیارها برهم خورده است.

۳- بنابراین، هر مترجمی که می‌خواهد کتاب‌مقدس را به انگلیسی ترجمه کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه در اشعیا ۷: ۱٤ و متی ۱: ۲۳ و لوقا ۱: ۲۷ کلمه virgin را به‌کار ببرد تا معنای درست را به خواننده انگلیسی‌زبان منتقل سازد. استفاده از کلمه "زن جوان" در برخی از ترجمه‌ها در بهترین حالت از سوی مترجمی استفاده می‌شود که با فرهنگ کتاب‌مقدس و خاورمیانه آشنا نیست، و در بدترین حالت، از سوی مترجمی به‌کار می‌رود که پیشداوریهای الهیات لیبرال خود را وارد ترجمه می‌سازد. برای آگاهی از سایر جنبه‌های ولادت از باکره، می‌توانید به آثار معتبری نظیر The Virgin Birth of Christ اثر J. Gresham Machen مراجعه کنید.

ج) سفر به بیت‌لحم (لوقا ۲: ۱-٦)

۱- چرا مریم همراه یوسف به بیت‌لحم برای سرشماری از سوی روم رفت در حالیکه اینقدر به زمان وضع حملش نزدیك بود؟ شاید به این دلیل که لازم بود زنها نیز شخصاً در سرشماری حضور داشته باشند، یا شاید می‌خواست از شهر خودش و حرفهای مردم دور باشد، یا شاید هم می‌خواست همراه شوهرش، یوسف باشد.

۲- آیا مریم برای سفر به بیت‌لحم سوار الاغ شد؟ تقریباً تمام تصاویر مربوط به این رویداد، مریم را سوار بر الاغ نشان می‌دهد و یوسف را که الاغ را هدایت می‌کند. در کتاب‌مقدس در این خصوص چیزی نوشته نشده است. حتی اگر هم الاغی داشتند، آیا مریم سوار آن می‌شد یا از آن برای حمل وسایل خانه و ابزار نجاری یوسف استفاده می‌کردند؟ سفر آنان حداقل سه روز طول می‌کشید. ایشان شاید چندین الاغ داشتند یا اینکه هر دو پیاده می‌رفتند و الاغ بارهای سنگین را حمل می‌کرد.

د) صحنه آخور (لوقا ۲: ۷)

۱- آیا اقامت در اصطبل مجانی بود؟ سالها پیش یك نمایش کریسمس را تماشا می‌کردم که توسط ایرانیها اجرا می‌شد. در این صحنه، یوسف و سرایدار میهمانسرا بر سر قیمت اقامت در اصطبل با هم چانه می‌زدند چون بخاطر خلوت بودنش، جای بهتری بود.

۲- آیا اصطبل واقعاً جای بهتری از میهمانسرا بود؟ احتمالاً در میهمانسرا اتاق خصوصی وجود نداشت مگر برای ثروتمندان. یوسف و مریم افرادی عادی و فقیر بودند. بسیاری از مسافران در یك اتاق می‌خوابیدند و اکثرشان مرد بودند. آیا یك زن حاضر می‌شود در اتاقی پر از مرد اقامت کند و ایشان تولد نوزادش را تماشا کنند؟ اگر نوزاد مریم در یك اتاق شلوغ در میهمانسرا بدنیا می‌آمد، چوپانان چگونه می‌توانستند نیمه‌شبان به دیدار او بیایند؟ قطعاً نمی‌توانستند چنین کنند؟ درضمن، اگر در میهمانسرا در کنار مردانی می‌بودند که از راه دور آمده بودند، احتمالاً با فاحشه‌ها و ناسزاگوییها و اعمال خلاف عفت مواجه می‌شدند.

۳- آیا اصطبل تمیز بود؟ آیا تابحال در اصطبلی بوده‌اید؟ مطمئنم که مریم و یوسف تمام تلاش خود را کردند تا محیطی سالم فراهم سازند.

٤- قنداقه چیست؟ اگر در ایران بدنیا آمده‌اید، آیا شما را در قنداق پیچیدند؟ بعضی از بچه‌ها را که امروز در ایران بدنیا می‌آیند، محکم قنداق می‌کنند. گاه نیز فقط پاها را در قنداق می‌گذارند. در دهات، دستها را نیز می‌بندند. دو تا از دختران ما که سالهای ۱۹٦٥ و ۱۹۷۰ در ایران بدنیا آمدند، وقتی در زایشگاه بودند، پاها و دستهایشان را بسته بودند.

ه) چوپانان (لوقا ۲: ۸-۲۰)

چوپانان در ایران کمترین دستمزد را دریافت می‌دارند. ایشان اغلب گوسفندان و بزهای متعلق به دیگران را چوپانی می‌کنند و اکثراً فقیرند. اما خدا چنین صلاح دید که خبر خوش تولد نجات‌دهنده را به چوپانان بدهد. شاید ایشان از دیدن اینکه عیسای نوزاد در یك اصطبل بدنیا آمده، احساس راحتی کردند. عیسی برای تمامی طبقات انسانها ولادت یافته بود.

و) نامگذاری عیسی در روز هشتم (لوقا ۲: ۲۱؛ ر.ش. ۱: ۵۹-٦٥)

در ایران گاه کودك را چندین روز بعد، مثلاً در روز هشتم، نامگذاری می‌کنند. یحیای تعمیددهنده نیز در روز هشتم نامگذاری شد. یك بار از یك دوست ایرانی پرسیدم که چرا چنین می‌کنند. پاسخ داد که بسیاری از کودکان در نوزادی می میرند، پس چرا باید یك نام خوب را هدر داد! بگذار چند روز بگذرد و مطمئن شویم که بچه زنده می‌ماند و بعد اسمی روی او می‌گذاریم. درضمن، نام عیسی معنایی داشت: نجات‌دهنده. در ایران تقریباً همه نامها معنایی دارند.

ز) مجوسیان (متی ۲: ۱-۱۲)

۱- مجوسیان یا ستارشناسان که بودند؟ مجوس کلمه‌ای است یونانی و از واژه‌ای فارسی آمده که به طبقه‌ای از مردان دانا اشاره داشت که در ستارشناسی، طب، و علوم طبیعی تخصص داشتند. در روزگار عیسی، دین زرتشت مذهب ملی ایرانیان بود و تأکید زیادی بر مطالعه آسمان می‌شد.

۲- مجوسیان از کجا آمدند؟ کتاب‌مقدس می‌گوید که ایشان از مشرق آمدند. کشورهای امروزی اردن، عراق، سوریه، و ایران در شرق اورشلیم واقع می‌باشند. در ایران سه شهر ادعا دارند که مجوسیان از آنجا بوده‌اند، یعنی ساوه، همدان، و اورمیه.
۳- آنان چگونه دانستند که آن ستاره یك نشانه است؟ دلایل مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. ممکن است ایشان کنجکاو بودند که بدانند معنای آن ستاره چیست، اما چه کسی می‌توانست فقط از روی کنجکاوی به چنین سفری طولانی دست بزند؟ شاید خدا در حاکمیت خود این امر را بر آنان مکشوف ساخت تا غیریهودیان نیز ولادت نجات‌دهنده را تصدیق کنند. شاید ایشان بر اساس شهادت یهودیان پراکنده که پس از بازگشت بقیه از اسارت بابل، در ایران باقی مانده بودند، مطالبی در باره ستاره شنیده بودند. این یهودیان شاید در مورد امیدشان به مسیحا با آنان سخت گفته بودند، بخصوص از نبوت‌های دانیال، نظیر دانیال ۹ که تاریخ تقریبی ظهور و مرگ مسیحای موعود را ارائه می‌دهد یا نبوتی نظیر داوران ۲٤: ۱۷ که می‌فرماید: "ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل خواهد بر خاست."

٤- چرا هیرودیس از آمدن مجوسیان پریشان‌حال شد؟ بدیهی است که او وقتی شنید که ایشان بدنبال پادشاه یهود می‌گردند، ترسان گردید. آیا فکر کردید که او ممکن است در باره اتحادی سیاسی با حکومت‌های ارمنستان و امپراطوری پارس که هممرز با امپراطوری روم بودند، می‌اندیشید؟

٥- آیا به عمل "فروتنانه" مجوسیان فکر کرده بودید؟ فقط تجسم کنید که این مردان برجسته، پس از آنکه هدایایشان را تقدیم کردند، نوزادی را از ملیتی متفاوت در خانه‌ای محقر پرستش کردند! آیا شما وقت و پول و عطایای روحانی خود را برای خدمت و پرستش خداوندمان عیسی مسیح وقف کرده‌اید؟ متی ۲: ۱۱ می‌فرماید که مجوسیان به خانه‌ای در آمدند که یوسف قاعدتاً پس از ولادت عیسی در اصطبل کرایه کرده بود. یوسف برای تأمین معاش، احتمالاً به کار نجاری خود مشغول شد. بعضی بر این عقیده‌اند که در این زمان، عیسی می‌بایست حدود دو ساله بوده باشد، زیرا هیرودیس پادشاه دستور داد که تمام اطفال کمتر از دو ساله را به‌قتل برسانند. خانه ایشان چقدر بزرگ بود؟ در سرشماری سال ۱۹۷٥، ٤۰% مردم تهران هنوز در یك اتاق زندگی می‌کردند، ۳۰% در دو اتاق، و ۳۰ درصد در سه اتاق یا بیشتر.

ح) کاربرد شخصی

۱- به زیبایی کریسمس و منحصربفرد بودن آن بیندیشید: سرشماری رومی، اصطبل، چوپانان، ولادت از باکره، فقر، مجوسیان. چنین چیزی قطعاً از سوی خدا رخ داده، زیرا انسان هرگز نمی‌تواند چنین داستانی ابداع کند! ۲

۲- آیا شما در باره کریسمس فقط از اطلاعات برخوردارید؟ آیا عیسی مسیح را به‌عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفته‌اید؟ کلمه "عیسی" یعنی نجات‌دهنده. این نام را خدا به او داد چرا که می‌خواست قوم خود را از گناهانشان نجات بخشد.

فصل ۱٤

حضور گروههای مسیحی در ایران
از سال ۳۰ میلادی تا به امروز

در فصل ۱۰ تحت عنوان "اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی در آسیا"، به نخستین کلیسایی اشاره کردیم که توسط یهودیان ایران که عیسی مسیح را به‌عنوان مسیحای موعود پذیرفته بودند و بعد از عید پنطیکاست به ایران بازگشته بودند، تشکیل شد. در روز پنطیکاست، پطرس رسول موعظه کرد و از عهدعتیق نمونه‌های بسیاری آورد که ظهور مسیحا را وعده می‌داد. او در خاتمه بیاناتش فرمود: "'پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است.' چون شنیدند دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: 'ای برادران، چه کنیم؟'" گرچه کلیسای ایران از فراز و نشیبهای فراوان گذشته است، بااینحال هنوز ۳۵,۰۰۰ آسوری (یا آشوری) در ایران زندگی می‌کنند که اصل خود را به مسیحیت اولیه ایران می‌رسانند.

امروزه، بزرگترین گروه مسیحیان ایران را ارمنیها تشکیل می‌دهند که شمارشان حدود ۱۹۰,۰۰۰ نفر است. ارمنیها یك گروه قومی ایران هستند. (دوستان غربی ما نباید آنها را با Arminianها که پیروان هاکوپوس آرمینیوس (۱۵٦۰-۱٦۰۹) می‌باشند اشتباه کنند؛ آرمینیوس یك عالم الهی بود که در اروپا با بعضی از تعالیم کالوَن مخالفت کرد.)

الف) ارمنیان

نام خانوادگی ارمنیان معمولاً با "یان" ختم می‌شود. اصل و نسب ایشان به سرزمین ارمنستان باز می‌گردد که منطقه‌ای است میان دریای سیاه و دریای خزر. قبلاً ارمنستان یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی بود، اما امروزه کشوری است مستقل. ارمنستان نخستین حکومتی بود که مسیحیت را رسماً به‌عنوان دین دولتی پذیرفت.

از همان قرن اول میلادی، در ارمنستان شهادت مسیحی نیرومندی وجود داشت. کسی که او را گریگوری نوربخش می‌خواندند و از خانواده سلطنتی بود، پس از آنکه به مسیحیت گروید، پادشاه تیرداد را فرا خواند تا این دین را بپذیرد (حدود ۳۰۰ میلادی). از آن زمان به بعد، پادشاه و نجبا مسیحیت را حمیات کردند. بتخانه‌ها به کلیسا تبدیل شد و مردم "بصورت گروهی" به دین جدید گرویدند. بعضی این را "حرکت مردم" می‌خوانند. هارولد کوك در کتاب خود به‌نام "الگوهای تاریخی رشد کلیسا" (Historical Patterns of Church Growth)، از انتشارات Moody Press این حرکت را یکی از پنج "حرکت مردم" از میان مهمترین حرکت‌ها در سراسر تاریخ کلیسا دانسته که طی آن، تمام گروههای مردم مسیحی شدند. در حدود سال ٤۰۰ میلادی، کتاب‌مقدس به زبان ارمنی ترجمه شد.

اکنون بیش از ۱۷۰۰ سال پس از آن رویداد، ارمنیها هنوز معترف به مسیحیت می‌باشند. اما بخش عمده مسیحیت آنان متمرکز است بر ملی‌گرایی ارمنی آمیخته با پذیرش

صوری اعتقادات مسیحی. چنین گرایش سریع و جمعی توده مردم در طول مدتی کوتاه، می‌بایست امری سطحی بوده باشد، اما معتقدات و آداب و رسوم مسیحی آهسته در میان مردم ارمنی قوام یافت.

ارمنستان که میان امپراطوریهای ایران و روم قرار داشت، در هر مقطع زمانی در دست یکی از این دو قدرت قرار می‌گرفت. تلاش ارمنیها معطوف بود بر حفظ هویت ملی خود، نتیجتاً فعالیت تبشیری چندانی نداشتند. سرزمین آنان بعدها به تصرف ترکان و مغولان در آمد و مورد حمله نیروهای مختلف اسلامی قرار گرفت.

در سال ۱٦۰٤، شاه عباس، پادشاه ایران، که بر ارمنستان نیز فرمان می‌راند، توده‌های ارمنیان را واداشت تا سرزمین خود را ترك گفته، به داخل ایران کوچ کنند. حدود ۱۲۰,۰۰۰ نفر ایشان در اطراف دریای خزر و در حوالی تبریز اسکان یافتند. حدود ۷۵,۰۰۰ نفر نیز در جنوب زاینده رود در نزدیکی اصفهان اسکان داده شدند. آنان محلی بنا کردند به‌نام جلفای نو که هنوز نیز منطقه ارمنی‌نشین اصفهان می‌باشد. در میان ارمنیان، صنعتگران و بازرگانان زبده‌ای بودند، و به همین سبب شاه عباس مایل بود که ایشان در قلمرو فرمانروایی‌اش باشند.

مطابق کتاب "مسیحیان در ایران" (Christians In Persia)، در سال ۱٦۲۹ شاه عباس اعلام داشت که هر فرد مسیحی که مسلمان شود، حق دارد مایملك خویشان خود را تا چهار نسل قبل متصرف شود. بسیاری از مسیحیان ترك دین کردند (به گفته‌ای ۵۰,۰۰۰ نفر)، اما تعداد اندکی از ایشان ارمنی بودند. اما آزارها یکی پس از دیگری بر کلیسای ارمنی وارد می‌آمد.

آخرین آزار عظیم ارمنیان در طول جنگ جهانی اول در شمال غربی ایران رخ داد، در منطقه‌ای که ارمنیها و آسوریها میان نیروهای روس و ترك گیر افتاده بودند. ترکها و کردهای مسلمان صدها هزار از مسیحیان را قتل عام کردند. بسیاری از ایشان از آنجا به مرکز و جنوب ایران پناه آوردند.

امروزه حدود ۳,۳۷۸,۰۰۰ ارمنی در ارمنستان زندگی می‌کنند. این کشور قبلاً جزو اتحاد شوروی بود. ارمنیان سالخورده که در ایران و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند، آرزو دارند که در سرزمین نیاکان خود چهره در نقاب خاك فرو کشند. پاتریارخ کلیسای ارتودکس ارمنی (یا کلیسای گریگوری) در ارمنستان زندگی می‌کند.

ب) تاریخ فعالیت‌های میسیونری و تبشیری در ایران پیش از سده ۲۰

۱- کاتولیکها

کلیسای کاتولیك نخستین کلیسایی بود که میسیونرهایی برای خدمت به جوامع مسیحیان ارمنی و آسوری به ایران گسیل داشت، چرا که با آنان از نطر عقیدتی و تشکیلاتی تشابهاتی داشت. این کلیساهای شرقی همواره با کلیسای روم در تماس بودند و در حدود ۱۳۰۰ میلادی اقلیتی از میان ایشان به روم اعلام وفاداری کردند. در طول سالهای ۱٦۰۰ فعالیت‌های میسیونری بار دیگر احیا گشت. امروزه از میان ۱۶۰,۰۰۰ ارمنی ایران اکثراً هنوز وابسته به

کلیسای ارمنی هستند که کلیسای گریگوری نامیده می‌شود، اما حدود ۲۰۰۰ نفر عضو کلیسای کاتولیك ارمنی می‌باشند.

کاتولیکها در فعالیت خود در میان آسوریها توفیق بیشتری یافتند. کلیسای شرق آشور حدود ۱۳,۵۰۰ خانواده عضو دارد، و کلیسای کاتولیك آشوری حدود ۱۴,۰۰۰ نفر عضو.

۲- کلیسای انگلیکن

هِنری مارتین، کشیش جوان و خداترس اَنگلیکَن، در اوائل سالهای ۱۸۰۰ از انگلستان به هندوستان سفر کرد. در طول اقامت خود در آنجا، به کار ترجمه کتاب‌مقدس به برخی از زبانها، از جمله فارسی همت گماشت. بعدها به شیراز آمد تا کار ترجمه عهدجدید به فارسی را تکمیل کند؛ او نسخه‌ای از ترجمه خود را در سال ۱۸۱۱ به فتحعلی‌شاه تقدیم کرد. مارتین در راه خود به انگلستان، در ترکیه در گذشت، در حالیکه در اوائل سی سالگی بود. او شعار خود را تحقق بخشید که می‌گفت "بگذارید برای خدا بسوزم."

کلیسای انگلیکن در بخشهای جنوبی ایران، خاصه در شهرهایی نظیر اصفهان، شیراز، کرمان، و اهواز خدمت کرد. میسیونرهای این کلیسا به مسلمانان و یهودیان بشارت می‌دادند. کلیسای انگلیکن در ایران وابسته است به شورای کلیساهای خاورمیانه و به‌واسطه وابستگی‌اش به انگلیکن‌ها، عضو شورای جهانی کلیساها می‌باشد.

۳- کلیسای پرزبیتری

نخستین میسیونرهای هیأت مرسلین آمریکایی (کلیساهای پرزبیتری و مشایخی) در سال ۱۸۳۲ به ایران آمدند. در آغاز در میان آسوریان در اورمیه کار می‌کردند به این امید که در میان این مسیحیان، یك بیداری پدید آورند. اما وقتی بعضی از این مسیحیانِ صوری بیدار شدند و تولد تازه یافتند، مجبور شدند کلیسای باستانی خود را ترك گویند. نتیجتاً "کلیسای انجیلی" در سال ۱۸۵۵ پا به عرصه وجود گذارد. پرزبیتریها فعالیت خود را محدود کردند به بخشهای شمالی ایران، در شهرهایی نظیر تبریز، اورمیه، تهران، همدان، کرمانشاه، رشت و مشهد.

در سال ۱۹۷۸، هجده کلیسا و ۱۲ خادم دستگذاری‌شده و ۲٫۸۹۷ عضو در شورای کلیساهای پرزبیتری ایران وجود داشت که از آنها ۵۵% آسوری، ۲۱% ارمنی، و ٢٤% یهودی و مسلمانِ مسیحی‌شده بودند. در آغاز، پرزبیتریها بر حسب مناطق جغرافیایی تشکل یافتند، اما اخیراً بر حسب گروههای زبانی تجدید سازمان شده‌اند. همچنین پرزبیتریها مدارس مختلفی احداث کردند که بعدها دولتی شد. این کلیسا عضو شورای جهانی کلیساها، و اتحادیه جهانی کلیساهای اصلاح‌شده، و شورای کلیساهای خاورمیانه می‌باشد.

٤- سایر فعالیت‌های بشارتی در ایران

برای آنکه فقط اشاره‌ای گذرا به سایر فعالیت‌های تبشیری در ایران کرده باشم، مایلم از دکتر سعید خان کردستانی یاد کنم. او در سال ۱۸٦۳ چشم به جهان گشود و طبیبی بود از زمینه کردی که مسیح را در ایران پذیرفت و سپس برای تحصیلات بیشتر خصوصاً در رشته بهداشت چشم عازم اروپا شد، و بعد به وطن باز گشت. او تا زمان درگذشت خود در سال ۱۹٤۲، مسیح را وفادارانه خدمت کرد. شهادت او به تمام ایرانیان و نیز زندگی خداپسندانه او را همه می‌دانند. داستان زندگی او در کتابی به‌نام "طبیب محبوب" به فارسی و انگلیسی نوشته

شده است. برای تهیه آن می‌توانید با www.farsinet.com/ici یا www.persianwo.org تماس بگیرید.

گروههای مختلف کَریزماتیك از سوئد و ایالات متحده در ایران خدمت کرده‌اند. کلیساهای جماعت ربانی در بسیاری از شهرهای بزرگ ایران با اسقفان و شبانانشان وجود دارد. در سالهای اخیر، چندین تن از رهبران آنان در راه خداوند ما عیسی مسیح به شهادت رسیده‌اند.

سایر انجمنهای بین‌الفرقه‌ای نظیر
Campus Crusade ، International Missions ، Child Evangelism ، Operation Mobilization، و برخی دیگر، وفادارانه در طول سالها در ایران خدمت کرده‌اند. هیأت Southern Baptists در ایران پیش از انقلاب اسلامی عمدتاً در میان خارجیان انگلیسی‌زبان خدمت می‌کرد. از اوائل سالهای ۱۸۰۰ فعالیت بشارتی چشمگیری در میان یهودیان ایران صورت گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر، می‌توانید به کتاب "تاریخ مسیحیان در ایران" نوشته خانم پاکیزگی مراجعه کنید.

ج) تاریخ ترجمه‌های کتاب‌مقدس به فارسی

در خصوص اطلاعات زیر، من عمیقاً مدیون دکتر کِنِت تامس و مقاله‌اش تحت عنوان "تاریخ ترجمه کتاب‌مقدس به فارسی"
(History of the Persian Translation of the Bible)،
منتشره در Encyclopedia Iranica می‌باشم. این مقاله فهرستی از ترجمه‌های تهیه شده در ایران از قرن چهارم تا زمان حال را ارائه می‌دهد.

به‌عنوان مثال، در قرن چهارم یعنی در سال ۳۹۱، یکی از رهبران مسیحی به‌نام یوحنای زرین‌دهان چنین نوشته است: "تعالیم مسیح به زبانهای سریانیها، مصریها، هندیها، پارسیها، و حبشیها ترجمه شده است." همچنین در اوائل قرن پنجم، مزامیر ۹۴-۹۹ و مزامیز ۱۱۹-۱۳۶ از سریانی به فارسی میانه به خط پهلوی ترجمه شده است.

مقاله دکتر تامس فهرستی مبسوط از ترجمه‌های مختلف را که در طول قرون تهیه شده، ارائه می‌دهد. برای مثال، در سال ۱۸۱۱، عهدجدید توسط هنری مارتین، کشیش کمپانی هند شرقی، به کمك میرزا سید علی خان شیرازی ترجمه شد و از سوی انجمن کتاب‌مقدس روسیه در سال ۱۸۱٤ در سنت پترزبورگ انتشار یافت. در حال حاضر، ترجمه‌های زیر در ایران مورد استفاده می‌باشد:

۱- ترجمه قدیمی فارسی که از عبری و یونانی ترجمه شده بود، در سال ۱۸۹٥ از سوی انجمن کتاب‌مقدس بریتانیا و خارج منتشر گردید. اخیراً در سال ۱۹۹٦، مؤسسه ایلام چاپ جدیدی از همین ترجمه را با حروفچینی جدید منتشر نموده است. در این چاپ، اشکالات قدیمی نظیر استفاده از حرف ك بجای گ اصلاح شده است. در آن، علائم نقطه‌گذاری، عناوین بخشها، و ارجاعات آیه‌ها نیز گنجانده شده است.
۲- در سال ۱۹۷٦، ترجمه "مژده برای عصر جدید" از متن یونانی به فارسی ترجمه شد. این ترجمه از سوی انجمن کتاب‌مقدس ایران انتشار یافت.
۳- با استفاده از نسخ یونانی و عبری، در سال ۱۹۷۹ ترجمه تفسیری عهدجدید، و در سال ۱۹۹٥، ترجمه تفسیری تمام کتاب‌مقدس از سوی انجمن بین‌المللی کتاب‌مقدس منتشر شد.

فصل ۱۵

آزار در راه مسیح در ایران: گذشته و حال

جفا- آزار فیزیکی، نه، این برای من نیست! بااینحال این آیه را بخوانید: "زیرا که به شما عطا شد به‌خاطر مسیح، نه فقط ایمان آوردن به او، بلکه زحمت کشیدن هم برای او" (فیلیپیان ۱: ۲۹). رنج و زحمت برای کلیسای فارسی‌زبان در ایران، بخشی از زندگی عادی روحانی ایمانداران می‌باشد. درست است که آنانی که در دنیای غرب زندگی می‌کنند، ممکن است گاه بخاطر ایمانشان با الفاظ مورد آزار قرار گیرند، این در مقابل زحماتِ لفظی و فیزیکی و حتی شهادت که ایمانداران در سایر نقاط جهان متحمل می‌شوند، هیچ است.

الف) این است شهادت کتاب‌مقدس!

عیسی در خوشابحال‌ها فرمود: "خوشحال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند و بخاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همینطور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند" (متی ۵: ۱۱ و ۱۲).

عبرانیان فصل ۱۱، به فصل ایمان مشهور است و می‌گوید که هابیل و خنوخ و نوح و ابراهیم و موسی و سایرین، به‌هنگام خدمت به خدا و وقتی که او ایشان را رهایی می‌داد، شاهد معجزات او بودند. اما آیا تابحال به دنباله فصل که از آیه ۳۵ آغاز می‌شود، توجه کرده بودید؟ می‌فرماید: "لکن دیگران معذب شدند و خلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتر برسند. و دیگران از استهزاها و تازیانه‌ها، بلکه از بندها و زندان آزموده شدند. سنگسار گردیدند و با اره دوپاره گشتند. تجربه کرده شدند و به شمشیر مقتول گشتند. در پوستهای گوسفندان و بزها محتاج و مظلوم و ذلیل و آواره شدند. آنانی که جهان لایق ایشان نبود، در صحراها و کوهها و مغاره‌ها و شکافهای پراکنده گشتند" (عبرانیان ۱۱: ۳۵-۳۸).

چرا خدا اجازه می‌دهد چنین آزارهایی صورت گیرد؟ کلیسایی زنده همچون کلیسای ایران اغلب به‌واسطه آزارهای سخت پاك شده است. آنگاه که مسیحیان تا به سر حد شهادت زحمت می‌بینند، خدا از این امر استفاده کرده، دیگران را بسوی نور خود رهنمون می‌شود. افرادی در عهدعتیق که به شهادت رسیدند، شامل هابیل (پیدایش ٤: ۸) و زکریا (دوم تواریخ ۲۰: ۲۲، متی ۲۳: ۳۵) می‌گردد. اگر به عهدجدید بنگریم، سنگسار شدن استیفان را می‌بینیم (اعمال ۷: ۵۷-٦۰). پطرس به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز به‌دست فرشته از زندان رهایی یافت (اعمال فصل ۱۲). اما در همان فصل، یعقوب برادر یوحنا را می‌بینیم که به‌دست هیرودیس پادشاه به‌قتل می‌رسد. اراده خدا در مورد هر دو آنان جامه عمل پوشید. مکاشفه ۷: ۹-۱٤ می‌فرماید که انبوهی از مردم از هر ملت و قبیله و نژاد و زبان از مصیبتی عظیم بیرون می‌آمدند و جامه‌های سفید خود را با خون بره شستشو نموده بودند.

ب) آزار بر ایمانداران ایرانی در کلیسای اولیه

رابین واترفیلد در کتابش به‌نام "مسیحیان در ایران" در صفحات ۱۹ و ۲۱ نمونه‌ای زحمات و جفاهای ایرانیان در طول سده‌های نخستین ارائه می‌دهد.
"در سال ۳٤۰، شاپور، پادشاه ایران، به اطلاع رهبران کلیسا رساند که باید مالیاتی از مسیحیان جمع‌آوری کنند و آن را به دولت بپردازند." چون شمعون، رهبر مسیحیت از این کار سر باز زد، "او را به دربار احضار کردند و فرصت دیگری دادند تا این وظیفه را قبول کند. او باز از این کار خودداری کرد و گفت: 'من مأمور جمع‌آوری مالیات نیستم، بلکه شبان گله خداوندم.' در روز جمعه‌الصلیب روز ۱۷ آوریل ۳٤۱ میلادی، او به‌همراه یکصد مسیحی دیگر، از جمله تعداد زیادی کشیش و راهب و راهبه، به قتل رسیدند. دوره طولانی شهادت در کلیسای ایران آغاز گشت. این شهادت‌ها حدود چهل سال طول کشید و به‌ندرت دوره‌های آرامش روی می‌نمود و مسیحیان از زحمات را در نهایت بردباری متحمل شدند."

واترفیلد می‌نویسد که در سال ٤٤۰، در دوره سلطنت یزدگرد دوم، "در روزهای ۲٤ و ۲۵ اوت سال ٤٤٦ میلادی، مسیحیان از ایالات مختلف، شامل اسقفان و کشیشان برجسته، و بسیاری از اعضای خانواده‌های متشخص را در کرکه (کرکوك امروزی) گرد آوردند و به قتل رساندند. آنگونه که زنی مسیحی به‌نام شیرین و دو پسرش به استقبال مرگ شتافتند، چنان بر مأمور اجرای حکم اثر گذاشت که او نیز معترف به ایمان مسیحی گردید و خودش نیز در ۲۵ سپتامبر به صلیب کشیده شد. سال بعد، شاهد اعدام شهید مشهور، پتیون، می‌باشیم که در مناطق غربی ایران، مبشر برجسته‌ای بود. او در میان خانواده‌های متنفذِ منطقه پیروان بسیاری داشت، از جمله یکی از نظامیان برجسته و رئیس پلیسِ شاهین. مآلاً او را به زندان انداختند و پس از چند روز شکنجه، گردن زدند و سرش را بر سر راه شاهی در نزدیکی خُلوان به نمایش گذاردند. این جفاها به یهودیان و ارمنیان نیز سرایت کرد و صدمات چنان سخت شد که مسیحیان هنوز نیز آن را به یاد می‌آورند. جامعه مسیحیت کرکوك هنوز نیز سال به سال گرد می‌آیند تا یاد ایمان و دلیری گذشتگان شهید خود را گرامی بدارند."

ج) آیا مسیحیان ایرانی امروز نیز تحت آزار هستند؟

متأسفانه آزار و جفا شدید و سخت است. برخی از رهبران کلیسا در ایران بخاطر ایمان خود به عیسی مسیح به شهادت رسیده‌اند. کشیش حسین سودمند، شبان کلیسای جماعت ربانی در مشهد، مورد شکنجه و آزار قرار گرفت و در روز سوم دسامبر سال ۱۹۹۰ به‌دار آویخته شد. اسقف هایك هوسپیان‌مهر، ناظر شورای کلیساهای جماعت ربانی و نخستین رئیس شورای کلیساهای پروتستان در ایران، در روز ۱۹ ژانویه ۱۹۹٤، درست چند روز پس از دفاع از ایمانداری به‌نام مهدی دیباج، ناپدید شد، و پیکرش چند هفته بعد پیدا شد. پسر اسقف دهقانی از کلیسای انگلیکن نیز به قتل رسید. طاطه‌ؤس میکائیلیان، رئیس اسبق انجمن کتاب‌مقدس ایران و رئیس بعدی شورای کلیساهای پروتستان نیز در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹٤ ناپدید گشت. پیکر او نیز چند روز بعد پیدا شد.

اگر مایلید اطلاعات بیشتری در این زمینه بدست آورید، می‌توانید به کتاب "تاریخ کلیسای مسیح" نوشته خانم پاکیزگی، یا به سایت www.farsinet.com/dibaj مراجعه بفرمایید. انجمنهای زیر نیز می‌توانند اطلاعات مبسوطی در اختیارتان قرار دهند:
Voice of Martyrs, PO Box 443 Bartlesville, OK 74005, USA. Tel: +1-918- 337 80 15
www.persecution.comWorld Evangelical Defender, PO Box WEF Wheaton, IL 60189, USA. Tel: +1-630 668 0440 www.worldevangelical.org

د) شهادت‌نامه مهدی دیباج

مهدی دیباج، مبشر ایرانی نیز در سال ۱۹۹٤ به شهادت رسید. من و خانواده‌ام او و همسرش را شخصاً می‌شناختیم. ایشان شب اول ماه عسل خود را در خانه ما گذراندند. بعدها از ما دعوت کردند که به دیدارشان در شمال ایران برویم و به ایشان درس کتاب‌مقدس بدهیم. البته این دیباج بود که می‌بایست به من درس بدهد چرا که او عشقی عمیق به خداوند عیسی مسیح داشت و از دانشی عمیق از کتاب‌مقدس برخوردار بود
.

آیا دوست دارید در یك سلول انفرادی ۱ متر در ۱ متر در حبس باشید؟ در سال ۱۹۸۵، اتهامی کاذب بر دیباج وارد آمد و او مدت ۸ سال در زندان بسر برد، که ۳ سالِ آن در چنین سلول انفرادی بود. جرم او ارتداد بود، یعنی ترك دین اسلام وگرویدن به مسیحیت. شما چگونه مسیحی‌وار زندگی می‌کنید؟ آیا دلایل کافی وجود دارد که شما را متهم به مسیحی بودن بکند؟ مهدی در جلسه دادگاهِ خود در ساری، در ۳ دسامبر ۱۹۹۳، وکیل مدافع خودش بود. در اینجا بخشهایی از دفاعیه مسیحی پرافتخار او را نقل می‌کنیم:

"من متهم به ارتداد شده‌ام. خدای نادیده که دلهای ما را می‌بیند، به ما مسیحیان این اطمینان را داده است که ما از مرتدان نیستیم تا هلاك شویم، بلکه از ایماندارن تا جان خود را دریابیم. طبق شرع اسلام، مرتد کسی است که به خدا و انبیا و روز قیامت اعتقاد نداشته باشد. ما مسیحیان به هر سه اعتقاد داریم!

" می‌گویند: 'تو مسلمان بودی و مسیحی شده‌ای.' اینطور نیست. سالها بود که من دینی نداشتم. پس از سالها جستجو و تحقیق، دعوت خدا را پذیرفتم و به خداوند عیسی مسیح ایمان آوردم تا حیات جاوید را بدست آورم. مذهب را انسان انتخاب می‌کند اما شخص مسیحی را خدا انتخاب می‌کند. او فرموده: 'شما مرا بر نگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم...'

"محبت عیسی مسیح تمام وجود مرا پر ساخته و من گرمای محبت او را در تمام بخشهای وجودم احساس می‌کنم. خدا که جلال و افتخار و محافظ منست، مُهر تأئید خود را به‌واسطه برکات بیدریغ و معجزات خود بر من نهاده است.

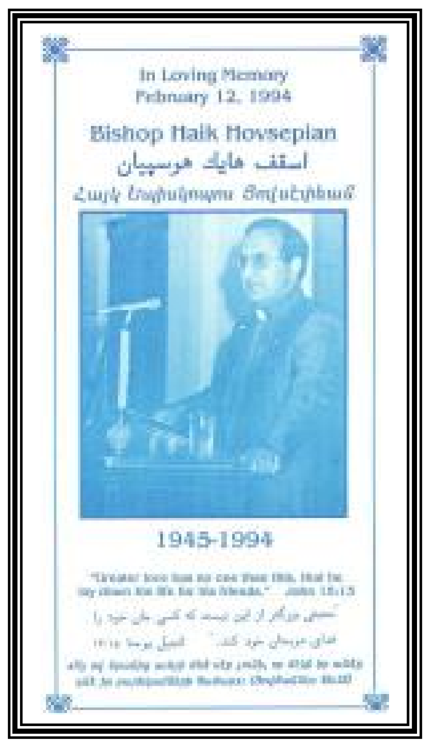
"این آزمایش ایمان، نمونه‌ای است بسیار روشن. خدای نیك و مهربان تمامی آنانی را که دوست می‌دارد، ملامت و تنبیه می‌کند. او ایشان را می‌آزماید تا برای آسمان آماده باشند. خدای دانیال که دوستان او را در کوره آتش مورد محافظت قرار داد، مرا در این مدتِ نه سال در زندان حفظ کرده است. و تمامی رویدادهای بد به خیریت و نفع ما تبدیل شده است، طوری که مالامال از شادی و سپاسگزاری هستم."

آری، مهدی دیباج متهم به ارتداد شد و از سوی دادگاه محکوم به اعدام گردید. اما افکار عمومی جهان در مورد عفو او سبب شد که حکمش موقتاً به‌تأخیر بیفتد. او را پس از تهدید، آزاد کردند. اما شش ماه بعد، دیباج ناپدید گشت و پیکرش را چند روز بعد پیدا کردند. عکس و نیز شهادت کامل او به انگلیسی و فارسی، و همچنین شهادت شفاهی که پس از آزادی موقتش از زندان بیان کرده، در سایت www.farsinet.com/dibaj موجود است.

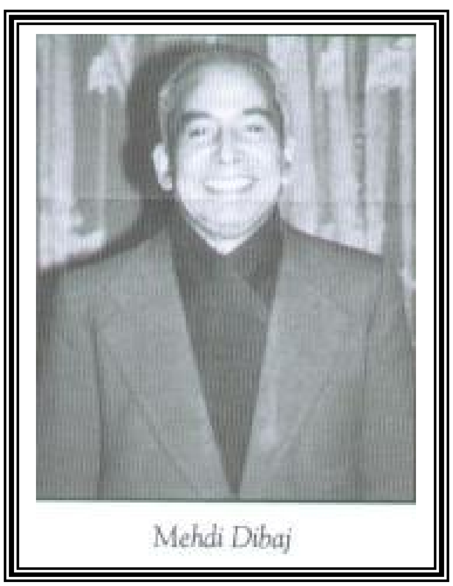
ه) کاربرد شخصی

خواننده عزیز، "آیا مایلید کاملا تسلیم عیسی مسیح بشوید؟" شاید سؤال مهمتر از آن، این باشد که "آیا مایلید برای خداوند عیسی زندگی کنید، آن هم در دنیایی متخاصم و شریر، و علناً محبت خود را نسبت به عیسی مسیح اعلام دارید و او را به هر قیمتی که شده، خدمت کنید؟" بعضی ممکن است بپرسند: "چرا مردم اصلاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، وقتی که می‌دانند ممکن است از خانواده طرد شوند و از سوی دولت خائن تلقی گردند، و تحت پیگرد مقامات مذهبی قرار گیرند و مورد اذیت و آزار واقع شده، و حتی کشته شوند؟" من پاسخ را از تجربه زیر آموختم.

در یك کنفرانس ایرانی کتاب‌مقدس در نزدیکی تورونتو در سال ۱۹۹۶، با یك ایرانی صحبت کردم که از ایران به پاکستان گریخته و مسیح را به‌عنوان یگانه راه نجات پذیرفته بود، و بعداً به کانادا مهاجرت کرده بود. این شخص در راه ایمانش زحمات بسیار دیده بود و می‌خواست علتش را به من نشان دهد. او به جمله‌ای از کتاب جان پایپر به‌نام "ملت‌ها شادی کنند" اشاره کرد و گفت: "شما نمی‌توانید ارزش یك شخص را با شادی بخاطر هدایاش نشان دهید. ناسپاسی قطعاً ثابت می‌کند که دهنده هدایا مورد محبت نیست. اما سپاسگزاری و قدردانی نیز به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که دهنده هدایا ارزشمند است. آنچه ثابت می‌کند که دهنده هدایا ارزشمند است، آمادگی عمیق قلبی برای واگذاشتن همه هدایا نزد خود او می‌باشد." برای این ایماندار ایرانی، شناخت شخصی بخشنده هدایا یعنی عیسی مسیح به‌عنوان پسر خدا، و نیز زندگی کردن در حضور مسیح، ارزش همه چیز را داشت، حتی ارزش آزار و اذیت و از دست دادن دوستان، خانواده، وسیله امرار معاش، و وطن. خواننده عزیز، "عیسی مسیح برای شما چقدر ارزش دارد؟"



اسقف هایک هوسپیان مهر



مهدی دیباج

فصل ۱٦

واکنش مشتاقانه ایرانیان به انجیل در عصر ما

اخیراً نامه‌ای از یك شبان ایرانی از استرالیا دریافت داشتم. می‌گفت که ایرانیان در میان گروههای مسلمان که در آنجا زندگی می‌کنند، بیش از همه نسبت به انجیل گشوده هستند و اینکه ده ایرانی مدتی پیش از آن در کلیسای فارسی‌زبان او تعمید یافته‌اند. این شبان در سال ۱۹۹۰ در ترکیه، در دوره پناهندگی‌اش، به مسیح ایمان آورد. استقبال ایرانیان از مسیحیت امری از جهانی. در سایت www.farsinet.com/icc/ فهرست بیش از ۵۰ مشارکت فارسی‌زبان با ۲۰ گروه مختلف در کالیفرنیا ذکر شده است و ۱٦ گروه دیگر نیز در سایر ایالات آمریکا و بسیاری دیگر در کانادا و اروپا و استرالیا و چند گروه نیز در سایر کشورها.

رویدادهای مخلتفی گواه بر این است که خدا چگونه در میان ایرانیان کار می‌کند. یکی از اینها را که در واشینگتن دی.سی. رخ داده، ذکر می‌کنم. خادمی که در میان ایرانیان این شهر خدمت می‌کند، در روزنامه خبری را خواند که می‌گفت چطور یك زن ایرانی در تصادف اتومبیل مجروح شده و دخترش را نیز طی آن از دست داده است. این خادم گرچه هیچ تماسی با آن خانم نداشت، بااینحال به اتفاق همسرش دعا کردند تا خدا به‌نحوی این تصادف را برای جلال خودش به‌کار گیرد. حدود ۸ ماه بعد، با کمال تعجب دیدند که این خانم وارد کلیسای فارسی‌زبان شد در حالیکه کتاب‌مقدسی در دست داشت و ایمان خود را به مسیح اعلان می‌داشت. آن تصادف باعث نومیدی او شده بود و هیچ راهی نیز پیش رو نداشت. در همان زمان، یکی از خویشانش در غرب آمریکا، کتاب‌مقدس را برای او می‌فرستد و می‌گوید که این کتاب یگانه منبعی است که در آن می‌تواند امید بیابد. خدا را شکر که از طریق خواندن کتاب‌مقدس، او شخصاً به عیسی مسیح توکل کرد و او را نجات‌دهنده زندگی خود ساخت. خدا او را هدایت کرد که یك برنامه تلویزیونی را که از سوی این کلیسا تهیه می‌شد ببیند، و در آن مشاهده کرد که در همان حوالی ایمانداران ایرانی دیگری نیز هستند. این خانم هنوز نیز به مسیح وفادار است.

یك دوست میسیونر که در پاییز سال ۲۰۰۰ به اروپا رفته بود، می‌خواست برادر یك ایماندار ایرانی مقیم آمریکا را ببیند که می‌دانست به مسیح ایمان آورده است. او با کمال تعجب دید که شخص مورد نظر همراه یك ایرانی دیگری است که همراه همسرش به مسیح ایمان آورده‌اند. این زن و شوهر از طریق تماس تلفنی با یك خانم ایماندار مقیم کانادا ایمان آورده بودند. این زوج نیز از طریق تلفن شاگردسازی شده بودند. این آقا که صاحب یك فروشگاه مواد غذایی ایرانی و صنایع دستی است، به مشتریانی که مایل باشند، جزواتی از کتاب‌مقدس اهداء می‌کند. این میسیونر و سایرین، با آن زوج دور یك میز نشستند و سرودهایی به زبان فارسی خواندند که آنان هرگز نشنیده بودند. اشکهای شادی از چشمانشان سرازیر شد و ایشان نیز در خواندن این سرودها شریك شدند. خدا قطعاً در میان ایرانیان کار می‌کند!

انجمن بین‌المللی ایرانیان مسیحی (Iranian Christians International) که هدفش خدمت به پناهجویان ایرانی است و از امور ایرانیان آگاهی دارد، تخمین می‌زند که پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۸، احتمالاً حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ ایرانی مسیحی از زمینه اسلام وجود داشت.

حال به رشد حیرت‌انگیز این رقم توجه کنید!

سال	تعداد ایمانداران از زمینه اسلام
۱۹۷۸	۲۰۰-۳۰۰ نفر
۱۹۹۰	۸۰۰۰ نفر
۱۹۹۴	۱۸۰۰۰ نفر
۱۹۹۹	۲۷۵۰۰ نفر
۲۰۰۳	۳۰۰۰۰ نفر

این تعداد شامل ایمانداران ایرانی مقیم ایران و نیز مقیم خارج از کشور می‌باشد. به‌علاوه، اگر شمار ایمانداران دارای تولد تازه از سایر اقلیت‌های قومی نظیر ارمنیها و آسوریان را به اینها بیفزاییم، ارقام فوق را باید دو برابر کرد. اما این فقط آغاز کار خدا در میان ۶۷,۷۰۲,۰۰۰ ایرانی طبق سرشماری سال ۲۰۰۰، و تعداد ۳,۹۱۲,۵۰۰ ایرانی پراکنده در سراسر جهان می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر، ر.ش. فصل ۱۸).

تذکر: گروههای مختلف قومی و تعداد آنان که در فهرست زیر آمده، تخمینی تقریبی است و منابع دیگر ممکن است آنها را بگونه‌ای متفاوت عرضه نمایند. برای مثال، "دائره‌المعارف مسیحیت جهانی" از انتشارات آکسفورد، ۲۰۰۱، تعداد گروههای را بطور متفاوت ثبت کرده و همچنین گروههای زبانی دیگری را نام برده و بعضی از آنها را در هم ادغام کرده است. اما آنچه که واقعاً مهم است، این است که این مردم از گروههای مختلف نیاز دارند که بشارت عیسی مسیح را به زبان خودشان بشنوند.

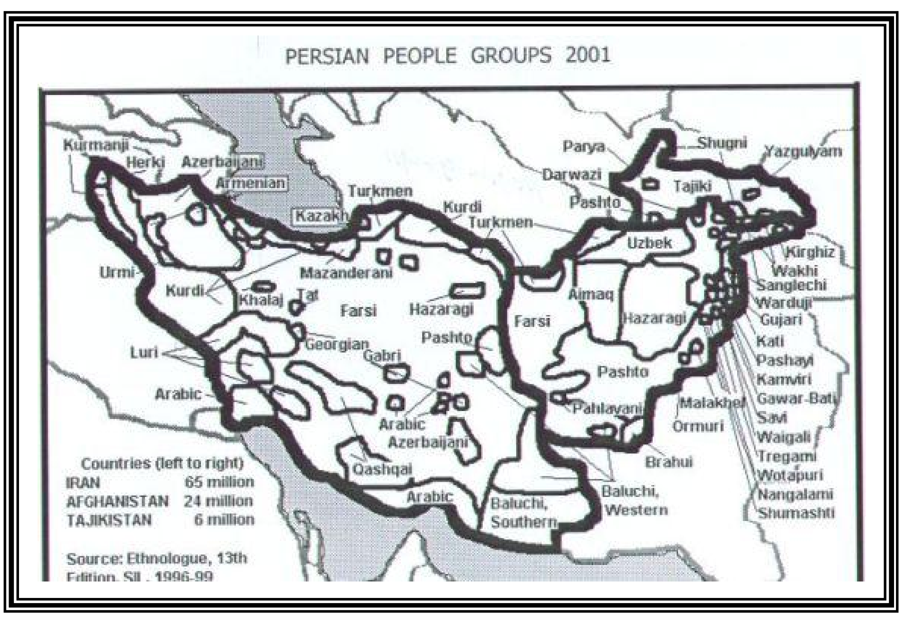
برنامه‌های رادیویی مسیحی از محل‌های مختلف برای ایران پخش می‌شوند. نامه‌های شنوندگان این برنامه‌ها اغلب بدست مسؤولین رادیو نمی‌رسد، زیرا نامه‌های ایشان تحت سانسور قرار گرفته، از بین می‌رود. بااینحال، علاقه‌ای که خصوصاً جوانان به این برنامه‌های رادیویی نشان می‌دهند، تکان‌دهنده است! همچنین، آموزشگاههای کتاب‌مقدس و امکانات دیگری برای ایرانیان در خارج از کشور وجود دارد تا ایشان تعلیم لازم را ببینند.

اما هنوز کارهای بسیاری وجود دارد که باید انجام داد! بعضی‌ها تصور می‌کنند که ایران فقط متشکل از یك گروه قومی است، یعنی ایرانیان فارسی‌زبان. این درست نیست. فارسی زبان تحصیلی ایران است، اما در ایران گروههای قومی مختلفی در ایران وجود دارد. در فهرست زیر گروههای قومی که جمعیتشان بیش از یکصد هزار نفر است، بر اساس برنامه دعای مذکور در سایت www.bethany.com/2003/unreachedpeoples.htm طبق برآورد سال ۲۰۰۰ مذکور آمده است:

نام	جمعیت	مسیحیان	کتاب‌مقدس	فیلم عیسی	رادیو	محل در ایران
لری	۵,۳۶۹,۵۰۰	چند نفر	قسمتی از عهد جدید	نه	نه	جنوب غربی
مازندرانی	۳,۱۹۸,۰۰۰	کمتر از ۱%	هیچ	نه	نه	شمال مرکزی
گیلکی	۲,۴۵۲,۳۰۰	کمتر از ۱%	قسمتی از عهد جدید	آری	نه	شمال مرکزی
عربهای ایران	۱,۰۸۸,۹۰۰	کمتر از ۱%	آری	آری	آری	جنوب
قشقایی	۱,۰۴۵,۰۰۰	چند نفر	قسمتی از عهد جدید	نه	آری	جنوب مرکزی
ترکهای خراسانی	۸۳۹,۵۰۰	چند نفر	هیچ	نه	نه	شمال شرقی
کردهای جنوبی	۷۴۶,۵۰۰	کمتر از ۱%	قسمتی از عهد جدید	آری	نه	شمال مرکزی
بلوچهای جنوبی	۵۸۸,۹۰۰	چند نفر	عهدجدید	آری	آری	جنوب شرقی
کردهای شمالی	۳۱۷,۸۰۰	کمتر از ۱%	عهدجدید	آری	نه	شمال غربی
تاتهای مسلمان	۱۷۹,۱۰۰	چند نفر	هیچ	نه	نه	شمال غربی

همه مردم در نظر خدا ارزشمندند، حتی یك نفر هم. بخاطر کمبود جا، از سایر گروههای قومی که جمعیتشان کمتر از یکصد هزار نفر است، فقط نام می‌برم: فارسهای افغانی، افشاری، آیماق جمشیدی، آیماق تیموری، کولیهای روم بالکان، بلوچهای غربی، براهوی، کولیهای دُم، گیلکی، گورانیهای گوجراتی، هزاره‌ای، هرکی، قاراقالپاك، کارینگانی، ترکهای خراسانی، پارسی، پشتونهای غربی، پنجابی، شیککی، تاجیك، طالشی، تاتهای مسلمان، اردو زبانان،و وافسی. چه کسی باید به فکر شرایط روحانی ایشان باشد؟

در حال حاضر، چندین طرح ترجمه در شرف انجام است تا ترجمه‌ای روشن و دقیق و امروزی تهیه گردد



کشورهای دیگر که بزبان فارسی صحبت می کنند

تذكر: کتاب‌مقدس، فیلم عیسی، و ۱۸ ساعت برنامه هفتگی رادیو به زبان فارسی موجود است. برای اکثر مردم ایران، فارسی زبان دومشان است که به آن تحصیل کرده‌اند، اما آنچه با قلب و روحشان صحبت می‌کند، زبان مادری‌شان می‌باشد. تلاشهایی در حال انجام است تا کتاب‌مقدس و فیلم عیسی به بسیاری از این زبانها ترجمه شود و همچنین برنامه‌های رادیویی برای این مردمان تهیه گردد.

ذیلاً نامه‌ای را محض نمونه از میان هزاران نامه شنوندگان برنامه‌های رادیویی نقل قول می‌کنیم:

"سلام‌های گرم و صادقانه مرا بپذیرید. امیدوارم که روز بازگشت یگانه نجات‌دهنده این دنیای شرارت‌بار، یعنی خداوند عیسی مسیح هر چه زودتر فرا برسد. آرزویم این است که بتوانم همه شما را که مرا در رشد ایمانم کمك کردید، ببینم. نامه شما و پاسخ سؤالاتم را دریافت کردم. نمی‌دانید که چقدر خوشحال شدم. خدا را برای وجودتان شکر می‌کنم... با راهنماییهای شما، من در طریق رستگاری قدم بر می‌دارم و امیدوارم رابطه‌مان همیشه ادامه بیابد."

من به دوستان ایرانی‌ام شوخی‌کنان می‌گویم: "به کسی که به دو زبان صحبت می‌کند، چه می‌گویند؟" در جواب می‌گویند: "فلان شخص دو زبانه است." بعد می‌پرسم: "به کسی که به سه زبان صحبت می‌کند، چه می‌گویند؟" دوستان پس از اندکی تفکر می‌گویند: "طرف سه‌زبانه است." بعد می‌پرسم: "اگر کسی فقط يك زبان بلد باشد، به او چه می‌گویند؟" طرف یا می‌گوید تك‌زبانه یا می‌گوید نمی‌دانم. من در جواب می‌گویم که طرف حتماً آمریکایی است!

حتماً همه می‌خندند چرا که در آمریکا اکثر مردم فکر می‌کنند که انگلیسی تنها زبانی است که انسان باید بداند. فقط کسانی که از کشورهای دیگر آمده‌اند، دو یا سه یا چهار یا پنج زبان می‌دانند و همه را هم بخوبی صحبت می‌کنند. این امکان وجود دارد که انسان بشارت عیسی را به زبانی به‌غیر از زبان مادری خود بشنود و عیسی را به‌عنوان یگانه راه رستگاری بپذیرد. اما معمولاً زبان مادری زبان احساسات و درك روحانی انسان است. آیا نباید هر شخصی در دنیا، خاصه در ایران، این امکان را داشته باشد که بشارت عیسی را به زبان مادری خود بشنود؟ شاید خدا بتواند از آگاهی شما از زبانهای دیگر علاوه بر فارسی استفاده کند تا در مورد خداوند عیسی مسیح شهادت دهید.

خواننده گرامی، از شما دعوت می‌کنم تا از خدا بخواهید که بار یکی از این گروهها را در قلب شما قرار دهد. به سایتی که در این فصل ارائه دادیم مراجعه کنید یا از دوستی بخواهید که این کار را برایتان انجام دهد. در آنجا می‌توانید عکسی از مردم این گروه و درخواستهای دعا و اطلاعات بیشتری دریافت دارید. آنگاه برای نجاتشان بطور مرتب دعا کنید. شاید بعدها اشخاص و کلیساها و حتی میسیونرهایی را بیابید که برای همین گروه قومی در قلب خود بار دارند.

فصل ۱۷

چگونه می‌توانم به دوستان ایرانی‌ام شهادت دهم؟

مطمئن نبودم که این فصل را در ترجمه فارسی این کتاب قرار دهم یا نه. اما از آنجا که بسیاری از شما دوستان انگلیسی‌زبان دارند که ایرانیان را دوست می‌دارند و مایلند به ایشان شهادت دهند، بر آن شدم تا این فصل را باقی بگذارم. می‌توانید به سایت www.farsinet.com/persiansinbible بروید و متن انگلیسی این کتاب را برای دوست انگلیسی‌زبان خود کپی کنید یا می‌توانید مستقیماً برای من به نشانی al@christar.org ایمیل بفرستید و بخواهید تا این فصل یا تمام کتاب را برایتان به انگلیسی بفرستم. خوشحال خواهد شد که این کار را برایتان از طریق اینترنت یا بوسیله پست انجام دهم.

شهادت دادن به مردمی از فرهنگ دیگر در مورد مسیح، مشکلاتی دارد که یکی از آنها مسأله زبان است. دوست ایرانی شما ممکن است انگلیسی صحبت کند، اما آیا می‌تواند براحتی انگلیسی بخواند؟ خوشبختانه کتاب‌های مسیحی و ترجمه‌های مختلف کتاب‌مقدس به فارسی منتشر شده است. (توجه: ایرانیها زبان خود را فارسی می‌نامند، اما ما در زبان انگلیسی آن را Persian می‌خوانیم.) بعضی از مؤسسات هستند که این نشریات را می‌فروشند و آنها می‌توانند منابع خوبی برای شهادت به دوستان ایرانی‌تان باشند. در ذیل پاسخ برخی از سؤالاتی که ممکن است داشته باشید، همراه با اطلاعاتی در مورد مؤسسات فوق عرضه می‌شود.

الف- از کجا می‌توانم مطالب و نشریات مناسب به زبان انگلیسی یا فارسی برای اهدا به یك دوست بیابم؟

الف) مؤسسه .Multi-Language Media Inc به نشانی www.multilanguage.com کتاب‌های مسیحی و کتاب‌مقدس و جزواتی از کتاب‌مقدس و چندین نوار ویدئویی از جمله فیلم عیسی را می‌فروشد. بیش از ۲۵ کتاب برای درك اسلام و شهادت دادن به مسلمانان به زبان انگلیسی موجود است. نشریاتی به حدود ٤٥ زبان، از جمله فارسی عرضه می‌شود. ترجمه کتاب‌مقدس به ۹۰ زبان و فیلم عیسی به ۳۰۰ زبان موجود است. با مؤسسه زیر می‌توانید از طریق پست عادی نیز تماس بگیرید. نشانی این مؤسسه به این شرح است:
P.O. Box 301, Ephrata, PA 17522, USA. Tel: +1-717-738 0582.

ب) انجمن بین‌المللی ایرانیان مسیحی به‌نشان www.farsinet.com/ici منابع گسترده‌ای از کتاب، کتاب‌های شاگردسازی برای نوایمانان، نوارهای موسیقی، و پیامهایی به فارسی، و نیز آثار دیگری برای انگلیسی‌زبانان در اختیار دارد. این انجمن به پناهندگان ایرانی کمك می‌کند تا در سایر کشورها اجازه اقامت بگیرند و اطلاعات دست‌اولی از جفای مسیحیان و سایر گروهها در ایران در دسترس دارد. نشانی پستی این انجمن به این شرح است:
I.C.I., P.O. Box 25607, Colorado Springs, CO 80936, USA. Tel: +1-719-596-0010.

همچنین مؤسسه .Persian World Outreach, Inc به نشانی www.persianwo.org فهرست مشابهی از کتاب و مطالب مسیحی در اختیار دارد. نشانی این مؤسسه به شرح زیر است:

Persian World Outreach, Inc. PO Box 62, Quinton, NJ 08072, USA.

ج) بعضی از کلیساهای فارسی‌زبان که نامشان در سایت www.farsinet.com/icc/ آمده، کتاب‌مقدس یا عهدجدید به فارسی را به رایگان در اختیار علاقمندان قرار می‌دهند. همچنین ترجمه تفسیری کتاب‌مقدس را می‌توانید در سایت www.gospelcom.net/ibs/bibles/farsi/ بیابید و بخشهایی از آن را کپی و چاپ کنید.

د) می‌توانید عهدجدید یا فیلم عیسی یا کتاب‌های مفید مسیحی را به‌عنوان هدیه کریسمس به دوست خود اهدا کنید تا معنای واقعی این رویداد را توضیح درك کنند.

ه) بسیاری از ایرانیان فکر می‌کنند که کتاب‌مقدس کتابی است غربی. اگر مطالبی را که از کتاب "ایرانیان در کتاب‌مقدس" فرا گرفته‌اید با آنان در میان بگذارید، نظیر اطلاعاتی از پادشاهان بزرگشان همچون کورش و داریوش، قطعاً باعث تعجبشان خواهید شد. شاید این کنجکاوی‌شان را جلب کند و مایل شوند این این بخشهای کتاب‌مقدس را که به این پادشاهان ایرانی اشاره می‌کنند، بخوانند.

ب- دوست ایرانی‌ام را به کدام کلیسا ببرم؟

الف) اگر دوست ایرانی‌تان مایل باشد، او را به کلیسای خودتان ببرید. گرچه جلسه ممکن است برای دوستتان غیرعادی و متفاوت باشد، اما شاید نحوه پرستش و سرود خواندن و موعظه کلام و شادی و روحیه دوستانه مسیحیان کجکاوی‌اش را جلب کند. پس از جلسه کلیسایی، از او بپرسید که از چه چیزی خوشش آمده است. بپرسید کدام قسمت‌ها را نفهمیده و از چه چیزهایی خوشش نیامده است.

ب) هم‌اکنون ۴۲ مشارکت فارسی‌زبان در ایالات متحده و کانادا هست که اسامی‌شان را می‌توانید در سایتwww.farsinet.com/icc/ بیابید. اگر در نزدیکی یکی از کلیساهای فارسی‌زبان زندگی می‌کنید، دوستتان را به یکی از این جلسات ببرید. او حتماً تعجب خواهد کرد از اینکه ببیند چنین تعدادی از هموطنانش به مسیح روی آورده‌اند. فقط در کالیفرنیا حدود ۲۰ گروه وجود دارد. سایت فوق حاوی نام و نشانی کلیساهای فارسی‌زبان در اروپا، تایلند، کره، استرالیا، و سایر نقاط جهان می‌باشد که ایرانیان به آنها مهاجرت کرده‌اند.

ج) چگونه می‌توانم با اعتقادات ایرانیان مسلمان آشنا شوم؟

کتاب‌های مربوط به اسلام را می‌توانید از سایت‌هایی که قبلاً معرفی شد، تهیه کنید. اکثر ایرانیها شیعی مذهب می‌باشند؛ شیعیان در خصوص جانشین پیامبر اسلام با سنی‌ها اختلاف نظر دارند. دوست ایرانی شما ممکن است مسلمانی معتقد باشد، یا مسلمانی صوری که هیچ اطلاعی هم از مذهب خود ندارد. کانون اعتقادات اسلامی استوار است بر انجام کارهای نیك به‌منظور کسب رستگاری از خدا، بجای توکل ساده به خدا که نجات را از طریق عیسی مسیح مهیا کرده است.

د) چگونه به سؤالات دوستم در مورد مسیحیت پاسخ دهم؟

چرا شما سه خدا دارید؟ چطور ممکن است که خدا پسری داشته باشد؟ مگر عیسی فقط یك پیامبر نبود؟ چگونه ممکن است که انسان فقط محض ایمان نجات یابد؟ چطور ممکن است خدا اجازه بدهد که پیامبری مقدس مصلوب شود؟ آیا کتاب آسمانی شما تحریف نشده است؟ آیا قرآن جایگزین آن نگردیده است؟ چرا مسیحیان طی جنگهای صلیبی با مسلمانان جنگیدند و آنان را کشتند؟ اورشلیم متعلق به کیست؟ اینها سؤالاتی است که ممکن است از دوست مسلمان خود بشنوید. سایت www.answering-islam.org منبعی است عالی برای کسب پاسخ به این دست از سؤالاتِ دوستانتان. هرگز اجازه ندهید که ارتباطتان تبدیل به بحث و جدل گردد. به یاد داشته باشید که دوست ایرانی شما نیز ممکن است خود را موظف بداند که از اعتقادات اسلامی‌اش دفاع کند. وقتی کنجکاوی‌اش تبدیل به اعتراض شد، بهتر است کتاب‌هایی به فارسی یا انگلیسی در اختیار او قرار دهید یا او را با یکی از سایتها آشنا کنید تا پاسخ خود را در آنها بیابد. شاید با خواندن یك کتاب یا دریافت اطلاعات از یك سایت، نسبت به انجیل حالتی پذیراتر بیابد.

ه) از کجا می‌توانم شهادت ایرانیانی را که مسیحی شده‌اند، بدست آورم؟

الف) پیش از آنکه در خصوص ایرانیانی که به مسیح روی آورده‌اند شهادت دهید، نخست خود را در آینه بنگرید! شهادت شما می‌تواند وسیله‌ای نافذتر باشد برای هدایت دوست ایرانی‌تان بسوی مسیح.

ب) سایت www.farsinet.com/dibaj شهادت‌نامه کتبی مهدی دیباج را دارد. دیباج بخاطر ایمانش به عیسی مسیح، هشت سال در حبس بود و سرانجام در دسامبر ۱۹۹۳ در ساری محاکمه شد. او رسماً محکوم به ارتداد گردید. پس از آنکه توسط دادگاه محکوم شناخته شد، موقتاً آزاد گردید، اما چند ماه بعد به شهادت رسید (به فصل ۱۵ این کتاب مراجعه کنید). چندین نوار کاست از موعظه‌های مهدی دیباج پیش از شهادتش موجود است و آنها را می‌توانید از سایت www.persianwo.org تهیه کنید.

ج) اگر مایلید شهادت‌های زنده ایرانیانِ مسیحی را بشنوید، دوست خود را به یك کلیسای ایرانی یا یك کنفرانس ایرانی کتاب‌مقدس ببرید. ایمانداران ایرانی با ایمانداران آمریکایی فرق دارند. نیازی نیست که ایشان را مجبور کنید که در مقابل کلیسا یا یك گروه، شهادتی نیم‌دقیقه‌ای در مورد نحوه نجاتشان توسط مسیح بدهند. اکثر ایرانیان به‌هنگام پذیرش عیسی مسیح چنان شور و شعفی دارند که نمی‌توانند خود را کنترل کنند. از اینرو، شهادت ایشان ممکن است پانزده یا بیست دقیقه یا حتی بیشتر هم طول بکشد.

و- از کجا می‌توانم سرودهای مسیحی ایرانی پیدا کنم؟

بر خلاف دین اسلام که فاقد سرودهای پرستشی است، مسیحیت ایرانی از انواع موسیقی‌ها و سرودهای عبادتی برخوردار می‌باشد. سایت www.farsinet.com/ici یا www.persianwo.org فهرستی از موسیقی و نیز سرودهای مسیحی تدارك دیده که می‌توان از اینترنت کپی کرد. بسیاری از ایرانیان مسیحی هستند که استعداد موسیقی خود را برای خداوند عیسی مسیح به‌کار می‌برند.

فصل ۱۸

ایرانیان امروز در کدام کشورها زندگی می‌کنند؟

بسیار دشوار است که رقم دقیقی از ایرانیانی ارائه دهیم که در خارج از ایران زندگی می‌کنند. عده‌ای از ایشان بطور غیرقانونی در کشورهای مختلف بسر می‌برند و از شمار آنان اطلاعی در دست نیست. بعضی نیز جزو گروههای قومی دیگر به‌حساب آمده‌اند. بااینحال، بهترین آماری را که توانسته‌ام بدست آورم، در اینجا ذکر می‌کنم.

آمار زیر را انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی منتشر ساخته است:

پراکندگان ایرانی در ایالات متحده
(۱۹۹۸)

بعضی از ایالتهای آمریکا	جمعیت ایرانی
لوس‌آنجلس و کالیفرنیای جنوبی	۵۵۰,۰۰۰
منطقه بی و کالیفرنیای شمالی	۲۰۰,۰۰۰
منطقه واشینگتن دی.سی (شامل مریلند و ویرجینیا)	۱۲۰,۰۰۰
تکزاس	۱۰۰,۰۰۰
هوستن	۳۵,۰۰۰
دالاس	۲۰,۰۰۰
سایر نقاط تکزاس	۴۵,۰۰۰
نیویورك و اطراف	۸۰,۰۰۰
شیکاگو	۲۰,۰۰۰
مقیم در مناطق دیگر (×)	۲۸۰,۰۰۰
جمع	۱,۳۵۰,۰۰۰

ایرانیان مقیم آمریکا به مشاغل صنعتی و اداری مشغولند. در شمال کالیفرنیا، ایرانیان بیشتر درحرفه‌های کامپیوتری مشغول به کارند، و بسیاری در کالیفرنیای جنوبی در امور فروش و مواد مصرفی مشغولند. همچنین بسیاری از ایرانیان دارای مشاغلی نظیر وکالت، طبابت، دندانپزشکی، و مهندسی می‌باشند. هیچ آماری بر حسب شغل و پیشه در دست نیست.

(×) در این گروه، شهرهایی که دارای جمعیتی ایرانی بالاتر از ٤۰۰۰ نفر می‌باشد، عبارتند از دِنور، سیاتل، پورتلند (آرگن)، آتلانتا، دیترویت، و اوکلاهماسیتی.

برآورد جمعیت‌شناختی ایرانیان مقیم ایالات متحده

تقسیم‌بندی ایالات متحده بر حسب نوع ویزا

نوع ویزا	پیش از انقلاب اسلامی	پس از انقلاب اسلامی
دانشجو	۷۵,۰۰۰	۵,۰۰۰
مهاجرین و خانواده‌هایشان	۱۷۵,۰۰۰	۱,۲۸۰,۰۰۰
پناهنده (×)	(مهاجر و توریست)	۵۰,۰۰۰
بدون ویزای مشخص		۱۰,۰۰۰
ویزای توریستی		۵,۰۰۰
جمع	۲۵۰,۰۰۰	۱,۳۵۰,۰۰۰

(×) دادگاه دولتی ایالات متحده سالانه ۳۰۰۰-۴۰۰۰ نفر ایرانی را به‌عنوان پناهنده می‌پذیرد.

تقسیم‌بندی ایالات متحده بر حسب زمینه مذهبی

مذهب	تعداد	درصد از کل
ارمنی و آسوری	۱۳۵,۰۰۰	۱۰
بهایی	۱۳۵,۰۰۰	۱۰
یهودی	(مهاجر و توریست)	۵
مسلمان	۱,۰۱۲,۵۰۰	۷۵

به‌نظر می‌رسد که گروههای ایرانیان بر حسب مذهب خود در مناطق خاصی از ایالات متحده اقامت گزیده‌اند:

مذهب	محلهای سکونت
ارمنیها	کالیفرنیای جنوبی.
آسوریها	شیکاگو و سن‌خوزه و اطراف آن.
بهائیان	اطلاع دقیقی در دست نیست، اما احتمالاً در ایلینویز، که در آن عبادتگاه بهائیان وجود دارد، و نیویورك که در آن سازمان پناهندگان بهایی هست.
یهودیان	کالیفرنیای جنوبی و نیویورك و اطراف آن.
مسلمانان	کالیفرنیای جنوبی و شمالی، تگزاس و واشینگتن دی.سی.

پراگندگان ایرانی در سراسر جهان
(۱۹۹۹)

	کشور	جمعیت		کشور	جمعیت
۱	افغانستان	۲۰,۰۰۰	۱۸	لبنان	۳۰,۰۰۰
۲	استرالیا	۵۳,۵۰۰	۱۹	نروژ	۶,۰۰۰
۳	اتریش	۱۵,۰۰۰	۲۰	پاکستان	۱۴۰,۰۰۰
۴	بلژیك	۸,۰۰۰	۲۱	فیلیپین، کره و ژاپن	۳۰,۰۰۰

۵	کانادا	۱۲۰,۰۰۰	۲۲	آفریقای جنوبی	۱۰,۰۰۰
۶	چین	۱۰,۰۰۰	۲۳	اسپانیا و پرتغال	۱۵,۰۰۰
۷	قبرس	۵,۰۰۰	۲۴	سوئد	۲۰,۰۰۰
۸	دانمارک	۱۰,۰۰۰	۲۵	سوریه	۵۰,۰۰۰
۹	اروپای شرقی	۳۰,۰۰۰	۲۶	هلند	۱۰,۰۰۰
۱۰	فنلاند	۲,۰۰۰	۲۷	دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع	۶۰,۰۰۰
۱۱	فرانسه	۶۲,۰۰۰	۲۸	ترکیه	۸۰۰,۰۰۰
۱۲	آلمان	۱۱۰,۰۰۰	۲۹	امارات متحده عربی، بحرین، و سایر کشورهای خلیج	۳۵۰,۰۰۰
۱۳	یونان	۲۰,۰۰۰	۳۰	بریتانیای کبیر	۸۰,۰۰۰
۱۴	هندوستان	۶۰,۰۰۰	۳۱	ایالات متحده آمریکا	۱,۳۵۰,۰۰۰
۱۵	عراق	۲۵۰,۰۰۰	۳۲	آمریکای مرکزی و جنوبی و سایر نقاط جهان	۳۰,۰۰۰
۱۶	اسرائیل	۳۰,۰۰۰		جمع کل	۳,۹۱۲,۵۰۰
۱۷	کویت	۱۰۰,۰۰۰			

گرچه ما دائماً در باره مسیحیان مسلمان‌زاده صحبت کرده‌ایم، اما پیروان سایر ادیان نیز بوده‌اند که بخاطر آزارهای مذهبی از ایران گریخته‌اند. تعداد تخمینی پراکندگان ادیان مختلف در اثر آزارهای مذهبی بشرح زیر می‌باشد:

ایرانیان پراکنده به‌سبب آزارهای مذهبی

مذهب	آمار جمعیت
بهایی‌ها	۲۰۰,۰۰۰
ارمنیان (چه مسیحیان ظاهری، چه مؤمنین واقعی)	۱۰۰,۰۰۰
آسوریان (چه مسیحیان ظاهری، چه مؤمنین واقعی)	۳۰,۰۰۰
یهودیان	۳۰,۰۰۰
زرتشتیان و سایر اقلیت‌های غیرمسلمان	۱۰,۰۰۰
مسلمانانی که به مسیحیت گرویده‌اند	۱۳,۰۰۰
مسلمانان سنی، صوفی‌ها، و سایر مسلمانان	۲۵,۰۰۰
جمع	۴۰۸,۰۰۰

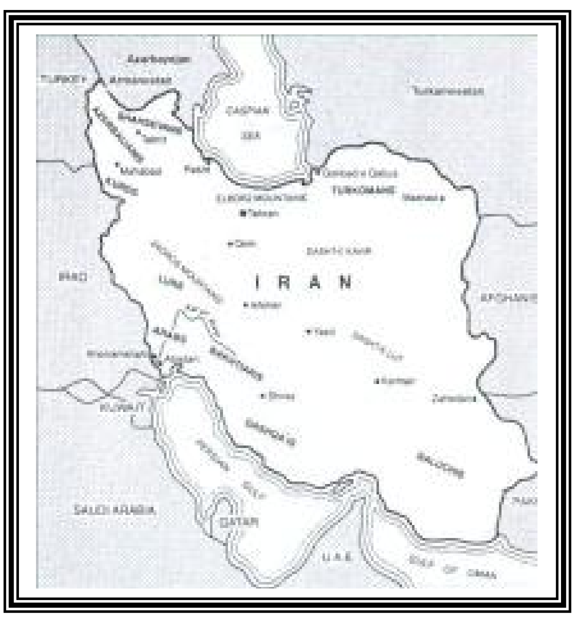
اگر تعداد تخمینی ۵۰۰ر۹۱۲ر۳ از ایرانیان پراکنده در سال ۱۹۹۹ را با رقم ۰۰۰ر۴۰۸ مقایسه کنیم، مشاهده می‌کنیم که حدود ۱۰% از ایرانیان مهاجر، به‌علت آزارهای مذهبی وارده یا ترس از بروز آزار در صورت بازگشت به وطن، از ایران گریخته‌اند.
اطلاعات جالب در باره ایران:

بر اساس "دائرةالمعارف مسیحیان جهان" جمعیت ایران در سال ۲۰۰۰، حدود ۶۷٫۷۰۲٫۰۰۰ نفر بوده است. ۳۶% این تعداد را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دهند، و ۶۲% شهرنشین بوده‌اند. نرخ باسوادی برای مردان ۷۸% و برای زنان ۶۵% بوده است. بیش از ۲٫۰۰۰٫۰۰۰ پناهنده از سایر کشورها، خصوصاً از افغانستان، در ایران زندگی می‌کنند.

در همین دائرةالمعارف آمده که ۹۶% مردم ایران مسلمانند، ۳% زرتشتی، ۰/۵% بهایی، و ۰/۵% مسیحی می‌باشند. از تعداد ۳۶۳٫۰۰۰ مسیحی، ۸۷% ارمنی یا آسوری (عضو کلیسای گریگوری و شرق آشور) بوده و بقیه ۴۷٫۰۰۰ نفر پروتستان و کاتولیک می‌باشند.

شهرهایی که جمعیتشان بیش از ۵۰۰٫۰۰۰ نفر می‌باشد

شهر	آمار جمعیت
آبادان	۶۴۳,۰۰۰
اهواز	۱,۱۰۸,۰۰۰
باختران (کرمانشاه سابق)	۹۴۹,۰۰۰
اصفهان	۲,۶۲۴,۰۰۰
مشهد	۲,۳۷۸,۰۰۰
قم	۷۹۵,۰۰۰
شیراز	۱,۱۱۳,۰۰۰
تبریز	۱,۶۲۴,۰۰۰
تهران	۷,۳۸۰,۰۰۰



درس ۱۹

راهنمای معلمین مدرسه یکشنبه و گروههای کوچك

معلم یا شبان عزیز،

در فصل‌های زیر به اندازه کافی مطلب هست تا بر اساس راهنمایی عرضه‌شده، برنامه‌ای برای سه ماه تدارك ببینید:

درس ۱ – فصل ۱	یك سلسله سلطنتی پا به عرصه وجود می‌گذارد
درس ۲ – فصل ۲	دانیال بر سرگشتگی فرهنگی غالب می‌آید
درس ۳ – فصل ۳	گذر از رؤیا به تاریخ: پیشگوییهای دانیال
درس ٤ – فصل ٤	دقیق‌ترین کتاب تاریخ دنیا
درس ٥ – فصل ٥	دعاهایی نیرومند از پارس
درس ٦ – فصل ٦	چگونه پنج پادشاه ایران وارد کتاب‌مقدس گردیدند؟
درس ۷ – فصل ۷	استر ملکه پارسی
درس ۸ – فصل ۸	پادشاهان پارس عزرا و نحمیا را به اورشلیم می‌فرستند
درس ۹ – فصل ۹	چرا عیلام اینقدر مهم می‌باشد؟
درس ۱۰- فصل ۱۰	اثرات گسترده پنطیکاست: میسیونرهای ایرانی در آسیا
درس ۱۱- فصل ۱۱	نقش استراتژیك ایران در نبوت‌های مربوط به آینده
درس ۱۲- فصل ۱۲	درك رسوم کتاب‌مقدس به کمك فرهنگ ایرانی
درس ۱۳- فصل ۱۳	کریسمس از چشم‌انداز فرهنگ ایرانی

اگر فکر می‌کنید که مطالب فوق برای یك درس کافی نیست، می‌توانید از فصل‌های اضافی استفاده کنید. اگر لازم دیدید، می‌توانید هر یك از فصل‌های اضافی را جایگزین فصل‌های فوق نمایید و به شاگردان خود نشان دهید که خدا چگونه در میان ایرانیان کار کرده است و چگونه در زمان حاضر کار می‌کند. توجه داشته باشید که بخش عمده فصل ٥ را اختصاص داده‌ام به دعاهای مختلف برای دنیای فارسی‌زبان.

برای رهبران گروههای کوچك، موضوع‌های متنوعی برای بحث و تبادل نظر وجود دارد. پیشنهاد من این است که نصف مطالب را از فصل‌های ۱ تا ۱۳ استفاده کنید که محتوای کتاب‌مقدسی دارد. چندین بحثِ گروهی‌تان را می‌توانید اختصاص دهید به آنچه که امروز در میان ایرانیان روی می‌دهد و برای این امر، می‌توانید از فصل‌های دیگر استفاده کنید. حتماً بخشهای "کاربرد شخصی" و "کاوشی عمیق‌تر" را به‌کار ببرید.

آیه‌های کتاب‌مقدس که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته، از ترجمه قدیمی فارسی می‌باشد. اما حتماً از ترجمه‌های امروزی نیز در کلاس استفاده کنید.

دعای من این است که شما و شاگردانتان با درك عمیق‌تر کار خدا از طریق فارسی‌زبانان آنگونه که در کتاب‌مقدس آشکار شده، شادی و وجد نمایید. به‌علاوه، امید من این است که تشویق شوید تا با شور و حرارت بیشتری برای کاری که خدا در آینده خودتان و ایران، و ایرانیان سراسر جهان انجام خواهد داد، دعا کنید.

فصل ۲۰

سخنی از نویسنده کتاب

خواننده عزیز فارسی‌زبان،

به‌هنگام مطالعه این کتاب و آیاتی که از کتاب‌مقدس در آن نقل شده، آیا ملاحظه کردید که خدا ایرانیان مختلفی را آماده ساخت تا او را شخصاً بشناسند؟ آیا به‌خاطر دارید که خدا کورش را به‌نام فرا خواند؟ آیا به‌یاد دارید که چگونه استر در شرایطی غیر عادی انتخاب شد تا "برای چنین زمانی" به سلطنت برسد؟ آیا به‌خاطر دارید دانیال سازش‌ناپذیر را که چگونه در دل خود قصد نمود تا خود را نجس نسازد، بلکه خدای زنده را خدمت نماید؟

شما نیز می‌توانید خدا را به‌گونه‌ای شخصی بشناسید. برای یك لحظه، خود را به جای آن ایرانیان دیندار بگذارید (پارتیان، مادیان، و عیلامیان) که پس از مرگ و قیام عیسی در اورشلیم بسر می‌بردند. اعمال ۲: ۲۲-۲۳ و ۳۶ می‌فرماید که پطرس ایستاد و به جماعت گفت: "ای مردان اسرائیلی، این سخنان را بشنوید. عیسی ناصری، مردی که نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت به قوات و عجایب و آیاتی که خدا در میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خود می‌دانید، این شخص چون بر حسب اراده مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما به دست گناهکاران بر صلیب کشیده، کشتید... پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است."

سه هزار نفر در آن روز به گناهان خود ملزم شدند و پرسیدند که چه باید بکنند تا نجات یابند. آنان این حقیقت کتاب‌مقدس را که در رومیان ۶: ۲۳ ذکر شده، درك کردند که می‌فرماید: "زیرا که مزد گناه موت است، اما نعمت خدا حیات جاودانی در خداوند ما عیسی مسیح." ایشان از عیسی مسیح خواستند تا نجات‌دهنده و خداوندشان گردد. بله، عیسی مصلوب شد و جریمه گناهان ایشان و ما را پرداخت، و باز زنده شد. ایشان به گفتار پطرس ایمان آوردند و توبه کردند. در آن روز، بسیاری از ایرانیان خدا را به‌گونه‌ای شخصی شناختند و به‌عنوان مسیحیان برخوردار از تولد تازه، به ایران باز گشتند تا بشارت انجیل را اعلام کنند.

اکنون، پس از گذشت سالها، در این قرن ۲۱، شما نیز می‌توانید این خداوند را بخوانید و از او درخواست نمایید تا گناهانتان را ببخشد و نجات یابید. تنها کاری که برای دریافت آمرزش گناهان و اطمینان از حیات جاودانی باید انجام دهید، این است که از عیسی مسیح سپاسگزاری نمایید، سپاسگزاری برای اینکه برای شما بر روی صلیب مرد و جریمه گناهانتان را پرداخت، و سپس با ایمان او را به‌عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرید. آیا این کار کرده‌اید؟ اگر کرده‌اید، پس شما نیز خدا را به‌گونه‌ای شخصی می‌شناسید. آیا او را به‌عنوان خداوند خود پذیرفته‌اید؟ فراموش نکنید که استر و دانیال و آن ایرانیان مسیحی قرن اول، با خدا رابطه‌ای زنده داشتند. آیا جرأت کرده‌اید که مانند آنان باشید؟ آرزوی من این است که تمام کسانی که این کتاب را می‌خوانند، مانند آن مردمان ایمانداری باشند که در ایران زندگی می‌کردند. اگر مایلید اطلاعات بیشتری در خصوص شناخت شخصی خدا داشته باشید، لطفاً با من با نشانی یا سایتی که در مقدمه آمده است، تماس بگیرید.

الن هانتزینگر

بهای کتاب ایرانیان در کتاب‌مقدس

- برای آنانی که به پیشینه ایران در کتاب‌مقدس علاقمندند
- برای کلاسهای بزرگسالان در مدرسه یکشنبه
- برای گروههای کوچك مطالعه کتاب‌مقدس
- برای اهداء به دوستان ایرانی

همه قیمت‌ها شامل هزینه حمل و نقل و مالیات احتمالی فروش در آمریکا می‌باشد.

تك فروشی "ایرانیان در کتاب‌مقدس" ـ ۸ دلار

اگر ۵ نسخه یا بیشتر سفارش دهید ـ هر نسخه ۷ دلار

اگر ـ۲ نسخه یا بیشت سفارس دهیدر ـ هر نسخه ۶ دلار

برای ارسال با پست هوایی به سایر کشورها، هزینه‌ای اضافی تعلق می‌گیرد

کانادا ۳ دلار؛ سایر کشورها ٤ دلار

مایلم _____ نسخه از ترجمه فارسی دریافت دارم و بدینمنظور مبلغ _____ دلار ارسال می‌دارم.
مایلم _____ نسخه از متن انگلیسی دریافت داریم و بدینمنظور مبلغ _____ دلار ارسال می‌دارم.

لطفاً کتاب‌ها را به نشانی زیر ارسال دارید:

نام____Name

نشانی____Address

____

شهر__________________ City ایال_____________State

کدپستی_______________Zip کشور_______________Country

لطفاً چك یا "مانی‌اوردر" خود را به‌نام Christar بفرستید. پول نقد مطلقاً نفرستید.

Allyn Huntzinger
c/o Christar
PO Box 14866
Reading, PA 19612
USA